کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۴ آذر ۱۳۷۱ – ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲ – دوره سوم شماره ۴۸

KAR, No. 48 Wednsday 25 Nov 1992

بازگشت بی‌نظیر بوتو به صحنه

در صفحه ۱۲

از سرگیری جنگ در آنگولا

در صفحه ۱۲

خصومت و تسلیح در منطقه

جو سوءظن، منطقه را در بر گرفته و خطر بروز ماجراجویی‌های تازه، مدام افزایش می‌یابد. تداوم تسلیح جنون آسای کشورهای منطقه به انواع سلاح‌های تهاجمی و فاجعه بار، و تشدید جو تخاصم سیاسی، دو مشخصه اصلی وضع نگران کننده منطقه است.

جمهوری اسلامی، عربستان سعودی، اسرائیل، شیخ‌نشین های خلیج‌فارس، ترکیه و دیگران برای تجهیز به سلاحهای استراتژیک و تعرضی با یکدیگر مسابقه میدهند. غرب و بویژه امریکا، روسیه، چین و کشورهایی چون آرژانتین، برزیل و کره شمالی و غیره نیز برای تسخیر بازار سلاح این منطقه ثروتمند، سخت با یکدیگر در رقابت هستند.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی بر می‌گردد، این حکومت نه فقط در پی اتخاذ یک تدبیر اصولی و واقعی برای مهار این روند مخاطره آمیز نیست بلکه خود از عوامل عمده پدید آمدن این وضع است. رژیم با استناد به لزوم اصل موازنه قدرت و آمادگی برای مقابله با ''استکبار''، در پی دست یابی به سلاح‌های پیشرفته و نیز هسته‌ای است. آخرین خبر در این زمینه طرح خرید اورانیوم غنی شده از دوکشور چین و آرژانتین است که گفته می‌شود بر اثر فشار امریکا به این دو کشور معوق مانده است. در همین راستا، جمهوری اسلامی برای معامله با هند نیز کوششهایی کرده است که با امتناع دولت هند مواجه شده است. زیر دریایی دیزلی خریداری شده از روسیه که بهانه‌ای شد تا امریکا زیردریایی اتمی خود را وارد آبهای خلیج فارس کند، در بندرعباس استقرار یافته است. انبار شدن انواع سلاحها اعم از موشک‌های اسکاد ساخت کره شمالی میگ ۲۹های روسی و سلاح‌های چینی و اسلحه‌های مدرن خریداری شده از غرب با شتاب ادامه دارد.

باآنکه مطبوعات غرب فقط جنون تسلیحاتی جمهوری اسلامی را هدف حمله خود قرار داده‌اند و در باره اسرائیل، عربستان، کویت، ترکیه، پاکستان و دیگران سخن چندانی به میان نمی‌آورند، اما سفارشات این کشورها بویژه عربستان و کویت به انحصارات اسلحه سازی یک لحظه هم قطع نمی‌شود.

اما مسابقه تسلیحاتی در منطقه آنجا خطرناک می‌گردد که انواع دسیسه‌ها و تحریکات سیاسی از سوی کشورهای منطقه از یک سو و امریکا از سوی دیگر در نظر گرفته شود.

مقامات امریکایی اعم از آنهایی که بزودی کاخ سفید را ترک خواهند گفت و یا آنان که مصدر امور خواهند شد، فرض‌ورزانه با عمده کردن خطر جمهوری اسلامی و بنیادگرائی از میان خطرهای متعدد در منطقه همچون زورگویی‌های اسرائیل، قدرت طلبی ترکیه، فزون طلبی‌ها در برخی از حکومت‌های عربی، علیه این رژیم شاخ و شانه می‌کشند و انواع دسته‌بندی‌های سیاسی را سازمان می‌دهند.

حسنی مبارک، تهران را عامل فتنه در مصر و دیگر کشورهای عربی اعلام کرده است و با توجه به موقعیت ویژه مصر در جهان عرب و شمال افریقا می‌کوشد اعراب را علیه جمهوری اسلامی متحد کند.

رژیم تل‌آویو از کلینتون خواسته است تا سیاست امریکا علیه جمهوری اسلامی را قاطعیت بیشتری دهد.

در برابر، رژیم جمهوری اسلامی تدبیر را این می‌داند که هرچه

ادامه در صفحه ۲

اقدامات واپسگرایان شدت گرفته است

- دفتر انتشارات نقره منفجر شد
- انتشار آثار اسماعیل خویی و نادر نادرپور ممنوع گردید
- رئیس دانشگاه آزاد اسلامی: در تحقق امر بمعروف و نهی از منکر اگر لازم باشد چندهزار دانشجو و استاد را اخراج می‌کنیم

فعالیت نیروهای واپس‌گرا در زمینه مسائل فرهنگی شدت گرفته است. این مسئله در اقدامات عملی، سخنرانی‌ها و موضع‌گیریها که در مطبوعات انعکاس دارد، به‌طور آشکار مشاهده می‌شود.

*به نوشته جراید کشور در اواسط آبانماه بمبی در دفتر انتشاراتی نقره واقع در خیابان کریم‌خان زند منفجر شد و آتش‌سوزی بزرگی به بار آورد. بمب در برابر در ورودی مرکز ''نشر نقره'' کار گذاشته شده بود. بر اثر این انفجار حدود ۳ میلیون ریال خسارات مالی وارد آمد. این انتشاراتی یک بنگاه خصوصی است که کتاب‌های مختلف سیاسی و اجتماعی منتشر می‌کند ''نشر نقره'' چند سال قبل کتاب ''طوبی و معمای شب'' نوشته خانم شهرنوش پارسی‌پور را منتشر کرده‌بود. این کتاب با واکنش تند نیروهای قشری بویژه روزنامه کیهان قرار گرفت.

این بمب‌گذاری در مطبوعات بازتاب پیدا کرد. عطاالله مهاجرانی معاون رفسنجانی طی یادداشتی - نقد حال - در روزنامه اطلاعات نسبت به‌این اقدام واکنش نشان داد و گفت: ''اقداماتی از این قبیل اگر کار دشمنان دانایی نباشد که می‌خواهند چهره اسلام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را ضد کتاب و اندیشه و آزادی نشان دهند، می‌تواند کار افراد نادانی باشد که بدلیل مخالفت با یک کتاب یا یک‌نویسنده، با ناشر یا کتابفروشی برخورد می‌کنند.'' کیهان هوایی بلافاصله به یاد داشت مهاجرانی جواب داد و نوشت اگر چنین اقدامی از سوی نیروهای معترض به انتشار کتاب ''زنان بدون مردان'' باشد - که مدتهاست به صورت مقوله‌ای فراموش شده درآ مده - بسیار دور از ذهن به‌نظر می‌رسد. کیهان هوایی که در تحریف حقایق ید طولایی دارد احتمال دا د که بمب‌گذاری از جانب کسانی انجام گرفته است که می‌خواهند با برخی اقدامات حساب شده تنگ‌نظری را آفتی حادتر برای جامعه کنونی ترسیم کنند.

ادامه در صفحه ۲

اجلاس آنکارا با تجزیه عراق مخالفت کرد

وزاری خارجه سه کشور ایران، ترکیه و سوریه در پایان نشستی دو روزه در آنکارا که برای بررسی مسائل شمال عراق برگزار شده بود، مخالفت خود را با هر حرکتی که به تجزیه عراق کمک کند اعلام کردند و در عین حال رژیم بغداد را عامل رنج و بدبختی ملت عراق اعلام نمودند.

در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی که در پی اجلاس آنکارا برگزار گردید، وزاری خارجه هر سه کشور اعلام کردند تنها با روی کار آمدن حکومتی متکی به آرای کلیه مردم، صلح و ثبات در عراق حاکم خواهد شد. ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ضمن مخالفت با هر گونه تجزیه طلبی، از حفظ وحدت، یکپارچگی و تمامیت ارضی و زندگی محترمانه و برخاسته از خواست مردم عراق حمایت کرد. ولایتی گفت: خطر نه تنها وحدت و یکپارچگی عراق که صلح و ثبات منطقه، بویژه همسایگان عراق را تهدید می‌کند.

ادامه در صفحه ۵

رفسنجانی: بجای حکومت ولی فقیه می‌تواند ''حکومت اضطراری'' تشکیل شود

- ولی فقیه نمی‌تواند هرجور خواست عمل کند
- مردم می‌توانند بطور مستقیم رهبر انتخاب کنند

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۱۵ آبان ماه در جریان بحث پیرامون ''ولایت فقیه'' مسایلی را عنوان کرد که تهدیدی غیر مستقیم علیه علی خامنه‌ای محسوب شد. رفسنجانی در سخنان خود محدود بودن اختیارات و قدرت ولی فقیه را مورد تاکید قرار داد. وی حکومت ولی فقیه را به ۳ شرط محدود کرد و در مورد شرط اول گفت: ولی فقیه ''همه کارها را خودش نمی‌تواند انجام دهد و شعبه‌های امور – قانون‌گذاری، قضاوت، اجراء، دفاع – بخش جداگانه‌ای از شاخه‌های حکومتند که آنها هم زیر نظر ولی فقیه با شرایط خاص خودشان میتوانند عمل کنند.'' رفسنجانی افزود: ''موضوع دوم در مورد ولی فقیه محدوده کارش است. این طور نیست که وقتی ولی فقیه حاکم و با شرایط خودش انتخاب شد، هرجور خواست عمل کند. این جور نیست. حتما باید در محدوده اسلام و منطبق با موازین اسلامی باشد.'' وی در مورد شرط سوم گفت: ''قید سوم آن در قانون اساسی ما این است که از طریق انتخابات به قدرت برسد ... این رای می‌تواند هم مستقیم باشد و هم غیر مستقیم در حال حاضر در بسیاری کشورها که حکومت عرفی دارند، همینطوری است. در کشورما غیر مستقیم است. یعنی مردم به خبرگان رای میدهند و خبرگان رهبر را انتخاب می‌کنند. این می‌تواند مستقیم هم باشد. مردم می‌توانند بطور مستقیم رهبر انتخاب کنند. این را در قانون اساسی تنظیم کردیم تا اشکال فنی در مرحله اجرا به وجود

ادامه در صفحه ۲

اجلاس سالانه بانک توسعه اسلامی

در روزهای ۱۹ و ۲۰ آبانماه هفدهمین اجلاس سالانه بانک توسعه اسلامی با شرکت نمایندگان ۴۵ کشور اسلامی در تهران برگزار گردید. در این اجلاس بیش از ۲۰ وزیر دارایی و اقتصاد کشورهای عضو، ۷ رئیس کل بانک مرکزی، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی و روسای کل بانک توسعه اسلامی حضور داشتند. آنها ضمن بررسی وضعیت اقتصاد جهانی و راه‌های تحکیم روابط کشورهای مسلمان، طرازنامه و صورت‌های مالی بانک در سال‌های گذشته را تصویب کردند. اعضای شرکت‌کننده در اجلاس تهران همچنین با پیشنهاد تشکیل یک صندوق مالی برای کمک به کشورهای کمتر توسعه‌یافته که حدود ۲۰ کشور هستند موافقت کردند.

بانک توسعه اسلامی در سال ۱۳۵۴ با سرمایه‌ای حدود ۲/۱ میلیارد دینار اسلامی آغاز به کار کرد و اکنون سرمایه اصلی آن به ۶ میلیارد دینار اسلامی افزایش یافته است. دینار اسلامی واحد پول محاسباتی بانک است که ارزش آن معادل ۱/۴ دلار است. تمام عملیات این بانک منطبق با عقود اسلامی و قوانین شرعی است.

به‌گفته نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی کشور مهمترین نتیجه این اجلاس بحث درباره ایجاد بازار مشترک اسلامی بود که با تصمیمات اجلاس تهران برای توسعه تجارت بین کشورهای اسلامی، اولین گام برای ایجاد این بازار برداشته شد. او در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت که بانک توسعه اسلامی کشورهای عضو را در زمینه تامین و توسعه

ادامه در صفحه ۲

تظاهرات گسترده علیه رشد فاشیسم در آلمان

ماه نوامبر، آلمان شاهد تظاهرات متعدد و پردامنه علیه نیروهای راست افراطی و رشد تمایلات فاشیستی در این کشور بود.

در نخستین هفته ماه، برلین بپاخاست. بدعوت رئیس جمهور آلمان که با حمایت ارگان‌های حکومتی و نهادهای ذینفوذ همراه بود، مردم به اجتماع علیه اعمال فاشیستی فراخوانده شدند. در این تظاهرات ۳۵۰ هزار نفر شرکت داشتند و شعار اصلی تظاهرات، ماده اول قانون اساسی آلمان بود که در آن تصریح شده است: منزلت انسانی خدشه ناپذیر است.

در این گردهمایی، اکثریت تظاهرکنندگان از عدم تغییر بند ۱۶ قانون اساسی آلمان که بر تضمین حق پناهندگی تاکید دارد به دفاع برخاستند.

در روزهای بعد، مردم در بسیاری از شهرهای دیگر آلمان در مجموع با همان خواست‌ها و شعارها دست به تظاهرات زدند. شهر روستوک نیز که چند ماه قبل شاهد صحنه اعمال ننگین و جنایتکارانه نازیست‌ها علیه پناهندگان بود، به روند تظاهرات علیه فاشیسم پیوست.

در این سلسله تظاهرات، شهر بن جای ویژه‌ای یافت.

ادامه در صفحه ۲

تلاش امریکا برای جلوگیری از فروش تجهیزات هسته‌ای به ایران

واشینگتن پست، نوشته: SteveColl

ایران در اوایل امسال در صدد بود از چین و آرژانتین تجهیزات برای تولیدات هسته‌ای دریافت کند. اما ایالات متحده، بنا به‌گفته‌ی مقامات رسمی، از فروش این تجهیزات به ایران جلوگیری کرده است.

این مقامات گفته‌اند ایران با آرژانتین برای دریافت تجهیزات تولید سوخت هسته‌ای، و با چین برای دریافت یک راکتور بزرگ تحقیقاتی قرارداد بسته است.

رابرت گیت رئیس سیا در اوایل امسال هشدار داده بود که ایران تا سال ۲۰۰۰ قادر به تولید سلاح هسته‌ای خواهد شد. ماهواره‌های ایالات متحده شناسایی تاسیساتی را در ایران تشدید کرده‌اند که گفته می‌شود در ارتباط با تولیدات هسته‌ای هستند. اطلاعات بدست آمده در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای قرار گرفته است. بنابه گفته مقامات غربی تلاش‌های ایران برای دسترسی به سلاح هسته‌ای با دقت زیر نظر گرفته شده است.

ایران میگوید مانعی بر سر راه بازدید مقامات مسئول بین المللی وجود ندارد و کارشناسان مربوطه می‌توانند با بازدیدهای بیشتر متقاعد شوند که برنامه‌های هسته‌ای ایران تماما جنبه صلح‌آمیز دارند و عمدتا برای تولید برق به کار گرفته می‌شوند. تهران ایالات متحده را به نادیده گرفتن موافقتنامه‌های بین المللی در مورد انرژی هسته‌ای و به تلاش برای بی‌ثبات کردن ایران متهم می‌کند.

ایالات متحده به آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای هشدار داده است که یا اشتیاق هسته‌ای ایران را مهار کند و یا خطر

ادامه در صفحه ۳

در این شماره:

نقش متخصصین در تحولات سیاسی کشور — در صفحه ۷

اروپا؛ مردم نامطمئن، مهاجرین و نژادپرستی رو به گسترش — در صفحه ۸

نویسندگی همچنان پرمخاطره است — در صفحه ۹

www.iranarchive.com

یادداشت

پیامدهای حذف بودجه ارزی و تک نرخی کردن ارز

بر اساس آخرین طرحی که در مراکز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در دست بررسی است و هنوز بطور قطعی در مورد آن تصمیم‌گیری نشده است، قرار است بودجه ارزی لغو گردد و نیاز دستگاهها به ارز در قالب ریال پرداخت شود. بر اساس این طرح سازمان ها و دستگاه‌های اجرایی باید کلیه نیازهای ارزی خود را به قیمت روز از بازار و یا با نرخ شناور از شبکه بانکی تهیه کنند. بعلاوه بر اساس این طرح نرخ‌های متعدد ارز حذف و تک نرخی جایگزین آن خواهد شد. بگفته مقامات بانک مرکزی کارشناسان سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی با همکاری چهار تن از کارشناسان بانک جهانی که در ایران بسر می‌برند، مطالعات خود را برای برقراری سیستم تک‌نرخی ارز آغاز کردند. فعلا ارزش برابری ریال در مقابل دلار بطور دقیق تعیین نشده است ولی بنوشته روزنامه‌های کشور، دولت طی بخشنامه‌ای به وزارتخانه‌ها دستور داده است که نیاز ارزی خود را به ازاء هر دلار ۱۰۰۰ ریال محاسبه کنند. با این اقدام دولت می‌پذیرد که رسما ارزش برابری ریال را کاهش دهد.

لغو بودجه ارزی و یکسان کردن نرخ ارز پیامدهای وسیعی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور دارد و حساس‌ترین مرحله اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی است. این مسئله بطور گسترده در مطبوعات و جامعه مطرح شده و بحث‌های فراوانی را بر انگیخته است. وزیران کابینه، روسا و معاونین بانکها یکصدا و یک‌زبان از طرح دفاع می‌کنند و پیرامون زیانبار بودن چندنرخی و پیامدهای منفی آن در جامعه داد سخن می‌دهند. آنها تلاش می‌کنند که مواقب اقتصادی و اجتماعی تک‌نرخی کردن را ناچیز و قابل رفع جلوه دهند. رفسنجانی اظهار داشته که برخلاف نظر مطبوعات، یکسان سازی نرخ ارز موجب تورم نخواهد شد. وزیر صنایع سنگین نیز اعلام کرد که با یک‌نرخی شدن ارز محصولات داخلی با صرفه‌تر از واردات خواهد شد. تنها برخی روزنامه‌ها مطالبی در مورد تاثیرات منفی اجرای طرح در شرایط کنونی اقتصاد کشور درج کردند.

رفسنجانی و وزراء او علیرغم اظهارات رسمی‌شان، بر پیامدهای وسیع اجرای طرح در جامعه آگاهی دارند و بهمین خاطر می‌خواهند پای مجلس را به میان بکشند و طرح را به تصویب آن برسانند تا مسئولیت آن بر دوش مجلس بیفتد. محسن نوربخش وزیر اقتصاد و دارائی در سخنرانی خود در مجلس گفت: "تعیین سیاست ارزی کشور از جمله وظایف مجلس است". او اضافه کرد: "بحث مربوط به تعیین نرخ ارز، باید در مجلس انجام شود و چنانچه نمایندگان به این نتیجه رسیدند که نرخ ارز واحد شود، ما نرخ واحد را در نظر می‌گیریم، برعکس اگر صلاح بر ادامه سیستم فعلی است، ما همین سیاست دونرخی را دنبال خواهیم کرد".

چند نرخی بودن ارز و بودجه ارزی محصول جنگ و سیاست های جمهوری اسلامی است. در هیچ‌یک از کشورهای صنعتی و در حال توسعه بودجه ارزی مفهوم ندارد. چند نرخی بودن ارز در تولیدات کشور، واردات و صادرات، قیمت کالاها، شکل‌گیری مشاغل کاذب و انگلی، ریخت و پاش‌های راندمان تولید

تاثیرات منفی زیادی بجا گذاشته است. آن مطالبی که وزراء و کارشناسان حکومت امروز در زبان بار بودن این سیاست بزبان میرانند – در حالی که قبلا چنین حرفهایی نمی‌زدند – کمابیش حاوی واقعیت عملکرد چندنرخی بودن ارز و بودجه ارزی است. بدون تردید تک‌نرخی کردن ارز امری منطقی و بسود اقتصاد کشور در دراز مدت است. ولی آنچه اهمیت دارد این است که طرح با چه مکانیزمی و در چه شرایطی پیاده شود و چه تدابیری برای کاستن از آثار تورم و حمایت از اقشار کم‌درآمد جامعه اتخاذ گردد.

علیرغم ادعاهای رفسنجانی، حذف بودجه ارزی و تک‌نرخی شدن ارز موجب تشدید تورم و فشار بیشتر بر اقشار کم‌درآمد جامعه خواهد داشت. واحدهای تولیدی که تاکنون از ارز رقابتی استفاده می‌کردند، مجبور خواهند شد نیازهای خود را با نرخ ارز شناور تهیه کنند و بالنتیجه هزینه تولید بالا رفته و قیمت محصولات داخلی افزایش خواهد یافت. این امر از یک سو قدرت رقابت آنها را در رابطه با کالاهای خارجی پائین آورده و از سوی دیگر به رشد تورم منجر خواهد شد.

بعلاوه اجرای طرح برای بخشهای فرهنگی و اجتماعی مشکلات زیادی را فراهم خواهد آورد. اینها آسیب پذیرتر از بخشهای اقتصادی هستند. بخشهای اداری کشور نیز با حذف بودجه ارزی مجبورند ارز مورد نیاز خود را با نرخ بالاتری تهیه کنند، بالنتیجه هزینه‌های آنها بیشتر شده و مطابق معمول برای تامین هزینه‌ها، نرخ خدمات دولتی را بالاتر خواهند برد.

دولت رفسنجانی در مقابله با پیامدهای سنگین تک‌نرخی کردن ارز برنامه لازم و جامعی ارائه نداده است و تنها گفته شده است که سوبسید دولتی تا یکی دو سال آینده حفظ خواهد شد. ولی حفظ سوبسید در همین مدت به هیچوجه قادر به حفظ سطح زندگی اکثریت مردم در مقابل افزایش تورم نخواهد بود. در حقیقت دولت تک‌نرخی کردن را نه با اصلاحات در ساختار اقتصادی کشور و کاستن از فول بوروکراسی، بلکه همچنان به حساب کارگران، کارمندان و سایر اقشار کم‌درآمد جامعه می‌خواهد پیش ببرد. بدون اینکه از آنها در مقابل رشد تورم حمایت بعمل آورد.

بدون تردید تک‌نرخی شدن ارز منجر به افزایش تورم و بالنتیجه گسترش فقر در جامعه خواهد شد و عواقب اجتماعی و سیاسی خواهد داشت. این امر را سران حکومت درک می‌کنند ولی بجای اقدامات اساسی آنها تنها به لاپوشانی می‌پردازند

اقدامات واپسگرایان شدت گرفته است

ادامه از صفحه ۱

مدیر نشر نقره در مصاحبه با بی. بی. سی این اقدام را به کسانی نسبت داد که می‌خواهند فرهنگ جامعه را در دوره صفویه نگهدارند. و در پاسخ به سئوالی در مورد تعداد افرادی که باین مناسبت گرد هم آمده‌اند، گفت: "تا به امروز بیش از صد امضا جمع شده و بیشتر از این جمع خواهد شد."

* وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی دستور کتبی به ناشران اطلاع داد که انتشار آثار دو تن از شاعران برجسته کشور اسماعیل خویی و نادر نادرپور ممنوع است. قبلا این مسئله بطور شفاهی به انتشارات‌ها گفته شد و اکنون به صورت کتبی بآنها ابلاغ شده است. این دو جزو نویسندگان، شاعران و هنرمندانی بودند که در بیانیه‌ای به فتوای قتل سلمان رشدی اعتراض کرده و آن را مغایر با آزادی بیان اعلام کرده بودند.

*آیت‌الله امینی امام جمعه موقت قم در خطبه نماز جمعه اظهار داشت که توهین به مقدسات، پیامبر، قرآن و ائمه در کتاب، روزنامه، مجله یا در کلاس درس برای مسلمانان قابل تحمل نیست و هر کس وظیفه دارد که در مقابل آن بایستد.

*شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه اخیر خود که به ریاست رفسنجانی تشکیل شد در مورد نحوه مقابله با "تهاجم فرهنگی" به بحث نشست و مقرر کرد وزارت ارشاد اسلامی هر چه سریعتر در چارچوب بحث‌های به عمل آمده، پیشنهادهای عملی خود را به صورت طرح به شورا ارائه دهد. شورای عالی انقلاب فرهنگی بالاترین نهاد سیاستگزار فرهنگی در جمهوری اسلامی است.

*دکتر جاسبی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در مصاحبه با خبرنگاران گفت که دهه دوم فعالیت دانشگاه آزاد به گسترش امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز اختصاص خواهد داشت و بر همین اساس شورای اقامه نماز جمعه و امر به معروف و نهی از منکر تحت نظر من تشکیل شده است که در هر واحد دانشگاهی نیز کمیته‌ای را ایجاد خواهد کرد. او اضافه نمود ظرف یک ماه آینده نظامنامه نماز تهیه و به واحدها ابلاغ می‌شود.

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی طی اعلام کرد در تحقق امر به معروف و نهی از منکر حتی اگر لازم باشد چند هزار دانشجو یا تعدادی استاد را اخراج می‌کنیم تا دانشگاه آزاد به صورت پایگاه نمازگزاران و مجری احکام الهی تبدیل شود.

* خامنه‌ای در دیدار با مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی اظهار داشت که مصلحت نظام در گرو اهمیت دادن به مسائل فرهنگی در برنامه پنجساله دوم است و اضافه نمود بی‌توجهی به مسائل فرهنگی نتیجه مطلوبی از تلاش‌های دولت برای پیشرفت های اقتصادی و سازندگی را بدست نخواهد داد. بنابراین مصلحت نظام در آن است که در برنامه پنجساله دوم در سطح بالایی از نظر حجم و کیفیت به مسائل فرهنگی توجه شود تا برنامه‌های دیگر نیز حرکت صحیحی داشته باشند. خامنه‌ای گفت دانشگاه‌ها همانند دیگر دستگاه‌های کشور باید در محدوده کلی نظام اسلامی فعالیت کنند و سیاست واحدی بر آنها حاکم باشد و در مسیر تربیت نیروهای پایبند به اسلام و انقلاب حرکت کنند.

ماه گذشته استاد تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی در تبریز به خاطر صحبت‌های طنزگونه او در مورد بهشت و جهنم از دانشگاه اخراج گردید. خامنه‌ای در این رابطه گفت روسای دانشگاه‌ها باید به این مسئله مهم توجه کنند که مبادا برخی از استادان فاقد انگیزه انقلابی، دانشجویان را بدلیل رفتار مذهبی آنان مورد بی‌مهری و اهانت قرار دهند و محیط کلاس و امتحان را برای آنان ناامن سازند. این مسئله به هیچ وجه قابل قبول نیست و مسئولان دانشگاه‌ها باید با این افراد که با مباحث انقلابی ضدیت دارند بشدت برخورد کنند.

مجموعه رویدادها و موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که برپاکنندگان موج نهی از منکر همچنان در عرصه مسائل فرهنگی بر اقدامات خود می‌افزایند و فشار خود را بر ارگان های ذیربط در این عرصه تشدید می‌کنند و هر آنجا که لازم می‌بینند راسا علیه نشریات مستقل و انتشاراتی‌های غیروابسته واردعمل شده و با بمب‌گذاری و تهاجم سازمان یافته دست به تخریب می‌زنند.

اخراج استاد دانشگاه آزاد اسلامی، تهدید رئیس این دانشگاه به اخراج چند هزار دانشجو و تعدادی استاد، سخنان خامنه‌ای در مورد شدت عمل نشان دادن نسبت به "استادان فاقد انگیزه انقلابی" حاکی از آن است که دانشگاه‌ها نیز به طور جدی‌تر مورد حملات واپس‌گرایان قرار گرفته است.

خامنه‌ای برای اولین بار به طور صریح و مشخص از دولت رفسنجانی خواسته است که در برنامه پنجساله دوم توجه به مسائل فرهنگی را در راس برنامه‌های خود قرار دهد. این برخورد گویای دخالت مستقیم خامنه‌ای در برنامه دولت و سمت دادن به این برنامه است.

در عین حال به نوشته کیهان هوایی قشریون در انتظار نتیجه کشمکش در وزارت ارشاد و مشخص شدن سیاست و برنامه‌های آن در عرصه فرهنگی هستند. طبعا اگر حاصل نزاع‌ها در این وزارتخانه به سود واپس‌گرایان نباشد، آنها بر اقدامات خرابکارانه خود خواهند افزود و حملات سازمان یافته خود را به انتشاراتی‌ها و نشریات مستقل خواهند افزود.

رفسنجانی: بجای حکومت ولی فقیه ...

ادامه از صفحه ۱

نیاید."

رفسنجانی در سخنان خود گفت عدم رعایت هر کدام از این شروط موجب عزل رهبر می‌شود و در آن شرایط باید یک "حکومت اضطراری" تشکیل داد. وی گفت: "بالاخره باید یکی حاکم باشد و یک جریانی کشور را اداره کند. آنچه که مطلوب است این است."

رئیس حکومت اسلامی در ادامه سخنانش بار دیگر مسئله عدم مرجعیت خامنه‌ای را بمیان آورد و مورد تاکید قرار داد: "همین که حضرت امام خمینی ره، در اواخر تعیین کردند. شرایط مرجعیت را با نظر امام از قانون اساسی قبلی حذف کردیم و اجتهاد را کافی دانستیم."

تاکیدات رفسنجانی در باره محدودیت اختیارات ولی فقیه، امکان عزل او و عدم مرجعیت خامنه‌ای در فضایی صورت می‌گیرد که بخشی از روحانیت و عوامل آن درصدند به خامنه‌ای قدرت بیشتری بخشند و قدرت رفسنجانی را تضعیف کنند. روحانیون سرشناسی مانند آذری قمی و محمد یزدی رئیس قوه قضائیه بر نقش خامنه‌ای بعنوان ولی امر مسلمین و کسی که احکام او برتر از فتاوی مراجع تقلید است تاکید کرده‌اند و هواداران آنها زمزمه ارتقاء خامنه‌ای تا سطح "آیت‌الله العظمی" رابمیان آورده‌اند. روحانیون، قدرت ولی فقیه و خامنه‌ای را نه ناشی از رای مردم، بلکه انتخابی الهی میدانند و از همین رو تاکید می‌کنند که رای مردم نمی‌تواند موجب عزل رهبر شود. اکنون مدتهاست در رژیم پیرامون منشاء حکومت دیدگاههای متفاوتی به وجود آمده است. گروهی از پیروان خمینی که اینک در اقلیت قرار گرفته‌اند مدعی‌اند که مشروعیت حکومت و از جمله رهبر وابسته به رای مردم است و در برابر آنان روحانیون بزرگ از منشاء الهی رهبر دفاع می‌کنند و رای مردم را فاقد مشروعیت می‌شناسند. رفسنجانی در سخنان خود ظاهرا به دفاع از طرفداران دیدگاه اول پرداخته است. اما در واقع امر در پس این اختلاف نظرها، قبل از هر چیز جنگ بر سر قدرت ادامه دارد. سران رژیم می‌کوشند احکام فقهی را به گونه‌ای تفسیر کنند که به تحکیم قدرتشان منجر شود.

سخنان رفسنجانی را باید پاسخی ظریف و غیر مستقیم به روندی دانست که از سوی خامنه‌ای و روحانیون سنتی برای تضعیف قدرت او آغاز شده است. رفسنجانی پس از سکوت اولیه در برابر موجی که به سرکردگی خامنه‌ای علیه قدرت او آغاز شد، اکنون به تهدیدهای متقابل توسل جسته و از "حکومت اضطراری" سخن گفته است که میتواند جانشین خامنه‌ای و یا هر ولی فقیه دیگری گردد. هر چند جنگ قدرت ظاهرا در مقایسه با اوضاع ماههای پیش از تب و تاب افتاده است. اما همه شواهد حاکی از آن است که نبرد قدرت باشدت ادامه دارد. نزدیک شدن تاریخ انتخابات مربوط به ریاست جمهوری بر حساسیت این منازعه می‌افزاید.

اجلاس سالانه بانک توسعه اسلامی

ادامه از صفحه ۱

دانشگاه‌های اسلامی یاری خواهد داد. نوربخش گفت که این بانک پنج میلیون دلار کمک بلاعوض برای ایجاد مدارس در مناطق زلزله‌زده اهداء کرد و ۵ میلیون دلار برای طرح‌های آموزشی که آموزش و پرورش کشور به صورت وام قرض‌الحسنه پرداخت کرده است. همچنین ۸/۵ میلیون دلار برای توسعه دانشگاه صنعتی شریف، ۲۰ میلیون دلار برای طرح سیمان ساوه، ۲۰ میلیون دلار برای راه‌آهن جمهوری اسلامی اختصاص داده است.

تظاهرات گسترده علیه ...

ادامه از صفحه ۱

دویست هزار نفر در این شهر جمع شدند که سازماندهی آن توسط تشکل‌ها و نهادهای دموکراتیک صورت گرفته بود. شرکت کنندگان این تظاهرات، خواستار آن شدند که حزب سوسیال دموکرات آلمان در برابر تغییر بند ۱۶ قانون اساسی بایستد.

ناظران سیاسی، جمعیت شرکت کننده در تظاهرات ماه نوامبر را ۹۰۰ هزار نفر ارزیابی کردند و این تظاهرات را حائز اهمیت سیاسی فراوان قلمداد نمودند.

خصومت و تسلیح در منطقه

ادامه از صفحه ۱

بیشتر فریاد "هل من مبارز" سر دهد. همه مقامات حکومتی و نشریات مدافع رژیم از اینکه بسیاری از حکومت‌ها جمهوری اسلامی را "خصم" تلقی می‌کنند خرسندند و حتی آنرا به فال نیک می‌گیرند! این همه، در حالی است که موج ماجراجویی رژیم در جنوب سودان، الجزایر، مصر، عراق، جنوب لبنان، کشورهای آسیای میانه و غیره همچنان در حال دامنه گرفتن است. اعزام پاسدار، ارسال سلاح، تاسیس پایگاه، ایجاد تشکل‌های حزب‌الهی و سازمان دهی اقدامات تروریستی در خاک کشورهای دیگر، تجلی رفتار روزمره رژیم از مرزهای ایران است. پافشاری بر حکم اعدام سلمان رشدی هم به این دهن کجی در برابر جهانیان باید اضافه کرد.

وضع حساس است و منطقه، ناامن. همه چیز حاکی از آن است که هرگاه در منطقه انفجارهایی رخ دهد، دود آن قبل از همه و بیش از همه چشم مردم کشور ما را آزار خواهد داد. در چنین اوضاع و احوالی، منافع مردم ما و مصالح همه کشورهای منطقه ایجاب می‌کند که همه حکومت های منطقه با مسامحی مشترک از گسترش فضای تشنج جلوگیری کنند. اما مقامات جمهوری اسلامی بجای آنکه بسود مهار اوضاع مخاطره آمیز وارد عمل شوند به بی‌ثباتی و فضای سوءظن در منطقه دامن می‌زنند.

مسئولیت وضع خطرناک موجود و تداوم آن به هیچ وجه متوجه فقط یکطرف و یک رژیم نیست اما در این نیز تردید نباید کرد که رژیم جمهوری اسلامی جزو آنهایی است که دارای مسئولیت درجه اول هستند و موظفند که تا دیر نشده به مهار و کنترل وضع برخیزند.

www.iran-archive.com

انتشار کتاب ''واقعه میکونوس''

''کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور'' در برلین، اقدام به انتشار کتابی به زبان آلمانی با عنوان ''واقعه میکونوس'' کرده است. کمیته مزبور این اقدام بجا را در ادامه تلاش‌های خود برای نشان دادن ردپای حکومت اسلامی در ترور دکتر شرفکندی و همراهان او در برلین صورت داده است. در این کتاب تمام گزارشات و اطلاعات روزنامه‌های مختلف پیرامون ترور برلین و نیز ترور دکتر قاسملو، کاظم رجوی و دکتر شاپور بختیار و همچنین ماجرای حکم قتل سلمان رشدی به صورت بریده جراید جمع‌آوری شده است. این گزارشات و اطلاعات به روشنی اثبات می‌کندکه طراح و مجری همه این ترورها رژیم جمهوری اسلامی و مقامات حاکم در تهران می‌باشند.

این کتاب در چاپ اول در هزار نسخه انتشار یافته و تاکنون تعداد زیادی از آن‌ها در اختیار مقامات، شخصیت‌ها و نیروهای ترقی‌خواه آلمان، اعضای پارلمان سراسری و پارلمان‌های ایالتی آلمان و نیز اعضای پارلمان اروپا قرار داده شده است. مدارک و اطلاعات این کتاب کمک بزرگی به فعالیت‌های افشاگرانه فعالین و شخصیت‌های مخالف ترور در آلمان برای جلب افکار عمومی آلمان علیه تروریسم جمهوری اسلامی خواهدکرد.

''کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور'' علاوه بر انتشار این کتاب، همزمان با مسافرت سلمان رشدی به آلمان باانتشار جزوه‌ای تلاش نمود توجه افکار عمومی را به ابعاد خطرناک عدم تحمل دگراندیشان توسط حکومت جمهوری اسلامی جلب کند. در این جزوه بریده مطالب و گزارشات روزنامه‌ها درباره سلمان رشدی و حکم قتل وی توسط خمینی در سه‌سال گذشته جمع‌آوری شده‌است

اقدام مشترک در نروژ علیه ترور در برلین

در اعتراض به جنایت تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی در برلین، چهار سازمان سیاسی در نروژ نامه‌هایی به ریاست مجلس ملی آلمان فدرال و نخست وزیر نروژ ارسال داشته‌اندکه در آن‌ها ضمن محکوم کردن این اقدام ضد انسانی، نسبت به خطر جدی که جان پناهندگان سیاسی ایرانی را تهدید میکند هشدار داده شده است. این دو نامه را سازمان‌های زیر امضاءکرده‌اند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - نروژ

حزب دموکرات کردستان ایران - نروژ

سازمان فدایی - ایران - نروژ

* در پی به شهادت رسیدن رهبر حزب دموکرات کردستان ایران و یاران او در جریان جنایت برلین، سازمان فدائیان خلق ایران - نروژ و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - نروژ پیام مشترکی به حزب دموکرات کردستان ایران فرستاده‌اند و در آن ضمن ابراز تاثر از این فاجعه، با حزب دموکرات کردستان ایران اظهار همدردی شده است.

نماینده جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل:

''مجلس مشغول بررسی و تصویب منشور جهانی حقوق بشر است''

نماینده جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در گزارشی که برای اولین بار از وضع حقوق بشر در حکومت جمهوری اسلامی به کمیسیون ارائه داد اعلام کرد: ''منشور جهانی حقوق بشر در ایران محترم شمرده می‌شود و هم‌اکنون برای تصویب نهایی در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی قرار دارد.''

هفته‌نامه کیهان هوایی که این مطلب را در شماره ۲۵ آبانماه خود درج کرده است از قول حسین مهرپور نماینده جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق بشر نوشته است: ''در جامعه ایران همه افراد تا زمانی که آزادی دیگران را سلب نکنند آزادند و آزادی بیان طبق نص صریح قرآن در ایران به‌طور کامل رعایت میشود.''

این مطلب تنها در کیهان هوایی آمده است و در هیچیک از روزنامه‌های داخل کشور خبری در این باره که ''مجلس شورای اسلامی مشغول بررسی و تصویب منشور جهانی حقوق بشر است'' انعکاس نیافته است. در میان اخبار و گزارشات مجلس شورای اسلامی که همه‌روزه در روزنامه‌های صبح و عصر تهران انتشار میابد چیزی از بحث مجلس درباره منشور جهانی حقوق بشر دیده نشده‌است. با این همه‌درج این مطلب در کیهان هوایی هراندازه هم در صحت آن تردید باشد، نشانگر دهنده اهمیت مسئله حقوق بشر درحال حاضر و فشار خردکننده‌ایست که رژیم جمهوری اسلامی به عنوان حکومت ناقض حقوق بشر در ایران نسبت به خود احساس می‌کند.

کارنامه سیاه این حکومت طی سال‌های حیات خود و تلاش پیگیر آزادیخواهان ایران و جهان رژیم را در انظار عالم بدنام و به‌عنوان یکی از متجاوزترین حکومت‌ها نسبت به حقوق انسانی مردم ایران معرفی کرده است. حکومت برای رفع فشار سنگین این بدنامی، چندین سال‌است که تقلا میکند. اما این تقلاها قبل از آنکه اقدامات جدی درجهت تعدیل رفتار حکومت با مردم و احترام به موازین حقوق بشر باشد، عوام‌فریبی و چهره‌آرایی دروغین بوده است. و تا چنین هست این رسوایی و بدنامی بیشتر و فشارها علیه حکومت افزایش خواهدیافت.

در همان اجلاس که بنا به نوشته کیهان هوایی حسین مهرپور خبر از بررسی تصویب منشور جهانی حقوق بشر توسط مجلس شورای اسلامی داده است، آقای سیروس ناصری نماینده جمهوری اسلامی در مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو از منشور جهانی حقوق بشر به عنوان ''میثاقی مشکوک'' یاد کرده‌است.

و هنوز هیچ نشده خود کیهان هوایی در همان شماره علیه آقای مهرپور به‌خاطر اظهاراتش در کمیسیون حقوق بشر شاخ و شانه می‌کشد و ''احکام الهی اسلام را برتر از منشور جهانی حقوق بشر'' دانسته‌است.

اگر خبر مربوط به بررسی منشور جهانی حقوق بشر در مجلس شورای اسلامی صحت داشته باشد، صرفنظر از آنکه جمهوری اسلامی پای منشور حقوق بشر را امضاکرده و بی‌هیچ بحثی ملزم به رعایت کامل آنست، از طرح و بحث این سند در مجلس باید استقبال کرد.

تلاش امریکا برای جلوگیری ...

ادامه از صفحه ۱

اشتباهات در برخورد با عراق - که قبل از جنگ خلیج فارس مخفیانه می‌کوشید سلاح هسته‌ای بدست آورد - راتکرار نکند.

واشنگتن مشکوک است که ایران برنامه مشابهی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای داشته باشد. اما هنوز قادر نیست ظن خود را ثابت کند.

مقامات اروپایی می‌گویند نشانه‌هایی از تلاش‌های مشابه تلاش‌های عراق را در مورد ایران مشاهده نمی‌کنند اما مقامات آمریکایی با حساسیت بسیار به مقاصد ایران از خرید تجهیزات از آرژانتین می‌نگرند. این تجهیزات می‌تواند اورانیوم طبیعی را به اورانیوم غنی شده - که در سلاح هسته‌ای به کار می‌رود تبدیل کند.

آمریکایی‌ها مدت‌ها با سرسختی تلاش کردند تا از صدور این تجهیزات از آرژانتین به ایران جلوگیری کنند. و سرانجام سفیر آمریکا در آژانس بین المللی هسته‌ای ریچارد ت. کندی موافقت کرد که کمک کند تا موسسه آرژانتینی فروشنده تجهیزات به ایران - که یک موسسه دولتی است - مشتری دیگری برای معاملات هسته‌ای خود در ایالات متحده دست و پا کند.

از سوی دیگر مقامات وزارت خارجه آمریکا برای جلوگیری از فروش یک راکتور بزرگ تحقیقاتی به ایران فشار بر پکن را نیز افزایش دادند. در قرارداد فروش این راکتور تامین اورانیوم غنی‌شده به عنوان سوخت این راکتور نیز در نظر گرفته شده بود.

بنا به اظهار دیپلمات‌های غربی مقیم پکن، استفان روی سفیر آمریکا در چین ضمن بازدید از یک راکتور اتمی در خارج از پکن، مدل راکتوری را مشاهده کرده است که برای فروش به ایران ساخته می‌شد. در این رابطه، و بنا بر سایر شواهد دیپلمات‌های آمریکایی با مراجعه به مقامات عالیرتبه چینی کوشیدند از انتقال این راکتور به ایران جلوگیری کنند.

زوهونگ یکی از مسئولین شرکت ملی هسته‌ای چینی روز ۲۳ سپتامبر به خبرنگار مجله ''نوکلئونیک ویک'' گفت ''چین نمی‌تواند'' راکتور ''تحقیقاتی'' به ایران تحویل دهد. در اوایل سپتامبر چند روز پس از اینکه دولت بوش تصمیم گرفت به تایوان جنگنده‌های اف - ۱۶ بفروشد، چین اعلام کرد که آماده است به ایران راکتور هسته‌ای ''تجارتی'' تحویل دهد. اما آمریکا نسبت به این اقدام - در مقایسه با فروش راکتور ''تحقیقاتی'' حساسیت کمتری دارد. زیرا قطعات راکتور ''تجارتی'' ساخت کشورهای غربی است و تحویل آنها به ایران) می‌تواند تحریم شود.

بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هرچه باشکوهتر برگزار کنیم!

جشن سالگرد با شرکت هنرمندان:

عارف و عاشورپور

زمان: شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳ ساعت ۶ بعدازظهر

محل: آلمان - بن

BRÜCKENKOPF-FORUM BONN-BEUEL
Zentrum Kennedybrücke
Friedrich-Breuer-Straße 17
5300 Bonn 3 · Tel. 02 28/46 03 79

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در حاشیه رویدادها

چه کسی را می‌خواهند دراز کنند؟

موحدی ساوجی نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید که کمیسیون قضائی مجلس درصدد است پرونده مرگ آیت‌الله ربانی شیرازی را مجددا بگشاید و علت مرگ وی را دریابد.

ربانی شیرازی از معممین شناخته شده و یکی از مسئولین جمهوری اسلامی در استان فارس بود. در سال ۶۱ اعلام شد که وی در یک حادثه رانندگی به قتل رسید. در آن زمان هم گزارشهایی که رسما منتشر شده بود حاکی از آن بود که ربانی شیرازی در تصادف رانندگی جان خود را از دست داده است. اما امروز می‌گویند مرگ ربانی شیرازی می‌تواند ناشی از ''نقشه'' و یا ''توطئه''ای بوده باشد.

در جمهوری اسلامی بازگشائی یک پرونده کهنه بنابر سوابق امر زمانی مطرح می‌شود که مسئله تصفیه حساب در دستور قرار گرفته باشد. موحدی ساوجی جزو دار و دسته حاکم است و در زمان درگذشت ربانی شیرازی، جناح تندرو بود که در راس امور قرار داشت. ظاهرا طرح این موضوع در ادامه تصفیه حساب با جناح تندرو است. اصغر زاده که سخنگوی دانشجویان خط امام در زمان اشغال سفارت امریکا بود، مدتی پیش روانه زندان شد. قربانعلی صالح آبادی نماینده مشهد در دوره قبلی مجلس شورای اسلامی که جزو جناح تندرو و منتقد سیاست حاکم بود، بازداشت و به دوسال زندان محکوم شد. و اکنون نوبت دراز کردن دیگر نیروهای جناح تندرو رسیده‌است.

نامه اعتراضی ۱۴۵ تن از نمایندگان به رفسنجانی

کشمکش بین مجلس شورا و دولت رفسنجانی بر سر وزراء همچنان ادامه دارد. مدتی قبل هیئت رئیسه مجلس جلوی درخواست استیضاح وزیر کشور توسط نمایندگان را گرفت. ولی آنان از کانال سئوال از وزرا برنامه‌های خود را پیش می‌برند. در همین رابطه عده‌ای از نمایندگان در ماه گذشته اقدام به سئوال از وزیر بازرگانی می‌کنند. وی در دو جلسه طولانی در کمیسیون مربوطه در مجلس حضور می‌یابد ولی نمایندگان پاسخهای او را قانع کننده نمی‌یابند. بالنتیجه موضوع به جلسه علنی مجلس کشیده می‌شود و توضیحات وماجی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. او با اصرار مجددا پشت تریبون قرار می‌گیرد و به سئوال کننده توهین می‌کند و با سرعت و بدون توجه به اعتراضات، مجلس را ترک می‌کند.

نمایندگان بشدت از برخورد وزیر بازرگانی برآشفته می‌شوند و به اعتراض برمی‌خیزند. در این رابطه ۱۴۵ تن از نمایندگان نامه‌ای اعتراضی خطاب به رفسنجانی می‌نویسند و نسبت به ''برخورد نامناسب وزرای بازرگانی و کشور'' انتقاد می‌کنند. آنها در این نامه'' برخورد سرد وزیر کشور را در پاسخ به سئوال یکی دیگر از نمایندگان هم قابل تامل میدانند''.

هنوز پاسخی از جانب رفسنجانی به نمایندگان داده نشده‌است.

تحقیق مجلس در مورد مسافرت‌های خارج از کشور

سرانجام مجلس شورای اسلامی تقاضای تحقیق و تفحص در مورد تعداد مسافرتهای ماموران دولتی و دلایل توجیهی ضرورت مسافرتها را در جلسه روز ۱۳ آبان تصویب کرد. سالهاست که در جمهوری اسلامی مسافرت ماموربن دولتی به خارج از کشور تحت بهانه‌های مختلف و با پول و ارز بیت‌المال شدیدا رواج پیدا کرده است. سالانه دست‌کم ۲۰۰۰ نفر از کارگزاران حکومت با پاسپورت سیاسی و بیش از ۱۵۰۰۰ نفر با گذرنامه خدمت بعنوان ماموریت به کشورهای مختلف جهان مسافرت می‌کنند. جدا از مسافرتهای تکی و چند نفره، راه انداختن ''کاروان'' نیز شدیدا متداول شده است. در مواردی بدون توجه به تعداد افراد دعوتی از جانب کشورهای میزبان، هیاتهای بزرگ راه‌انداخته می‌شود. یکی از خوانندگان روزنامه کیهان در تماس تلفنی می‌گوید: ''من از وزارت ... زنگ می‌زنم چندی پیش یک هیات ۴۰ نفره از جمهوری اسلامی برای شرکت در کنفرانس عازم یک کشور خارجی شد. تنها ۷ نفر مهمان رسمی این کنفرانس بودند. هزینه بقیه از بیت‌المال پرداخت شد و جالب اینست که اعضاء هیات کشور میزبان تنها هشت نفر بودند''. (کیهان شمریورماه ۷۰) این مسئله حتی در مورد مسئولین اصلی حکومت هم مشاهده می‌شود. رفسنجانی هر بار که به مسافرت خارج می‌رود، کاروانی از اعضاء هیئت دولت تا خانواده خود را همراه دارد. او در کنفرانس غیر متعهدها در جاکارتا ۱۶۰ نفر را همراه خود برد که در بین آنها اعضاء خانواده وی و ولایتی و دیگران نیز حضور داشتند. هزینه این مسافرت‌ها رقم بالایی است که از بودجه کشور پرداخت می‌شود. بخش عمده‌ای از این مسافرت‌ها ساختگی، زاید و غیر ضروری است. عده زیادی از مسئولین بدون داشتن صلاحیت و تخصص در رشته مربوطه با عنوان‌های ظاهری برای سیر و سیاحت و ''دلار اندوزی'' به خارج از کشور رفته و از مزایا و تخفیف‌های گوناگون آن سود می‌برند و دلارهای هنت تومانی بیت‌المال را دریافت کرده و در بازار آزاد به بیست برابر آن می‌فروشند.

مجلس شورای اسلامی ظاهرا با توپ پر بمیدان آمده است و میخواهد حسابها و کتابها را رسیدگی کند. باید منتظر ماند و دید نمایندگان مجلس چقدر در فکر برنامه‌های نمایشی هستند و تا چه اندازه مصمم بر نظارت بر کارهای دولت.

از میان رویدادها

دستگیری یک شهروند امریکایی در ایران

میلتون مایر شهروند آمریکایی مقیم ایران توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و زندانی شد. مایر از سال‌های پیش از انقلاب مقیم ایران بود. با استقرار جمهوری اسلامی و سپس قطع رابطه سیاسی با آمریکا، میلتون مایر از آنجاکه همسرش ایرانی بود، اجازه یافت در ایران بماند. وزارت اطلاعات خبر دستگیری مایر را با صدور اطلاعیه‌ای اعلام داشت در این اطلاعیه آمده است که وی متهم به ارتباط با عوامل سرویس‌های اطلاعاتی خارجی است. آمریکایی مزبور هم‌چنین متهم به اخذ رشوه از شرکت‌های تجاری بدون مجوز شده است. در اطلاعیه منتشره بر خویشاوندی مایر با ارتشبد نصیری رئیس ساواک تاکید شده است. این دو، باجناق یکدیگر بودند.

روزنامه آمریکایی نیویورک تامیز ضمن رد اتهامات وارده به مایر، دستگیری وی را حرکت جدید ضد آمریکایی رژیم ارزیابی کرد.

پرداخت خسارت به چهار شرکت نفتی امریکایی

مطابق مفاد نامه‌ای که در مجلس توزیع گردید وزارت نفت پذیرفته است به هر یک از دو کمپانی نفتی آمریکایی ''آرگو'' و ''سون'' مبلغ ۱۳۰/۵ میلیون دلار خسارت پرداخت کند. پرداخت این مبلغ در ازاء مطالبه عدم النفع دوشرکت فوق برای سالهای ۱۹۹۸-۱۹۷۶ پرداخت می‌شود.

دو شرکت نامبرده همراه با دوشرکت آمریکایی ''موبرفی'' و ''یونیون'' در سال ۱۹۶۵ مشترکا طی قرار داد بلند مدتی امتیاز استخراج نفت حوزه لاوان در خلیج فارس را از شرکت ملی نفت ایران بدست آورده بودند. باسقوط رژیم پیشین از ادامه عملیات استخراج آنان جلوگیری بعمل آمد. بعدها این چهار شرکت با اتکاء به بیانیه الجزایر در دادگاه لاهه طرح دعوا کردند و مبالغ هنگفتی بخاطر عدم النفع خسارت مطالبه کردند. در سال ۸۶ وزارت نفت به دو شرکت مورفی و یونیون بر سر پرداخت مبلغ ۳۶/۵ میلیون دلار به هریک آنها به توافق رسید و پرونده مختومه اعلام شد. توافق با آرگو و سون اخیرا صورت گرفت. وزارت نفت هیچ خبری پیرامون این توافق در اختیار رسانه‌های خبری کشور قرار نداده است. ازینرو معلوم نیست به چه دلیل این دو شرکت توانستند نزدیک به چهار برابر دوشرکت دیگر خسارت عدم‌النفع دریافت کنند. سهم هر چهار شرکت مزبور در حوزه نفتی لاوان ۱۲/۵ درصد بود.

اعراب ساکن ابوموسی به جزیره بازمی‌گردند

به‌نوشته روزنامه کیهان دوازده‌تن از معلمان عرب جزیره ابوموسی به همراه خانواده‌های خود روز پنجشنبه ۲۱ آبان از شارجه وارد ابوموسی شدند. این روزنامه به‌نقل از یک منبع موثق در تهران نوشت: در حال حاضر، رفع مشکلات که در مورد بعضی از اتباع غیر اماراتی جزایر ابوموسی وجودداشت و یا بازگشت معلمین و شروع به کار مدرسه، عملا شرایط جزیره ابوموسی به صورت عادی که مورد تفاهم ایران و شارجه بود، بازمی‌گردد.

جمهوری اسلامی اوایل شهریور ماه گذشته با ممانعت از بازگشت ساکنان عرب جزیره ابوموسی به موجب، بالاگرفتن بحران میان ایران و امارات عربی متحده بر سر نحوه اداره و کنترل این جزیره و مالکیت دو جزیره تنب کوچک و بزرگ شد. امارات عربی متحده ادعا کرد این جزایر متعلق به آن کشور است. نخستین دور مذاکرات میان طرفین برای حل و فصل بحران که ماه گذشته در ابوظبی برگزار گردید به نتیجه‌ای نرسید. دو هفته پیش دولت عمان اعلام کرد که میان ایران و امارات عربی متحده درباره کشمکش آنها بر سر جزایر سه‌گانه میانجیگری خواهد کرد.

بازگشت ساکنان عرب ابوموسی نشاندهنده تغییر رویه جمهوری اسلامی نسبت به اقدامات شهریور ماه گذشته آن در ابوموسی است. این تغییر رویه در کنار میانجیگری سلطان نشین عمان کشمکش میان جمهوری اسلامی و امارات عربی متحده را حداقل برای مدتی فرو نشانده است.

ورود فیلم‌های ویدئویی خارجی آزاد می‌شود

روز جمعه گذشته علی لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان اعلام کرد بر اساس طرحی قرار است ورود فیلم‌های ویدئویی خارجی به‌کشور آزاد شود.

ورود فیلم‌های خارجی و دستگاه ویدئو به کشور و نیز خرید و فروش آنها رسما ممنوع است اما این ممنوعیت جلوی ورود ویدئو و فیلم و توزیع وسیع آنرا در کشور نگرفته‌است. علاوه بر این امکان استفاده مردم از کانالهای خارجی تلویزیونی در مناطق مرزی شمال و جنوب کشور عملا تاثیر ممنوعیت رسمی ورود فیلم‌های خارجی را از بین برده است. لاریجانی اوایل آبانماه در یک سخنرانی که با دانشجویان دانشگاهها داشت، ممنوعیت ورود ویدئو و فعالیت‌های ویدئویی را نامعقول دانسته بود.

یک استاد ایرانی مرد علمی جهان در سال ۱۹۹۲ معرفی شد

دکتر علی اکبر رمضانیان پور یکی از استادان علوم دانشگاه پلی‌تکنیک تهران و دانشگاه علوم و فنون مازندران است که ۲۶ مقاله علمی در زمینه تکنولوژی و دوام بتون در مناطق حاشیه خلیج فارس و شش کتاب علمی در خصوص مواد افزودنی بتون، سیمانهای مختلف، توصیه‌های بتون‌ریزی در مناطق جنوب کشور تالیف کرده است و همین تالیفات موجب شده تا از سوی انستیتو بیکوگرافی آمریکا به عنوان مرد علمی سال انتخاب شود. دکتر رمضانیان پور استاد دانشکده عمران دانشگاه پلی‌تکنیک تهران و دانشگاه علوم و فنون مازندران است که ۲۶ مقاله علمی در زمینه تکنولوژی و دوام بتون در مناطق حاشیه خلیج فارس و شش کتاب علمی در خصوص مواد افزودنی بتون، سیمانهای مختلف، توصیه‌های بتون‌ریزی در مناطق جنوب کشور تالیف کرده است و همین تالیفات موجب شده تا از سوی انستیتو بیکوگرافی آمریکا به عنوان مرد علمی سال انتخاب شود. دکتر رمضانیان پور استاد دانشگاه عمران دانشگاه پلی‌تکنیک تهران و دانشگاه علوم و فنون مازندران است که ۲۶ مقاله علمی در زمینه تکنولوژی و دوام بتون در مناطق حاشیه خلیج فارس و شش کتاب علمی در خصوص مواد افزودنی بتون، سیمانهای مختلف، توصیه‌های بتون‌ریزی در مناطق جنوب کشور تالیف کرده است و همین تالیفات موجب شده تا از سوی انستیتو بیکوگرافی آمریکا به عنوان مرد علمی سال انتخاب شود. دکتر رمضانیان پور استاد

جمهوری اسلامی و ترکیه از تردد مخالفان در مرز جلوگیری می‌کنند

بر اساس یک پروتکل امنیتی میان مقامات حکومت جمهوری اسلامی و دولت ترکیه، از تردد مخالفان دولت‌های تهران و آنکارا در مرزهای مشترک جلوگیری میشود. این قرارداد در شهریورماه گذشته و به هنگام سفر عصمت سرگین وزیر کشور ترکیه به تهران میان دو دولت امضاشد و تاکنون دو جلسه مشترک کارشناسی میان طرفین برگزار شده است. آخرین جلسه روز شنبه ۲۳ آبان در تهران بود که در آن معاون وزیر کشور ترکیه و معاون سیاسی وزیر کشور جمهوری اسلامی شرکت داشتند.

در همین حال آندسته از چریک‌های کرد ترکیه که در درگیریهای اخیر با نیروهای ارتش ترکیه در شمال عراق به داخل خاک ایران عقب نشینی کرده‌اند توسط دولت جمهوری اسلامی بازداشت شده‌اند. این خبر را رهبر حزب کارگران کرد (پ. کا. کا) در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت. به گفته وی چریک‌هایی که به خاک ایران عقب نشینی کرده‌اند کسانی بوده‌اند که در جنگ با ارتش ترکیه مجروح شدند.

آیا دانشگاه‌ها هم خصوصی می‌شود

دکتر معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی گفت در محافل بالای رژیم طرح سپردن دانشگاهها و موسسات عالی آموزشی به بخش خصوصی در دست بررسی است. وی که در جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه ملی سخنرانی می‌کرد مخالفت شخصی خود را با این طرح اعلام داشت. وی همچنین بر تعارض این طرح با قانون اساسی نیز تاکید کرد. بنا به برآورد دکتر معین با اجرای این طرح بسیاری از رشته‌های تحصیلی که پرهزینه هستند از میان خواهد رفت و نیز موسسات آموزش عالی نقاط محروم کشور که سکنه آن توان پرداخت شهریه کلان به بخش خصوصی را ندارند، برچیده خواهد گردید.

رسالت: چراخوک چرانی در مملکت امام زمان؟!

وزارت صنایع برای نخستین بار پس از استقرار جمهوری اسلامی، طی موافقت نامه‌ای اجازه تولید گوشت خوک را صادر کرد. پیش از این پرورش خوک غیر شرعی شناخته می‌شد و از آن جلوگیری بعمل می‌آمد. واحدهای خوک داری که در گذشته وجود داشت در سال ۵۸ تماما توسط رژیم جمهوری اسلامی نابود و خوکها معدوم شدند. خسارت مالی این اقدام رژیم هنگفت بود. اکنون وزارت صنایع در یک چرخش و با اشاره به نیاز شهروندان غیر مسلمان کشور دست از روش پیشین برداشت و با تاسیس خوکداری موافقت کرد. این تصمیم با واکنش تند قشریون روبرو گردیده است. روزنامه رسالت در بازتاب نظر آنان خطاب به مسئولین وزارت صنایع تمدید کنان نوشت: ''آقایان مگر یادتان رفته است که این مملکت، کشور امام زمان و جمهوری اسلامی است؟!''.

پناهندگان افغانی به کشورشان بازگردانده می‌شوند

بر اساس توافقی میان جمهوری اسلامی، دولت افغانستان و کمیساریای پناهندگان سازمان ملل، پناهندگان افغانی مستقر در ایران به کشورشان بازگردانده می‌شوند. این طرح از اوایل ماه دسامبر به اجرا گذاشته می‌شود و شامل بیش از دو میلیون نفر پناهنده افغانی می‌شود که طی ۱۳ سال گذشته از طریق مرزهای شرقی کشور وارد ایران شده‌اند. بر اساس توافق حاصله به هر افغانی هنگام بازگشت مبلغ ۲۵ دلار پول و ۵۰ کیلوگرم آذوقه داده خواهد شد.

دولت پاکستان نیز در ماه‌های اخیر و بدنبال انتقال قدرت به مجاهدان در افغانستان به‌طور وسیع به بازگرداندن پناهندگان افغانی دست زده است. درحالیکه به‌نظر می‌رسید جمهوری اسلامی در این کار عجله چندانی ندارد. اما حدت مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور احتمالا مقامات حکومت را بر آن داشته که به تسریع بازگشت پناهندگان افغانی اقدام نمایند.

تاسیس خبرگزاری مشترک ترکیه و جمهوری آذربایجان

با همکاری ترکیه و جمهوری آذربایجان خبرگزاری تازه‌ای در منطقه بنام ''آتاتورک'' تاسیس شد. توافق برای تاسیس این خبرگزاری بدنبال سفر ایلچی بیگ رئیس جمهور آذربایجان به ترکیه میان دو کشور حاصل شده است.

روزنامه کیهان که این خبر را درج کرده است از قول رادیو باکو نوشته است که آژانس خبری آتاتورک که با علامت اختصاری ''آتا'' به فعالیت خواهد پرداخت با اعزام خبرنگاران آذری و ترک به شهرهای باکو، آنکارا، نخجوان، استانبول، ازمیر و منطقه جنگزده قره‌باغ مهمترین رویدادهای مناطق مذکور را تهیه و از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون دو کشور ترکیه و آذربایجان پخش و منتشر خواهد کرد.

سفر ایلچی بیگ به ترکیه سردی مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان را بیشتر کرده است. بویژه اینکه، رئیس جمهور آذربایجان در ترکیه بشدت به جمهوری اسلامی حمله کرد و این رژیم را استبدادی خواند که باید نابود شود. در مطبوعات دولتی تهران مقالات تندی در واکنش علیه ایلچی بیگ نوشته شد.

رئیس اداره آگاهی تهران بازداشت شد

توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح، سرهنگ منوچهری رئیس اداره آگاهی تهران بازداشت گردید. اتهام وی اخذ رشوه و همکاری با مجرمین و انجام تغییرات در پرونده‌های متهمین است. رئیس آگاهی تهران چندی پیش از دستگیری از سمت خود برکنار شده بود. به‌وی سمت دیگری در نیروهای انتظامی سپرده شده بود.

در پی بازداشت سرهنگ منوچهری، سرتیپ پاسدار محقبایی فرمانده ناحیه انتظامی تهران بزرگ به‌تجلیل از وی پرداخت. سرتیپ محقبایی همراه با تایید تخلف‌های متهم اضافه کرد وی در زمان تصدی ریاست آگاهی تهران بزرگ زحمات و تلاش‌های قابل تقدیری در مورد متلاشی ساختن باندهای خلاف‌کار از خود نشان داده است که من به‌نوبه خود از تلاش‌های وی راضی و سپاسگزارم.''!

کشمکش لفظی جمهوری اسلامی و مصر

در دوهفته گذشته مجادلات لفظی میان مقامات جمهوری اسلامی و دولت مصر باز هم بالا گرفت و به مطبوعات دو کشور نیز کشیده شد.

دور تازه کشمکش‌ها هنگامی آغاز شد که حسنی مبارک رئیس جمهور مصر در جلسه‌ای با نمایندگان حزب حاکم آنکشور اعلام کرد که پیشنهاد از سرگیری روابط با تهران را رد کرده است وافزود: مصر تنها با کشورهایی رابطه خواهد داشت که از تروریسم و دخالت در امور داخلی دیگران حمایت نمی‌کنند. مبارک، شورشها و ناآرامی‌های اخیر در مصر را که توسط بنیادگرایان مسلمان براه افتاده به تحریکات و دخالت‌های رژیم جمهوری اسلامی نسبت داد. حسنی مبارک همچنین در سخنرانی دیگری در پارلمان مصر نسبت به اقدامات جمهوری اسلامی در خلیج فارس هشدار داد و گفت رژیم او متعهد است که از کشورهای خلیج فارس در برابر سلطه طلبی رژیم ایران محافظت کند.

روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز در واکنش علیه اظهارات حسنی مبارک او را تهدید به مرگ کرد و نوشت: ''ایران در حمله به همسایگانش پیشدستی نخواهد کرد. اما اگر مورد حمله قرار گیرد، رئیس جمهوری مصر و دیگر مزدوران آنقدر فرصت نخواهند یافت که بدفاع از کشورهای نفت‌خیز بپردازند!'' علی خامنه‌ای نیز در سخنرانی چهارشنبه گذشته خود به حسنی مبارک تاخت و او را ''فردی بی‌اعتبار'' خواند. ریشه کشمکش میان حکومت مصر و جمهوری اسلامی قبل از هر چیز حاصل رقابت حاد و تنگاتنگی است که این دو کشور در ارتباط با خلیج فارس و ترتیبات امنیتی آن با همدیگر دارند. مصر با آنکه از خلیج فارس بسیار دور است اما در تلاش است با براه انداختن پیمان امنیتی با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس جای پائی برای خود در خلیج فارس پیدا کرده و از این طریق از ثروت نفتی شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس بهره‌مند گردد. اما دولت مصر در این تلاشها، ایران را رقیب و مانع اصلی پیشرفت برنامه‌هایش می‌داند که بزرگترین کشور منطقه و دارای طولانیترین ساحل و حیاتی‌ترین منافع در خلیج فارس است.

www.iran-archive.com

تشدید بحران مسکن در کشور

کازرونی وزیر مسکن وشهرسازی طی گزارشی به مجلس اعلام داشت سیاست تعدیل اقتصادی دولت تاثیر مخربی بر بخش مسکن گذاشته است. در سطح کشور عملیات تکمیل ۱۵۰ هزار واحد مسکونی در دست تاسیس، متوقف گردیده و کار ساختمانی بر روی ۲۸۶ هزار قطعه زمین واگذاری اصلا آغاز نشده است. علت این امر افت توانائی مالی مردم است که بطور عمده ناشی از سیاست تعدیل اقتصادی می‌باشد. کازرونی افزود در طی سال در اغلب شهرها، بویژه شهرهای پررونق بهای زمین تنزل کرد و این برای بخش مسکن یک نشانه بسیار منفی وعلامت رکود این بخش است. وزیر مسکن یادآوری کرد دولت اکنون سهم بسیار ناچیزی در بخش مسکن دارد وسرمایه اندکی را به آن تخصیص داده است. در حالیکه در سال ۱۳۵۳ حدود ۲۴ درصد واحدهای مسکونی باسرمایه‌گذاری دولت ساخته شده بود، در سال گذشته تنها در ۲ درصد واحدها دولت سرمایه‌گذاری کرد. کازرونی در پایان گزارش خود به مجلس تاکید کرد که سوبسید بخش مسکن نباید حذف شود.

در گزارش وزیر مسکن به مجلس همچنین آمده است با وجود روند منفی کنونی، در فاصله ده ساله ۶۷-۵۷ تولید مسکن از رشد قابل قبولی برخوردار بود. در سال ۵۷ برای هر ۱۲۴ خانواده ۱۰۰ خانه وجود داشت در حالیکه در سال ۶۷ برای هر ۱۱۸ خانواده این تعداد خانه موجود بود. طی همین مدت از حجم اجاره نشینی نیز کاسته شد و نسبت واحدهای مسکونی ملکی افزایش یافت. در سال ۵۵ قریب ۱۵/۳ درصد کل مسکن کشور به شکل اجاره‌ای بود. در سال ۶۸ این نسبت کاهش یافت و به ۱۱ درصد رسید، به گفته وی ایران پس از عراق دارای بیشترین نسبت واحدهای مسکونی ملکی در سطح جهان است.

پیرامون مساله مسکن اداره آمار بانک مرکزی در گزارشی اعلام داشت در سال ۶۹ تعداد واحدهای مسکونی در دست بنا که تکمیل شدند نسبت به سال قبل از آن ۲۴/۹ درصد کاهش داشت. در همین مدت هزینه ساختمانهای در دست تاسیس ۴۵/۱ درصد افزایش یافت.

با وجود این افزایش هزینه، به گفته یکی از معاونین وزارت مسکن بهای مسکن و زمین در سال جاری نسبت به سال گذشته ده درصد کمتر شده است.

انتقاد شدید دفتر تحکیم وحدت از سیاستهای اقتصادی دولت

طرفداران ''خط امام'' امسال نیز مراسم ۱۳ آبان خود را جدا از مراسم رسمی حکومتی برگزار کردند. این مراسم بدعوت دفتر تحکیم وحدت صورت گرفت. در قطعنامه ۱۱ ماده‌ای که این دفتر در پایان مراسم پخش کرد، سیاستهای اقتصادی دولت بشدت محکوم شد و آزادی احزاب در چارچوب قانون اساسی درخواست گردید.

دفتر تحکیم وحدت در اطلاعیه خود بر حمایت قاطع از خامنه‌ای، مبارزه با امریکا، اسرائیل و کمک به مسلمانان بوسنی و هرزه‌گوین تاکید کرد. در این قطعنامه ضمن تاکید بر اجرای نهی از منکر گفته شده است: ''اولین منکری که باید با آن برخورد اصولی شود، همانا اقتصاد وابسته ووابستگی اقتصادی است.'' در ادامه قطعنامه آمده است که در غیر اینصورت مبارزه با تهاجم فرهنگی به حرکتی قشری و متحجرانه تبدیل خواهد شد. قطعنامه ضمن هشدار نسبت به ''عاقبت سیر کنونی اقتصاد کشور''، ''حضور اختاپوسهای اقتصادی چون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و حضور شرکتهای امریکایی و چند ملیتی در اقتصاد کشور'' را محکوم کرده است. دفتر تحکیم وحدت در بند دیگری از قطعنامه خود ضمن انتقاد از حرکتهای قیم مابانه و انحصار طلبانه، خواستار آن شده است که بمنظور شرکت بیشتر آحاد ملت در سرنوشت خویش ''اصل مصرح قانون اساسی مبنی بر آزادی احزاب سیاسی که در چهارچوب قانون اساسی می‌توانند فعالیت کنند بدرستی اجرا گردد.''

در عین حال گروهی از نیروهای حکومت اسلامی که باسیاستهای حاکم مخالف هستند، سیاست تسلیحاتی رژیم را مورد انتقاد قرار دادند روزنامه سلام در یادداشتی تحت عنوان ''کمکهای خارجی و دلایل آن'' نوشت: ''چرا در شرایطی که نیازهای شدید آموزشی و بهداشتی و غذایی در جامعه وجود دارد میگ ۲۹ خریداری می‌کنیم؟ چرا باید میلیاردها دلار و تومان را صرف نیروهای مسلحی کرد که برای روز مبادا لازم باشد جنگ کنند؟'' این نخستین باری است که خریدهای تسلیحاتی رژیم و بودجه نظامی آن از سوی برخی از جریانات وابسته به رژیم بطور علنی مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

شکست سنگین تیم ملی فوتبال در ژاپن!

هیچ مقام و ارگان مسئولی، مسئولیت این شکست را بعهده نگرفته است

تیم ملی فوتبال ایران، در دهمین دوره مسابقات جام ملت‌های آسیا که در هیروشیمای ژاپن برگزار شد به سختی و به‌طور غیرمنتظره‌ای شکست خورد. ایران در این مسابقات کره شمالی را ۲ بر صفر شکست داد. اما در برابر امارات متحده عربی بدون گل مساوی کرد و ازژاپن میزبان مسابقات با یک گل شکست خورد. ایران با این نتایج از صعود به مرحله نیمه‌نهایی بازماند و در دور مقدماتی حذف شد. این نخستین بار در تاریخ این بازیهاست که ایران درهمان اولین مرحله مسابقات حذف می‌شود و ازاین نظر این شکست را بایدیکی از سنگینترین شکست‌های فوتبال ایران که عنوان قهرمان بازیهای آسیایی پکن را نیز با خود حمل میکرد به حساب آورد. آنچه ابعاد این شکست راگسترده‌تر ساخت و به مرز رسوایی رساند رفتار بسیار ناشایست گروهی از اعضای تیم ایران در دقایق پایانی بازی با ژاپن بود که تاسف همگان را برانگیخت. این عده از اعضای تیم باحرکت مرتب و حمله و توهین به داور چنان وضعی را آفریدند که داور سوری مسابقه مجبور شد در عرض چند دقیقه ۵ بازیکن ایرانی را از زمین اخراج کند. ۳ تن از این عده توسط کنفدراسیون فوتبال آسیا به محرومیت یکساله از شرکت در کلیه مسابقات بین المللی محکوم شدند وتیم ایران نیز به دلیل رفتار ناشایست خود به جریمه نقدی محکوم شد.

شکست ایران در ژاپن و رسوایی اخلاقی با نارضایی و عکس‌العمل شدیدی در کشور مواجه شد. دست اندرکاران ورزش کشور کوشیدند تا گناه را به عهده داور سوری مسابقه بیاندازند و ازپذیرش مسئولیت خود در این شکست تاسف انگیز شانه خالی کنند. در حالیکه جامعه ورزشی، ورزشدوستان و تقریبا تمامی مطبوعات کشور به انتقاد از عملکرد سازمان ورزش کشور به عنوان مسئول اصلی رسوایی هیروشیما پرداخته‌اند. مسئولین ورزشی کشور باگستاخی تمام حتی به انکار شکست پرداخته و خودرا ''فاتح هیروشیما'' قلمداد کردند. از جمله مهندس محلوجی رئیس کمیته المپیک ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی ضمن ناحق جلوه دادن مسابقه، مدعی شد ایران در هیروشیما پیروز شده است!

شکست در مسابقات ورزشی حادثه‌ای طبیعی است که می‌تواند در کمین هر کشوری باشد. اما پذیرش مسئولیت این گونه شکستها توسط ارگان‌ها و دستگاه‌های ذیربط و برخورد مناسب با عوامل آن است که می‌تواند راه را برای موفقیت‌های بعدی هموار کند. در جمهوری اسلامی رسم به گونه دیگری است. در حالیکه از پس هر پیروزی تمامی ارگان‌های ریز و درشتی که به نوعی در ارتباط با دستگاه ورزش کشور قرار دارند می‌کوشند ثمرات پیروزی را از آن خود سازند اما به هنگام شکست، ناگهان میدان خالی می‌شود و تقصیرها را یا متوجه بازیکنان و مربیان، یا داوران و یا قدرت‌های خارجی می‌کنند! به همین دلیل است که در طی ۱۳ سال فعالیت تیمهای ورزشی ایران در زیر نام و پرچم جمهوری اسلامی که با شکستهای بسیار بزرگ و تلخ همراه بوده است، دستگاه ورزش کشور هرگز خود را موظف به پذیرش مسئولیت ناکامی‌ها، پاسخگویی و اقدامات ضرور ندیده و از سوی مقامات بالاتر کشور نیز به‌چنین کاری مجبور نشده است.

متاسفانه سازمان تربیت بدنی کشور که مسئول رسیدگی به امور ورزشی است به چنگ عده‌ای افراد بی‌اطلاع و بی‌مسئولیت وبی‌کفایت افتاده است. افرادی که انتصابشان به مقامات عالی ورزش کشور نه به‌دلیل تجربه، تخصص و دلسوزی‌اشان نسبت به سرنوشت ورزش کشور، بلکه بدلیل داشتن رابطه با مقامات بالای حکومتی است. جای شگفتی ندارد که سازمان تربیت بدنی به منبعی برای سوءاستفاده‌های مالی و منفعت طلبی‌های شخصی و گروهی بدل شده است. جمهوری اسلامی بدلیل سیاست‌های انحصارگرانه خود بسیاری از پیشکسوتان و دلسوختگان ورزش ایران را از خود رانده است و تصمیم‌گیری‌ها را در اختیار کسانی قرار داده که قبل از هرچیز مجری سیاست‌های ارتجاعی رژیم و سودجویی‌های گروهی خود هستند. هیچ انتقادی و هیچ ناکامی در مناسبات چیره بر این سازمان تاثیری ندارد وتحول ضروری را موجب نمی‌شود. حداکثر این است که پس از هر شکست چند مهره کوچک را قربانی می‌کنند وخود محکمتر به مناصبشان می‌چسبند. تا زمانی که وضع چنین است امیدی به تحول مثبت در ورزش کشور نیست.

واردات انبوه کاغذ تولید داخلی را کاهش داد

به گفته مدیر عامل کارخانه کاغذ سازی پارس (هفت تپه) واردات انبوه کاغذ از خارج باعث کاهش تولید این کارخانه شده است. به گفته وی در سال گذشته از ۷۲ هزار تن کاغذ چاپ و تحریر که در این کارخانه تولید شده بود ۳۰ هزار تن یعنی بیش از ۴۰ درصد کل تولید بدون مشتری ماند و به انبار سپرده شد. تولید ۶ ماهه اول سال جاری این کارخانه ۲۳ هزار تن کاغذ چاپ و تحریر و ۱۸ هزار تن خمیر کاغذ بود که به ترتیب ۱۲ هزار تن و ۸ هزار تن از حجم تولید در مدت مشابه سال پیش کمتر شده است.

مدیر عامل کارخانه پارس ملت توجه خریداران به کاغذ خارجی را کیفیت مرغوب کاغذ وارداتی دانست. وی افزود تولید کاغذ با کیفیت قابل رقابت با مشابه خارجی آن در گرو تامین ارز برای وارد کردن تجهیزات مهرد نیاز می‌باشد.

اجلاس آنکارا با تجزیه عراق مخالفت کرد

ادامه از صفحه ۱

وزیر خارجه ترکیه در این کنفرانس مطبوعاتی شرایط فعلی در شمال عراق را برای وحدت و تمامیت ارضی مضر خواند و در توضیح علت حضور نیروهای ترکیه در شمال عراق گفت: ما ناچار بودیم با تروریست‌هایی که از اردوگاههای خود در شمال عراق مرزها را ناامن می‌سازند مقابله کنیم. وزیر خارجه ترکیه افزود با انجام عملیات علیه شورشیان کرد مقدمات بازگشت نیروهای ما فراهم شده است و تعدادی نیز در حال بازگشت هستند.

فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه نیز مساعدت در حل مسائل عراق بویژه مقابله با تجزیه آنکشور را مسئولیت مهمی دانست که متوجه کشورهای منطقه بویژه همسایگان آنست.

اعلام تشکیل دولت کرد در شمال عراق توسط مخالفان کرد رژیم صدام، با نا خشنودی و نارضایتی سه کشور ایران، ترکیه و سوریه که هرکدام دارای اقلیت کرد در داخل کشورهای خود هستند، روبرو گشت. این کشورها نگران آنند که تحولات در کردستان عراق در مناطق کرد نشین این کشورها نیز اثر نماید.

اجلاس آنکارا کوششی از جانب دولتهای جمهوری اسلامی، ترکیه و سوریه برای مقابله با پیامدهای تحولات ماههای اخیر در کردستان عراق است. مطابق اعلام قبلی قرار بود عربستان سعودی نیز در اجلاس آنکارا شرکت نماید. اما این کشور از حضور در اجلاس خودداری ورزید. دولت عراق خواستار شرکت در اجلاس آنکارا شده بود اما این درخواست مورد موافقت قرار نگرفت.

اجلاس آنکارا با واکنش توام با نگرانی و ناخرسندی کردهای عراقی روبرو گشت. جلال طالبانی در گفتگویی با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند گفت: ''ترک‌ها بما اطمینان داده‌اند که گردهمایی آنکارا علیه کردها نیست ولی ما از این گردهمایی خرسند نیستیم.'' طالبانی افزود'' ایران، عربستان و سوریه همواره کوشیده‌اند مخالفان حکومت بغداد را در کنترل خود داشته و از آن بعنوان برگی در بازیهای خود استفاده کنند. اکنون اپوزیسیون عراق دیگر گوش به رهنمودهای سرویس اطلاعاتی آنان ندارد''. بگفته طالبانی ''برخی کشورهای همجوار، از دموکراسی وحشت دارند و ناراحتند از اینکه کردستان به صورت یک قطب دموکراسی درآید.''

ماه گذشته در یکی از بزرگترین گردهمایی مخالفان رژیم صدام در شهر صلاح‌الدین در شمال عراق سیستم فدرالی برای حکومت آینده عراق مورد موافقت قرار گرفت. در این اجلاس که در آن نزدیک به ۴۵ گروه مخالف رژیم صدام شرکت داشتند همچنین یک شورای رهبری سه نفره به عنوان جانشین رژیم صدام تعیین و معرفی شد. یک نفر کرد، یک نفر از شیعیان عراق و یک ژنرال سابق ارتش عراق ترکیب این شورای رهبری را تشکیل میدهند.

علاوه بر مسائل داخلی عراق، درگیریهای اخیر در شمال عراق میان نظامیان ترک و حزب کارگران کرد ترکیه و ادامه حضور نیروهای ترکیه در شمال عراق به پیچیدگی مسائل شمال عراق افزوده است. دولت ترکیه با آنکه مدعی پایان موفقیت آمیز عملیات گسترده نظامی خود علیه چریکهای حزب کارگران کرد در ترکیه است، اما به حضور خود در شمال عراق ادامه میدهد. کردهای عراق نسبت به حضور ارتش ترکیه در شمال عراق نگرانند. پیش از این، کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی نیز در اطلاعیه‌ای با ابراز نگرانی نسبت به حضور ارتش ترکیه در شمال عراق خواستار عقب نشینی و خروج نیروهای نظامی ترک از خاک عراق شده بود.

افزایش صادرات امریکا به ایران

وزارت تجارت امریکا اعلام داشت حجم صادرات این کشور به ایران که در سال ۱۹۹۰ معادل ۱۶۲ میلیون دلار بود در سال ۹۱ با ۲۵۰ درصد رشد به رقم ۵۲۷ میلیون دلار رسید. رشد صادرات شرکتهای امریکایی در سال جاری نیز ادامه یافت. تنها در نیمه اول سال ۹۲ این شرکتها ۴۱۴ میلیون دلار کالا به ایران صادر کردند. پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا پایان سال از یک میلیارد دلار فراتر رود. باوجود این رشد چشمگیر هنوز کالاهای امریکایی به وساطت کشورهای ثالث و در نتیجه گرانتر وارد ایران می‌شوند.

در زمینه مناسبات اقتصادی کنونی امریکا با ایران، روزنامه واشنگتن پست خبر داد در سال جاری شرکت‌های نفتی امریکایی به بزرگترین خریدار نفت ایران بدل شده‌اند. این مقام پیش از این، از آن کمپانی‌های ژاپنی بود. مطابق گزارش واشنگتن پست، شرکتهای امریکایی خریدار یک چهارم نفت صادراتی ایران هستند که بهای آن بیش از ۳/۵ میلیارد دلار است. برخلاف صادرات امریکا به ایران که غیر مستقیم وارد می‌شوند، نفت ایران مستقیما توسط شرکتهای امریکایی در پایانه خارک بارگیری می‌شوند. این تحول در سال جاری رخ داد. از سال ۷۹ تا امسال در پایانه‌های نفتی ایران به شرکتها و کشتی‌های امریکایی نفت تحویل داده نمی‌شد. خریدهای پیشین غیرمستقیم واز طریق واسطه صورت می‌گرفت. البته هنوز شرکت‌های امریکایی بخاطر محدودیت‌های دولت این کشور نمی‌توانند نفت خام ایران را مستقیما وارد بازار امریکا کنند. آنها نفت ایران را بدوا در پالایشگاههائی در بیرون خاک امریکا تصفیه می‌کنند و سپس تحویل مشتری می‌دهند.

به نوشته واشنگتن پست توجه ویژه شرکت‌های امریکایی به نفت ایران به خاطر ''حساسیت سیاسی'' است.

عملکرد اقتصاد ایران در سال ۷۰

گزارش وضعیت اقتصادی ایران در سال گذشته توسط رئیس کل بانک مرکزی به اجلاس مجمع عمومی این بانک ارائه شد. بر اساس این گزارش در سال گذشته بهای کالاهای مصرفی در عمده فروشی ۲۸/۱ درصد و نرخ خدمات ۳۱/۶ درصد افزایش یافت. رشد حجم نقدینگی نه تنها متوقف نشد که از حد پیش‌بینی شده ۱۹ درصدهم فراتر رفت. افزایش حجم نقدینگی نسبت به سال ۶۹ معادل ۲۴/۶ درصد بود و مقدار آن به ۲۸۰۶۲۸ میلیارد ریال رسید. در سال ۷۰ دولت نه‌تنها نتوانست از میزان بدهی خود به سیستم بانکی بکاهد، بلکه بدهی آن به بانکها باز هم افزایش یافت و به رقم ۱۰۵۶۸ میلیارد ریال رسید که ۹/۷ درصد بیش از گذشته است. در سال گذشته تولید و صادرات نفت به ترتیب ۵/۶ و ۱۰/۶ درصد رشد داشت. با وجود این، افت بهای نفت باعث گردید درآمد دولت از این منبع کمتر از پیش گردد.

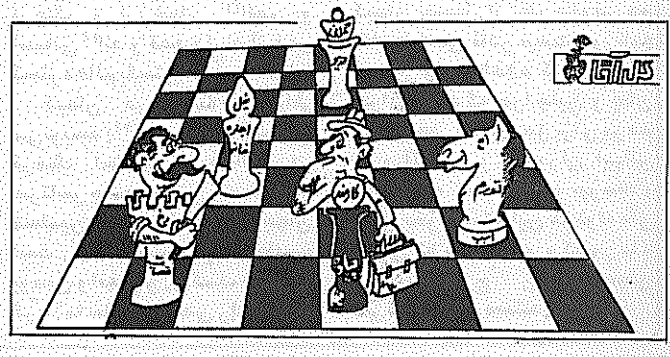

www.iran-archive.com

کیهان، ارگان حزب ''حزب الله''!

بهزاد کریمی

در حال حاضر جنجره ارتجاع حاکم، جنتی است و قلم آن، روزنامه کیهان.

روزنامه کیهان تنها یک چیز کم دارد و آن، عدم تصریح این نشریه در مورد ارگان بودن خود و سخنگویی متحجرین و مرتجعین حکومتی. اگر گردانندگان این روزنامه بر بالای صفحه اول خود می‌نوشتند که کیهان ارگان تبلیغی حزب الله است و توضیح میدادند که هدف آنها جمع کردن و متشکل نمودن این نیرو در سطح جامعه و مشخصا در درون نظام جمهوری اسلامی است، آنگاه نیاز نداشتند تا به انواع پشت و واروزدن ها متوسل شوند. بازکردن ستون ''کیهان و خوانندگان'' و طرح و تبلیغ تمایلات عقب مانده‌ترین و ارتجاعی‌ترین نیروهای جامعه در این ستون، از جمله شگردهای این نشریه برای تبدیل شدن به ارگان حزبی ''حزب الله'' است.

به شش شماره از روزنامه کیهان در فاصله شنبه ۹ آبانماه تا شنبه ۱۶ آبانماه مراجعه کنیم و در این شش شماره ستون ''کیهان و خوانندگان'' را بخوانیم. چه خواهیم دید؟

از ۹۰ مورد پرسش مطروحه و یا اظهارنظرهایی که شده است، تنها حدود یک سوم مربوط به آن رشته مسایلی است که گمانبیش حکایت از مشکلات و گرفتاری‌های معیشتی گروه‌های اجتماعی مختلف مردم دارد. اگرچه، حتی در این یک سوم از گرمی‌ترین مشکلات مردم و مسبب اصلی این دشواری‌ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی و گردانندگان بلندپایه آن خبری نیست.

و اما دو سوم موارد مطروحه یعنی ۶۰ مورد از ۹۰ مورد مربوط می‌شود به:

* ۸ مورد انتقاد از برنامه‌های شهردار تهران و مشخصا پاکسازی دیوارهای شهر از شعارهای حزب اللهی و تصمیم شهردار به انتشار یک روزنامه، اعتراض به ''قربزدگی'' و انتقاد از ''شکل گرایی'' در موسسات اقتصادی و ارگان های دولتی.

* ۶ مورد در مخالفت با برنامه‌های غیر حزب الهی صدا و سیما و پرخاش به حضور تدریجی هنرمندان غیر حزب الهی در صحنه ''کشور اسلامی''

* ۶ مورد شامل حمایت از اخراج استاد تاریخ دانشگاه تبریز که گویا حرمت حزب الله را پاس نداشته بود و تاکیدات بر لزوم اسلامی کردن دانشگاهها

* ۸ مورد علیه بدحجابی، انتقاد از ناپیگیری وزارت کشور در مبارزه با بدحجاب ها، پیشنهاد دایر بر لزوم آموزش نحوه نشستن در تاکسی، و بالاخره تشکر از حضور خانم چادری در تلویزیون به عنوان گوینده خبر با این تکمله که ''امیدوایم روند اصلاح در صداو سیما گسترده‌تر و جدی‌تر شود''

* ۶ مورد انتقاد از وزارت ارشاد مبنی بر اینکه در خط حزب الله نمی‌کند و نیز اعتراض به ناکافی بودن حکمی که علیه نشریه فاراد صادر شده است.

* ۹ مورد انتقاد از عدم حمایت برخی مسئولین از حزب الله، و پیشنهاد و تقاضا راجع به تامین شرایط برای حضور بیشتر حزب الله در صحنه و لزوم تقویت آن.

* ۲ مورد انتقاد نوع حزب الهی. اولی نسبت به عدم برگزاری شایسته روز زینب و دومی راجع به چاپ عکس امام بر روی اسکناس‌ها با توجه به ''فرهنگ خاص در استفاده از اسکناس‌ها''

* تشکر از حضور جنتی در نماز جمعه تهران و درخواست حضور بیشتر ایشان در این مراسم عبادی - سیاسی. در این رابطه آمده است: ''حزب الله با خطبه‌های نماز جمعه آیت الله جنتی، حرف های دلش را از زبان ایشان می‌شنود.'' و ''اگر ممکنست ایشان حضور بیشتری داشته باشند.''

* ۵ مورد انتقاد از کیهان و ''باند کیهان و خوانندگان'' با مضامینی مشترک که در یکی از این ۵ مورد، حرف مشترک چنین فرمولبندی شده است: ''چرا کیهان در برابر هر حرکت پیشرو جبهه می‌گیرد؟'' در این انتقادها، به قضاوت مردم درباره روزنامه کیهان که در پایین بودن تیراژ آن انعکاس دارد، اشاره شده است.

* و در برابر ۵ مورد انتقاد از کیهان، ۹ مورد حمایت از این نشریه و بویژه ستون ''کیهان و خوانندگان'' مطرح شده که درآنها آمده است: ''در جواب انتقادکنندگان به روزنامه بگویید که مقالات کیهان حرف دل ماست.''؛ ''کیهان نظرات مردم را منعکس می‌کند.'' و ''تیراژ را افزایش دهید، قیمت را افزایش دادید ایرادی ندارد.''

هرگاه برخلاف دیدگاه حاکم بر روزنامه کیهان که به هرگفتار و کردار غیرخودی‌ها از زاویه توطئه‌گری برخورد می‌کند، برآن باشیم که موارد مطروحه در ستون ''کیهان و خوانندگان'' از طرف خوانندگان این نشریه طرح شده است؛ هرگاه توجه داشته باشیم که در مطلع این ستون، جمله‌ای آمده با این عبارت که ''از میان تلفن های خوانندگان'' یعنی که موارد مندرج از فربال تنظیم کنندگان این ستون گذشته و با سلیقه آنها دستچین و تنظیم شده است؛ و بالاخره هرگاه در نظر گرفته شود که کیهان در پایین این ستون تاکید می‌کند که: ''موارد خاص در صورتی درج می‌شوند که تاثیر و بازتاب عمومی و گسترده داشته باشند''؛ آنگاه روشن می‌شود که حق است اگر بگوییم کیهان، ارگان تبلیغی حزب ''حزب الله'' است.

تکمله

و این مطلب نوشته شده بود که با دریافت بسته پستی حاوی کیهان ۲۳ آبانماه، شاهد از غیب رسید و دیدیم در ستون مربوطه، از قول یک حزب الهی نوشته شده است: ''روزنامه کیهان مسیر خوبی را می‌رود. شما روزنامه امت حزب الله هستید.''!

بعید است!

بهنام

در شماره ۷۳ و ۷۴ نشریه آدینه مطلبی با عنوان ''آقای خرازی اشتباه می‌کند'' به قلم مسعود بهنود درج شده است. بهنود دراین مقاله برخورد تندوتیز خرازی را به نقد کشیده و زیانهای برخورد تندروانه را توضیح داده است. او این موضوع را در ابعاد تاریخی و تئوریک تعمیم داده است که جای بحث آن در این سخن کوتاه نیست. در اینجا فقط روی یکی از نکات قابل تامل در نوشته ایشان درنگ می‌کنیم.

مسعود بهنود ضمن توضیح اوضاع حساس منطقه و جهان می‌گوید ''در دو سه سال اخیر که بعنوان یک دوره آزادی بیان در تاریخ ثبت خواهد شد، از زاویه عمل روشنفکران و اهل قلم، برخورد غیرمسئولانه و تندروانه‌ای که جامعه ایران از آن آسیب ببیند، رخ نداده است''

در اینکه اهل قلم از اقدامات افراطی اجتناب می‌ورزند و مسئولانه در حفظ دستاوردهایی که بیش از هر چیز محصول مبارزه جامعه روشنفکری مستقل ایران است، می‌کوشند، حرفی نیست. و این برخوردی است سنجیده و مسئولانه. و در اینهم که در دو سال اخیر بر میزان نشریات مستقل افزوده شده و خواه ناخواه دیدگاهها و نظریات طیف وسیعی از جامعه روشنفکری در این نشریات بازتاب پیدا می‌کند، شکی نیست. اما واقعا در کشور ما آزادی بیان تامین شده است؟ انچنان که حتی بعنوان یک دوره آزادی بیان در تاریخ ثبت شود؟ آنچه اکنون برای فعالیت نیروی وسیعی از جامعه فراهم امده است، تعدادی ماهنامه، انتشار برخی از آثار نویسندگان مستقل وامکانات ناچیز در عرصه تهیه فیلم است. تازه این امکانات ناچیز هم مدام در معرض تهاجم قشریون قرار دارد. در طی یک سال دفاتر تعدادی از نشریات وانتشاراتی‌ها یا مورد حمله سازمانیافته حزب اللهی‌ها قرار گرفته و یا در آنها بمب گذاشته شده است. تعدادی از آنها هم تعطیل شده‌اند. با این یورشها و انفجارها، گردانندگان نشریات وانتشاراتی‌ها حتی تامین جانی هم ندارند. قوه قضائیه مدیر وطراح نشریه فارا در رابه خاطر یک طرح به محاکمه کشید و آنها را محکوم کرد. ولی حزب اللهی‌های چماق بدست و عاملین انفجارهانه تنها تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند، بلکه از جانب برخی روزنامه‌ها و نیروهای واپسگرا تشویق می‌شوند.

پرسیدنی است این چگونه آزادی بیانی است که آثار اسماعیل خویی و نادر نادرپور که جزو شاعران برجسته کشورند به خاطر اعتراض به فتوای قتل سلمان رشدی از جانب ارگان رسمی کشور یعنی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ممنوع الانتشار اعلام می‌شود. این چگونه آزادی بیانی است که دفتر ''نثر نقره'' به خاطر انتشار رمان ''طوبا و معنای شب'' در چند سال قبل، توسط حزب اللهی‌ها منفجر می‌شود. این چگونه آزادی بیانی است که برای نویسندگان و هنرمندان پرونده امنیتی ساخته می‌شود. روزنامه کیهان و کیهان هوایی برای همین آقای بهنود پرونده امنیتی ساختند و اتهامات زیادی به او زدند. در حالیکه قوه قضائیه به اعلام جرم چندتن از نویسندگان علیه همین دو جریده کوچکترین وقعی نگذاشت.

تهاجمات سازمانیافته و انفجارها را نمی‌توان تنها به گروههای فشار نسبت داد. آن نیروهایی که مخالف سرسخت فعالیت فرهنگی نویسندگان و هنرمندان مستقل هستند، ارگانهای اصلی حکومتی را در دست دارند. آنها مشوق و زمینه ساز و گاه سازمانگر تهاجمات هستند.

آزادی بیان بدون پشتوانه قانونی نمی‌تواند پایدار باشد. در حالیکه نویسندگان، خبرنگاران و هنرمندان از جانب قانون و دادگاههای قضایی به هیچ وجه در مقابل تهاجمات مورد حمایت قرار نمی‌گیرند.

آقای بهنود به خوبی از این مسایل آگاه است. مقالات متعدد او از جمله مقاله ''حکومت آسان'' که در شماره‌های قبلی نشریه آدینه چاپ شده است، این مساله را نشان می‌دهد. با وجود این آگاهی اظهار نظر ایشان در مورد آزادی بیان در دو سال اخیر بشدت سوال برانگیز است. اگر این اظهار نظر از مصلحت گرایی ناشی نشده باشد، در حقیقت چشم بستن بر آن واقعیاتی است که در جامعه ما جاری است. و اگر ملاحظات دیگری مبنا قرار گرفته باشد نمی‌تواند از جانب کسی که روی برخورد مسئولانه پای می‌فشارد، مورد پذیرش قرار گیرد. طبعا مسئولیت تنظیم روابط با حکومت اسلامی بر عهده خود فرد است، ولی توهم پراکنی در مورد آزادی بیان نه به فرد بلکه به جامعه برمی‌گردد.

اگر قصد آن باشد که با دادن امتیاز بتوان آنچه را موجود است حفظ کرد، باز این گونه اظهار نظرها نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد، چرا که قشریون به این امتیازها قانع نیستند. آنها می‌خواهند تمام نشریات مستقل را تعطیل کنند و جلوی انتشار آثار نویسندگان دگراندیش را بگیرند.

ندیدن و بی‌ارزش شمردن آن روزنه تنگی که گشوده شده است، به همان اندازه خطاست که اغراق کردن و توهم پراکنی در مورد آن.

این کوتوله‌های فکری ...

علی‌اکبر تنبری

دردبزرگ مردم ما این نیست که با انبوه مشکلات خرد کننده که طی ۱۴ سال گذشته روی هم تلنبار شده است دست بگریبانند و حاکمان کشور بطور جدی و واقعی در فکر چاره نیستند، بلکه دردبزرگ قبل از همه آنست که در اداره امور کشور ما افراد و گروههایی نقش دارند که اندیشه و عمل آنها نه با نیازهای امروز جامعه ما و نه با مصالح و منافع آینده کشور اصلا و ابدا همخوانی ندارد. حتی اگر معیار قضاوت را نه مصالح و منافع کشور و ملت، که همان اوهامی در نظر بگیریم که این افراد و گروهها بعنوان ایده‌آلهای خود مطرح می‌کنند، باز هم رفتار و کردار اینها را در تناقض با آن ایده‌آلها میبابیم.

مثال: در امریکا انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و فرد دیگری بجای رئیس جمهور قبلی انتخاب شد. اما واکنش برخی محافل حکومت اسلامی در برابر این انتخابات چگونه بود؟

دولت اعلام کرد که یک تبعه امریکایی را به جرم جاسوسی و ... دستگیر کرده است. این فرد از سالها قبل در ایران زندگی می‌کرد و گفته می‌شود ماهها قبل بازداشت شده بود. اما خبر آن همزمان با روشن شدن نتایج انتخابات ریاست جمهوری امریکا اعلام شد. این عمل دولت نه دستگیری یک جاسوس که تبعه امریکاست بلکه یک پز ضد امریکایی در استقبال از رئیس جمهور جدید امریکا تلقی شد. گویا حکومت هم جزاین منظوری نداشت. این اقدام حکومت با سخنرانی غلیظ ضد امریکایی خامنه‌ای رهبر نظام اسلامی هم همراه شد. حال سئوال این است این رفتار حکومت یا دستکم بخشی از آن نسبت به انتخابات امریکا، ناظر بر کدام مصالح و منافع ملی کشور ما و تامین کننده آنست؟ شاید گفته شود که این حکومت را با مصالح و منافع کشور و ملت چه کار. و این سخن در بسیاری موارد در باره عملکرد حکومت ۱۴ ساله روحانیون در کشور ما صادق است. اما این حرکات حتی با مصالح و منافع حال و آینده روحانیت حاکم نیز سازگار نیست. یعنی واقعا برای این سئوال هم نمی‌توان پاسخی یافت که این رویه در ارتباط با امریکا که شامل حال روابط کشور ما با برخی از کشورها و دولتهای دیگر نیز هست، کدام منافع روحانیت را چه امروز و چه در آینده تامین می‌کند؟

این چنین رویه‌ای از جانب سران حکومت وقتی به گروهها و دستجاتی از بدنه حکومت همچون گردانندگان روزنامه کیهان می‌رسد، دیگر هر گونه ملاحظات را (اگر ملاحظاتی هم در کار باشد) بکنار می‌نهد و اهداف و مقاصد خود را - یا در حقیقت اوهام بیمار گونه خود را - با فرهنگ و منش خاص خود بطور کامل بنمایش می‌گذارد.

روزنامه کیهان در یادداشتی با عنوان ''و اما شرایط ما ...'' به پاسخگویی به رئیس جمهور امریکا برخاسته است که در مصاحبه‌ای، عادی سازی مناسبات با ایران را بشرط آنکه جمهوری اسلامی از تندرویهای سیاسی خود دست بردارد امکانپذیر دانسته بود. این یادداشت در واقع واکنش گردانندگان کیهان در برابر رئیس جمهور تازه امریکا به تبعیت از امثال خامنه‌ای و جنتی بود.

کیهان در این یادداشت در باره مقامات دولت امریکا در چنین تعابیر و توصیفهایی استفاده می‌کند: ''صهیونیستهای همجنس باز خط دهنده به کاخ سفید''، ''داش مشدی‌های قمه‌کش جمهوریخواه''، ''کلینتون همچون احمقها''، ''دیپلماسی دائم الخمر ایالات متحده'' و ... و همه این تعابیر از زبان کسانی جاری می‌شود که داعیه‌دار فرهنگ و ارزشهای ''الهی و آسمانی'' اند و قصد دارند آنرا در گستره عالم بگسترانند.

کیهان در ادامه مقاله‌اش می‌نویسد: ''هدف ما گسترش فرهنگ اسلامی و عدالت در سرتاسر جامعه بشری و حمایت از مسلمین و مستضعفین جهان است ... ما به مسلمین فلسطین، بوسنی و افغان و ... کمک خواهیم کرد. ما سلمان رشدی را خواهیم کشت و به هر کس که دست پاکیزه‌اش به خون کثیف او و امثال او آلوده شود جایزه خواهیم داد ...'' و کیهان اینها را شرایطی قرار می‌دهد که اگر دولت امریکا با آنها کنار آید، راه تفاهم حکومت اسلامی با دولت امریکا باز است.

تصمیم به کشتن سلمان رشدی و امثال او توسط عوامل حکومت اسلامی همچون گردانندگان کیهان روشن است. معنای حمایت از مسلمین و مستضعفین جهان هم برای بسیاری از مردم جهان و قبل از همه برای مردم ایران روشن است. در این زمینه‌ها مجادله‌ای با نویسندگان کیهان نیست. از نظر حقوقی هم ظاهرا کسی قادر نیست روزنامه کیهان را مواخذه کند و به آن ایراد بگیرد که چرا چنین و چنان می‌نویسد. اما این حق برای مردم ما و آگاهان و دلسوزان ایرانی باقی است که بگویند و بپرسند و حتی بخواهند که این کوتوله‌های فکری که بنام مردم و کشور ما با دنیای خارج چنین سخن می‌گویند، کی هستند؟

نقش متخصصین در تحولات سیاسی کشور

بهروز خلیق

مدتی است که مقوله متخصصین به صحنه سیاسی کشور کشیده شده است. جنتی عضو و سخنگوی شورای نگهبان در خطبه نماز جمعه می‌گوید که ''شیخون فرهنگی'' چیزی جز این نیست که کارشناسان و متخصصین جای نیروهای انقلابی را بگیرند. او اضافه می‌کند هنوز کسانی در رده بالای نظام هستند که از کارشناسان و متخصصین حمایت میکنند. زیرا عقیده دارند که تخصص آنها مورد نیاز است. جنتی اعلام می‌کند: ''اگر کارآیی معیار است، پس درها را بگشائید، پس بگذارید لیبرالها وارد شوند، پس فاتحه انقلاب را بخوانید''. در حالیکه رفسنجانی در دیدار با دانشجویان دوره دکترا و کارشناسی ارشد می‌گوید که در کشور ما موقعیت مناسبی وجود دارد تا نیروهای متخصص اداره امور را بدست گیرند.

کارشناسان و متخصصین که همواره جایگاه مهمی در حیات کشور داشته‌اند، امروز به یکی از مسائل عمده مورد کشمکش میان گرایشهای سیاسی موجود در درون حکومت اسلامی تبدیل شده‌اند. اکنون سئوال اینست: چرا مشاجره بر سر آنها بالا گرفته است؟ و نقش آنها در روندهای سیاسی کشور چیست؟ برای پاسخگویی باین سئوالها ابتدا مختصرا به نقش کارشناسان و متخصصین در پیشرفت جامعه اشاره کرده و سپس به برخورد حکومت اسلامی با آنها از اول انقلاب باینسو برمیگردیم تا مشخص شود چرا امروز این مقوله طرح و چنین جایگاهی را در صحنه سیاسی کشور کسب کرده است.

نقش متخصصین و برخورد جمهوری اسلامی با آنها

توسعه جامعه بیش از آنکه به منابع مادی و امکانات فیزیکی آن جامعه مربوط باشد به نیروی انسانی متخصص و کارآزموده متکی است. نیروی متخصص و ماهر در توسعه اقتصادی – اجتماعی هر جامعه نقش اساسی ایفا میکنند. این امر در هر الگوی توسعه صادق است. هیچ یک از امکانات و منابع از جمله نفت، معادن، جنگل‌ها، مراتع، راهها و بنادر، کارخانجات، مواد اولیه و غیره نمی‌تواند نقش نیروهای ماهر را ایفا کند و به تعبیری جای آن را بگیرد ولی با نیروی متخصص به شرط داشتن برنامه درست و اصولی تا حدود زیادی میتوان کمبود منابع را جبران کرد.

اهمیت نیروی انسانی ماهر تا بدان حد مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته که آنرا بمنزله ثروت اصلی یک جامعه دانسته‌اند که توانمندی آن جامعه در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی را مشخص و آهنگ و قابلیت توسعه کشور را تعیین میکند.

کشورهای پیشرفته و اکثر کشورهای توسعه نیافته نقش و ارزش نیروهای متخصص را میدانند و با تمام قوا در جذب و حفظ آن می‌کوشند. اما جمهوری اسلامی با نیروی متخصص کشور که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با رشد سرمایه‌داری و گسترش دانشگاهها و مدارس عالی تربیت شده بودند چه برخوردی داشته است؟

برای رژیم برآمده از انقلاب بهمن که میخواست تمام شئونات زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را اسلامی کند، نه تخصص بلکه تنها مکتب مدنظر بود و متخصصان غیر مکتبی سد راه آنها بحساب میآمدند گردانندگان حکومت برای مکتبی کردن دانشگاهها، مدارس، نظام اداری کشور و واحدهای تولیدی از یکسو به تصفیه وسیعی دست زدند و بخش قابل توجهی از استادان یا معلمان، کارشناسان و تکنوکراتها را به بهانه‌های مختلف ''پاکسازی'' کردند و از سوی دیگر عناصر مکتبی و حزب‌الهی را بر سر امور گماشتند. اکثریت آنها عناصر غیر متخصص و بی‌تجربه بودند. بخشی از نیروهای کشور که مشمول ''پاکسازی'' نشده بودند بخاطر فشار حزب‌الهی‌ها اجبارا از کار خود کنار کشیدند. عده‌ای از نیروی متخصص نیز جهت پائین بودن حقوق و یا بخاطر فساد و باندبازی از ادارات و واحدهای تولیدی بیرون آمدند. بخش مهمی از این متخصصین راهی کشورهای غربی شدند و عده‌ای از آنها به مشاغل دیگر که عمدتا کارهای تجاری و دلالی بودند، روی آوردند. بخش دیگری نیز شرکت‌های مختلف و واحدهای تولیدی کوچک و متوسط راه انداختند.

تعطیل دانشگاهها از سال ۵۹ تا ۶۲ به مهاجرت بخشی از نیروی متخصص کشور انجامید متخصصان جوانی که در اوایل انقلاب با اشتیاق فراوان به ایران برگشته و هر کدام در دانشگاهها و یا موسسه‌ای مشغول بکار شده بودند و هنوز به طور پیمانی و یا ساعتی به تدریس اشتغال داشتند و به استخدام رسمی درنیامده بودند. با بسته شدن دانشگاهها به راحتی همان چمدان دوران دانشجویی را برداشته و به محل تحصیل خود بازگشتند. از سال ۶۰ ببعد با تهاجم حکومت اسلامی به سازمانهای سیاسی مخالف، بخش دیگری از نیروی ماهر کشور مجبور به مهاجرت شدند.

آمارهای منتشره نیز این روندها را تائید میکنند. آمارها حاکی از آنست که در دهه ۶۵–۱۳۵۵ صنایع و معادن با خروج مدام نیروی ماهر مواجه بوده‌اند. این بخش سالانه تقریبا ۴۷۰ نفر متخصص را از دست داده و سهم بخش صنایع از کل متخصصین از ۱۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶/۹ درصد در سال ۶۵ کاهش یافته است. در حالیکه سهم بخش خدمات از ۸۴/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۸/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش پیدا کرده است.

میزان کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی کشور از ۵۵۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۰۵۴ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است. یعنی میزان آن دوبرابر شده است. در حالیکه میزان متخصصان در صنایع و معادن از ۷۸ هزار نفر به ۷۳ هزار نفر در همین سالها کاهش یافته است. با وجود اینکه کل این کارکنان بدوبرابر رسیده است ولی میزان آن در صنایع نه تنها افزایش نیافته بلکه کمتر هم شده است. از میزان نیروی ماهر که در جریانات انقلاب بهمن و بعد از آن از کشور مهاجرت کرده‌اند، رقمی در دست نیست.

این آمارها نشان میدهد واحدهای تولیدی و دستگاههای اداری کشور نه تنها قادر نشدند که متخصصان را جذب کنند، بلکه مداوما نیروی ماهر خود را نیز از دست دادند. در عین حال در این مدت بهره‌وری نیروی متخصص موجود بشدت پائین آمد و گردانندگان امور نتوانستند از توانمندی‌های آنها استفاده کنند. بخش مهمی از توان تخصصی کشور مصروف فعالیتهای غیر تخصصی شد.

مجموعه برخوردهای جمهوری اسلامی با متخصص و نیروی ماهر کشور موجب شد که میزان تولیدات کشور، ظرفیت تولیدی کارخانه‌ها و بهره‌وری کار در ادارات و واحدهای تولید بشدت افت کند. زیان‌هایی که از این طریق بکشور وارد آمده است، بسادگی و بزودی قابل جبران نیست. این برخوردها علاوه بر پیامدهای زیانبار مادی آن، بلحاظ روحی و روانی نیز تاثیرات فوق‌العاده منفی بر نیروی متفکر جامعه گذاشته است. آنها عمیقا احساس توهین و تحقیر می‌کنند. یکی از کارشناسان احساس خود را چنین بیان میکند: ''تولید روزانه چندمیلیون بشکه نفت و بخاطر عدم وابستگی مالی به مردم، دولت نیازی هم به در نظر گرفتن نظرات کارشناسان داخلی در مشکلات کشور نمی‌بیند. بی‌توجهی به دیدگاههای کارشناسی متخصصان کشور، بی‌توجهی به نقطه نظرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفکران کشورمان، احساس مورد توهین و تحقیر قرار گرفتن را در آنها به وجود میآورد. شاید بتوان این احساس را این گونه بیان داشت: ''من بیگانه‌ای هستم در کشور خودم''. (ماهنامه جامعه سالم شماره ۶ مهرماه ۱۳۷۱ – مقاله بی اعتمادی و سیاستهای اقتصادی توشته دکتر رحیم رحیم زاده اسکویی).

وضع نیروی متخصص در سه سال اخیر

از زمان رئیس جمهور شدن رفسنجانی برخورد نسبت به متخصصان به تدریج تغییر کرد. او این نکته را دریافته بود که بدون شرکت اهل فن نمیتوان بر بحران اقتصادی فائق آمد و برنامه بازسازی را پیش برد. رفسنجانی از ابتدا بخش اعظم اعضای کابینه خود را از میان تکنوکراتها انتخاب کرد و سیاست جلب و جذب نیروی ماهر را در پیش گرفت و در این راه بیک سلسله اقدامات دست یازید. او جلو یکه‌تازی انجمن‌های اسلامی و حزب‌الهی را گرفت و سیاست محدود و منزوی کردن حزب‌الهی‌ها را در ادارات و کارخانه‌ها پیش برد.

در طی این سه سال نقش انجمن‌های اسلامی کاهش یافته و دست آنها از دخالت در امور مدیریت قطع گردیده و موقعیت مدیران و تکنوکراتها نسبت به سابق بهتر شده است. در مجموع میتوان گفت فضای ادارات و کارخانجات بزیان حزب‌الهی‌ها و بسود نیروی متخصص چرخیده و تخصص ارزش پیدا کرده است. در عین حال برای نیروهای متخصص در واحدهای تولیدی حقوق‌های نسبتا بالا و امتیازهای مختلف در نظر گرفته شده است.

این اقدامات موجب شده است که بخشی از نیروهای ماهر به ادارات دولتی و واحدهای تولیدی جذب شوند و عده‌ای از اخراجی‌ها و مستعفی‌ها بکار برگردند.

در این فرایند معیار مکتبی بودن تضعیف شده و معیار شایستگی و قابلیت در انتخاب مدیران و مسئولین رشد کرده است. البته این امر بمعنی از بین رفتن ''باند بازی'' و ''رابطه‌ها'' نیست. هنوز این امراض بشدت رایج است و عناصر نالایق و بی‌کفایت در صندلی‌های صدارت جاخوش کرده‌اند و از امتیازات آن بهره‌مند میشوند.

در این سه سال تنها جناح تندرو بود که بشدت معترض تصفیه حزب‌الهی‌ها و مکتبی‌ها از راس امور میگردید. نمایندگان این جناح در مجلس شورا در نطق‌های قبل از دستور نسبت به تصفیه حزب‌الهی‌ها اعتراض میکردند. ولی دولت رفسنجانی به ناله و فغان آنها وقعی نمی‌گذاشت و کار خود را پیش می‌برد.

در مجموع میتوان گفت از سال ۶۸ باینسو شرایط بهتری نسبت بسابق برای کار نیروی متخصص کشور فراهم آمده است. اما این امر بمنزله حذف کامل انجمن اسلامی‌ها و حزب‌الهی‌ها، معیار مکتبی در انتخاب مسئولین و قطع کامل دخالت آخوندها در امور مدیران نیست. حکومت اسلامی همچنان موانع زیادی در کار متخصصان و کارشناسان می‌تراشد. هنوز از نظرات کارشناسان در حل مسائل و مشکلات جامعه بهره لازم گرفته نمی‌شود و در یکسری زمینه‌ها به دیدگاههای متخصصان توجه نمی‌شود. و مهمتر از همه اینکه رفسنجانی نیروی متخصص کشور را میخواهد بخدمت حکومت اسلامی بگیرد بدون آنکه آنها را در اداره سیاسی کشور سهیم سازد.

رفسنجانی از همان ابتدای روی کار آمدنش سیاست را از تخصص جدا کرد. او در معرفی کابینه‌اش به مجلس گفت که کار سیاست با من و کار تخصصی با متخصصان. رفسنجانی نمی‌خواست عناصر سیاسی متخصص را برای کابینه‌اش انتخاب کند. به بیان دیگر به متخصصین امتیاز سیاسی بدهد و آنها را در تصمیم‌گیریهای سیاسی دخالت دهد. او در این مدت بر همین پایه عمل کرده است. این برخورد موجبشده است که تنها اداره بخشی از ارگانها و واحدهای اقتصادی در دست متخصصان قرار گیرد. در حالیکه ارگانهای اصلی قدرت نظیر شورای عالی امنیت، قوه قضائیه، شورای نگهبان و نیروهای نظامی همچنان در دست روحانیت باقی است. این وضع امکانات و قدرت زیادی به روحانیت سنتی و در کل به واپس‌گرایان داده است که بتوانند علیه نیروهای متخصص کشور بتازند و آنها را زیر ضرب بگیرند.

اوضاع کنونی

وضع سیاسی کشور در چند ماه گذشته با نطق خامنه‌ای و راه افتادن موج نمی‌از منکر دگرگون شد. واپسگرایان که از تضعیف و منزوی شدن انجمن‌های اسلامی و حزب‌الهی‌ها و از افتادن اداره امور در واحدهای تولیدی و ادارات بدست نیروی متخصص به‌واهمه افتاده بودند، اوضاع سیاسی را برای حمله به متخصصان مساعد یافتند و آنها را زیر ضرب گرفتند.

تشریون بعد از سخنان خامنه‌ای کوشیدند جو را در ادارات و کارخانجات بسود حزب‌الهی‌ها و بزیان تکنوکراتها تغییر دهند و وضع سابق را احیاء کنند. خامنه‌ای در نطق خود اظهار داشت که در نظام اسلامی افراد برخوردار از روحیه حزب‌الهی از کسانی که فاقد چنین روحیه‌ای هستند، رجحان دارند. مدیران، استادان، صاحب منصبان، فرماندهان، هنرمندان، نویسندگان ما باید حزب‌الهی باشند و در محیطهای مختلف حزب‌الهی ما باید حضور داشته باشند و این ارزش‌ها باید بطور عملی در دستگاههای اجرایی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. روزنامه کیهان نوشت: ''نگرانی این است که ازناحیه رسوخ و نفوذ برخی کارشناسان در دستگاههای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرایی کشور احساس میشود، کارشناسانی که کمتر سنخیتی با اهداف انقلاب نداشته و بعضی حتی با عناد عمل میکنند.'' (کیهان ۱۸ تیرماه ۷۱) کیهان هوایی نیز در مقاله‌ای با عنوان ''دولت هاشمی، ضعف‌ها و قوت در ترازوی سنجش'' نوشت: ''هم‌اکنون این تلقی وجود دارد که مسئولان نیروهای مخلص و متعهد به اسلام و انقلاب را فرو گذاشته و کارشناسان و متخصصانی که حتی برخی از آنان اعتقاد چندانی به اسلام و انقلاب ندارند، برگرفته‌اند. اگر واقعا قصد و نیت رئیس دولت و سایر مسئولین چنین نباشد، دستکم برخی از عملکردها چنین تصویری را در اذهان عمومی ابقاء کرده است و بیانگر وجود برخی گرایشهای متخصص‌گرایانه در برابر گرایشهای تعهدگرایانه است'' (کیهان هوایی ۱۱ شهریور ماه ۷۱)

بخشی از نیروهای متخصص به انتخابات دوره چهارم مجلس شورا دل بسته بودند. آنها فکر می‌کردند که تندروها در این دوره حذف می‌شوند و بالنتیجه مجلس از سلطه آنها رها شده و راه برای پیشبرد برنامه‌های دولت رفسنجانی باز می‌شود. برخی از محافل تکنوکراتها در ابتدا از نتایج دوره چهارم انتخابات مجلس شورا خشنود و راضی بنظر می‌رسیدند. اما وضع دیری نپائید. آنها بتدریج متوجه شدند که واپس‌گرایان با حذف تندروها نیروگرفته‌اند.

اکنون موازنه نیرو در حکومت بگونه‌ای است که بخشی از سیاستها و خواستهای واپس‌گرایان پیش می‌رود. اما باید توجه داشت که روحانیت در شرایط فعلی بدون سپردن عمده‌ترین امور اقتصادی به مدیران و متخصصان کارآمد حتی برای دوره کوتاهی هم نمی‌تواند کشور را اداره کند. آنها که در راس قدرت قرار گرفته‌اند نیز اینرا خوب می‌دانند. بسیاری از آنها بر این امر واقفند که نمی‌توانند آخوندها و بسیجیان را در راس امور بگذارند. شاید مطلوب‌ترین شکل برای آنها این است که متخصصان را کاملا گوش بفرمان کنند و به هیچ وجه آنها را در سیاست‌گذاریها و در قدرت سیاسی شریک نسازند. برای امثال خامنه‌ای‌ها موفقیت آنست که در عمل متخصصان عاملین اجرای دستورات و خواستهای صرف ملایان باشند و هویت، تشکل و تریبونی نداشته باشند.

نقش و جایگاه متخصص

متخصصان یکدست نیستند. اقلیتی از آنها جزو حامیان حکومت اسلامی‌اند و بعضی هم به مصلحت ریش گذاشته‌اند. بخش اعظم آنها اعتقادی به ولایت فقیه و حکومت روحانیت ندارند. این بخش ثقل سنگین متخصصان را تشکیل میدهد.

رفسنجانی موفق شده است توجه بخشی از نیروی متخصص کشور را به خود جلب کند و در بین آنها امیدهایی بیافریند. علت این امر آنست که از یکسو رفسنجانی دست متخصصان را در کارهای خودشان باز گذاشته، بکار آنها ارزش قائل شده و از سوی دیگر شعور و تعقل بجای شعار و احساسات تاکید دارد. آنها رفسنجانی را از سایر آخوندها متمایز می‌کنند و برخی از آنها بر این نظر هستند که رفسنجانی در بین آخوندها استثناء است. در عین حال در شرایطی که آلترناتیو دیگری برای حکومت وجود ندارد، عده‌ای از متخصصان باین نتیجه رسیده‌اند که رفسنجانی را باید در مقابل سایر گرایشهای درون حکومت تقویت کرد. این دسته بر این تصورند که با تکیه بر نیاز دولت به مدیران و متخصصان برای اداره امور کشور قادر به محدود کردن نقش روحانیت در دولت خواهند شد و این امر زمینه را برای خارج کردن انحصار قدرت از دست آنان فراهم خواهد آورد. بنظر آنها در آینده تنها اسم جمهوری اسلامی و پوسته‌ای از روحانیت خواهد ماند. آنها معتقدند که باید بتدریج اسلام و انقلاب را کم رنگ کرد، بر شعارها و احساسات غلبه نمود و بجای آنها شعور، خرد و علم را جایگزین کرد.

محور اصلی فعالیت و تلاش متخصصان تضعیف مدیریت فقهی و رشد تعقل و خردگرایی است. متخصصان در مجموع دارای ویژگیهای هستند که آنها را از یک جریان سیاسی متمایز میکند. آنها در مجموع گرایش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معینی را نمایندگی نمی‌کنند. طبعا در بین عناصر متخصص گرایشهای مختلف وجود دارد ولی نمیتوان آنها را در یک راستا بحساب آورد ممکن است کشمکش بین واپس‌گرایان و متخصصان شدت گیرد و موجب آن شود که نیروی متخصص کشور حول مدیریت علمی متمرکز شود و بتدریج سمت‌گیریهای کلی برنامه‌ای بین آنها بوجود آمده و به آلترناتیوی در درون حکومت تبدیل شود. ولی فعلا این موضوع مطرح نیست.

برنامه اقتصادی و اجتماعی دولت رفسنجانی را نباید بحساب کل متخصصان گذاشت. بخش مهمی از نیروی متخصص کشور، آن برنامه را قبول ندارند. برنامه دولت تنها مورد پذیرش لایه نازکی از کارشناسان کشور بویژه تکنوکراتهای کابینه است.

تکنوکراتها عموما مخالف فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و انحصار قدرت سیاسی در دست روحانیت هستند. ولی در شرایط کنونی برای بخشی از آنها آزادی‌های سیاسی بعنوان خواست درجه اول مطرح نیست. مدیریت علمی، غلبه بر عقب‌ماندگی و پیشرفت جامعه در کانون توجه آنها قرار دارد. متخصصان در تلاششان برای جایگزین کردن مدیریت علمی بجای مدیریت فقهی، علم و خردگرائی بجای شعار و احساسات با نیروهای اپوزیسیون و روشنفکران غیر وابسته به حکومت اسلامی همسو هستند. این تلاش علیه نظام ولایت فقیه، علیه واپسگرایان و بسود ترقی و توسعه جامعه است. ما باید از تلاش آنها در این راستا پشتیبانی کنیم. ولی در عین حال، این تلاش‌ها کافی نیست و می‌بایستی با مسئله مبارزه علیه استبداد مذهبی و برای تامین دمکراسی درآمیزد.

www.iran-archive.com

اروپا؛ مردم نامطمئن، مهاجرین و نژادپرستی رو به گسترش

قسمت اول

سال‌های دهه هفتاد شمسی به لحاظ کثرت شمار مهاجرین در تاریخ معاصر ایران بیسابقه بوده است. در طی این سال‌ها سیاست‌های سرکوبگرانه، جنگ طلبانه و اقتصادبرانداز رژیم اسلامی شمار کثیری از ایرانیان را به مهاجرت واداشته است.

اما راست این است که افزایش مهاجرت مقوله‌ای خاص ایران نبوده و گستردگی آن در سال‌های اخیر پدیده‌ای جهانشمول بوده است، به‌گونه‌ای که این دهه و دهه آغازین هزاره سوم را ''دوران مهاجرت'' نامیده‌اند. به راستی علل و زمینه این مهاجرت‌های گسترده چیست؟ آیا می‌توان آن راسمار نمود؟ از سوی دیگر آیا این مهاجرین و پناهندگان بوده‌اند که باعث تشدید بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهااروپای غربی و مالا رشد و گسترش گرایش‌های نژادپرستانه شده‌اند و یا این روندها علل دیگری دارند؟ در نوشتاری که در پی‌می‌آید، پرفسور کاستلس (STEPHAH CASTLES) کوشیده است تا حدودی به این سوال‌ها پاسخ گوید. کاستلس پروفسور جامعه‌شناسی است و هم‌اکنون سرپرستی ''موسسه پژوهش‌های جامعه چند فرهنگی'' در دانشگاه ولنگنگ (WOIIONGNOG) استرالیارا به عهده دارد. وی چندی پیش در کنفرانسی بانام ''مهاجرت - سیاست مهاجرتی - برخورد متمدنانه با اقلیت‌ها'' که از سوی دولت محلی استان نیدرزاکسن و دانشگاه الدنبورگ آلمان برگزار شده بود، شرکت کرد و در یک سخنرانی دیدگاه‌های خود را در مورد مسایل یادشده عنوان نمود. روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شاو متن این سخنرانی را در شماره ۱۲ اکتبر خود به چاپ رسانده که برگردان آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

۱ - مهاجرت به سوی اروپا را تنها در چهارچوب جابه‌جایی وسیع جمعیت در سراسر دنیا می‌توان درک نمود و توضیح داد.

آغاز دهه ۹۰ جهان شاهد افزایش گسترده مهاجرت نه‌تنها به سوی اروپای غربی بلکه به‌سوی سایر قاره‌ها و مناطق بوده است. در این رابطه روندهای زیر نمود و تبارز داشته‌اند:

. شتاب‌گیری مهاجرت: افزایش جابجایی در کشورهای فنی (اروپای غربی، آمریکای شمالی و استرالیا) و نیز در محدوده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۰ تخمینا ۸۰ میلیون انسان بیرون از زادبوم خود میزیسته‌اند. از این عده ۱۵ میلیون نفر پناه‌جو و یا در حال فرار بوده و ۳۰ میلیون نفر از اجازه اقامت قانونی محروم بوده‌اند و یا به‌گفته دیگر به‌طور غیرقانونی در کشورهای دیگر اقامت داشته‌اند. در این میان آسیا و آفریقا در محدوده خود با مهاجرت‌های گسترده‌ای مواجد بوده‌اند. درواقع بخش بزرگی از میلیون‌ها انسان مهاجری که به سبب جنگ، سرکوب پیگرد و فجایع طبیعی از زادبوم خود آواره گشته‌اند در کشورهای فقیر مانده و تنها تعداد کمی به کشورهای غربی پناهنده شده‌اند.

جهانشمولی مهاجرت: پدیده آوارگی و مهاجرت پیوسته کشورها و بخش‌های بیشتری از جهان را در برمی‌گیرد. در هر کشور مهاجرپذیر شمار ملیت‌ها و تنوع فرهنگی فزونی می‌یابد. مناطقی همچون اروپای جنوبی که خود سابقا مهاجرخیز بوده‌اند به سرعت به کشورهای مهاجرپذیر بدل می‌شوند. کشورهای نوصنعتی که پیش‌از این جزجهان سوم به شمار می‌آمدند، هم‌اینک نیروی کار بسیاری را به‌خود جذب می‌کنند. سال‌های دهه هشتاد قبل از هر چیز دوران درگیر شدن آسیا با پدیده مهاجرت بوده است. در این سال‌ها آمریکا، کانادا و استرالیا بیشتر از هر جای دیگری از آسیا مهاجرپذیرفته‌اند. این کشورها تا دهه شصت با قوانین و مقررات نژادپرستانه مانع ورود مهاجرین آسیایی بودند. در این میان ۱۳ میلیون کارگر آسیایی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه را در راه صنعتی شدن یاری داده‌اند.

ژاپن نیز - همچون آلمان در بیست سال پیش ناخواسته به یک کشور مهاجرپذیر تبدیل شده و چهار کشور موسوم به‌چهار ببر (سنگاپور، تایوان، کره‌جنوبی و هنگ‌کنگ) به جذب‌کنندگان نیروی کار بدل شده‌اند.

تقسیم‌بندی مهاجرین: بیشتر کشورهای مهاجرپذیر با مهاجرین بر حسب انگیزه آنها برخوردهای متفاوتی داشته‌اند. این کشورها در مجموع مهاجرین را به کارگران مهاجر، متخصصین مهاجر، دانشجویان و کارآموزان، کارگران فصلی، مهاجرینی که برای مدتی کوتاه از مرز عبور می‌کنند، پناهندگان، وابستگان مهاجرین جاافتاده و مهاجرین غیرقانونی تقسیم می‌کند. شمار زنان در میان کارگران مهاجر و پناهندگان پیوسته فزونی می‌گیرد. تنوع مهاجرین اتخاذ سیاست واحدی درباره آنها را با دشواری مواجه می‌سازد.

منطقه‌ای شدن مهاجرت: از رهگذر گسترش پیوندها و درهم‌آمیزیهای اقتصادی و نیز ایجاد بلوک‌های سیاسی، مناطق و بازارهای مختلفی برای گردش سرمایه، کالا و انسان پدید آمده است. برای نمونه می‌توان از بازار مشترک اروپا نام برد. مثال‌های دیگر عبارتند از منطقه آزاد تجاری میان آمریکا، کانادا و مکزیک، قرارداد تجارت آزاد میان برزیل، آرژانتین، پاراگوئه و اروگوئه، قرار داد آندن میان بولیوی، کلمبیا، اکوادور، پرو و ونزوئلا و پیمان آسه‌آن میان کشورهای جنوب غربی آسیا. همکاریهای اقتصادی خواسته یا ناخواسته به مهاجرت و جابجایی انسان‌ها راه می‌برد.

۲ - مهاجرت به سوی اروپای غربی از سال ۱۹۴۵ تاکنون سه مرحله را پشت سر نهاده که هر مرحله ازمرحله پیشین نشات گرفته و به نوبه خود به تنوع بیشتر مهاجرت‌ها و مردم مهاجر انجامیده است.

در فاصله میان پایان جنگ جهانی دوم و بحران نفت (۱۹۷۳) رشد اقتصادی و روند فزاینده صنعت گستری (INDUSTRILISATION) در اروپای غربی نیاز به نیروی کار مهاجر را فزونتر ساخت. در آغاز پناهندگان و رانده‌شدگان بازگشتی ذخیره کاری بزرگی را فراهم آوردند. پس از آن ورود نیروی کار از دو سو رواج یافت. انگلستان، هلند و فرانسه میلیون‌ها کارگر را از کشورهای سابقا مستعمره خود وارد کردند و در همین حال تقریبا همه کشورهای اروپای غربی به جذب به اصطلاح ''کارگران مهمان'' از مناطق حاشیه‌ای اروپا پرداختند:

کارگران اروپای جنوبی به سوی فرانسه، بلژیک، هلند، سویس و آلمان غربی، ایرلندی‌ها به سوی انگلیس، فنلاندیها به سوی سوئد و... روانه شدند. هنگامی که این نیروها نیز کفایت نکردند، جذب کارگر از مناطق دورتر بویژه از ترکیه و شمال آفریقا آغاز شد.

در شیوه برخورد با کارگران مناطق حاشیه‌ای اروپا (''کارگران مهمان'') و کارگران مستعمرات پیشین تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود داشته است:

- سیاست دول اروپایی بیشتر بر انگیزه‌ها و سازه‌های (فاکتورهای) کوتاه‌مدت در زمینه تامین نیروی کار استوار شده بود و از برنامه‌های درازمدت برای استقرار نیروی کار وارداتی خبری نبود.

- به کارگیری کارگران مهاجر بویژه در کارهای پست و بی‌نیاز از تخصص در صنایع و ساختمان سازی به تقسیم کار بر حسب پیشینه قومی منجر شد.

- کارگران مهاجر چه به لحاظ حقوقی و چه به لحاظ اجتماعی مورد تبعیض قرار گرفتند و گرایش به همسان سازی موقعیت حقوقی کارگران آمده از مستعمرات پیشین و ''کارگران مهمان'' شدت بیشتری یافت.

مرحله دوم مهاجرت که از ۱۹۷۳ تا میانه دهه ۸۰ به درازا کشید، با دگرسازی ساختار اقتصاد جهانی همراه بود. در چهارچوب این دگرسازی شاخه‌های صنعتی کار بر که به نیروی کار فراوان نیاز داشتند از اروپای غربی به کشورهایی با سطح نازل دستمزد منتقل شده و بدینسان دوران اشتغال کامل در اروپای غربی به سرآمده و در نتیجه تقاضا برای نیروی کار خارجی نیز به شدت کاهش‌یافت. کارگران مهاجر اما کمتر به فکر بازگشت افتادند. بدینگونه اندیشه‌ای که به بازگشت نیروی کار خارجی به زادبوم خود باور داشت، نادرست از آب درآمد.

بخش عمده نیروی کار مهاجر در اروپای غربی باقی ماند و به آوردن افراد خانواده و خویشان خود مبادرت ورزید. بدینسان کارگران مهاجر به مهاجرین دائمی بدل شده و بسان اقلیت‌های قومی سربرآوردند. این اقلیت‌ها به لحاظ حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مورد تبعیض قرار گرفته و قربانی جنایات و کنش‌های غیرانسانی گرایش‌های نژادپرستانه شدند.

در این میان کاهش نسبی شمار مهاجرین تازه امید به پذیرش مهاجرین از سوی اهالی بومی و امکان درآمیزی تدریجی آنها با جامعه میزبان را فزونتر ساخت. اما گسترش دوباره مهاجرت در مرحله سوم، یعنی از میانه سال‌های هشتاد این امیدها را نقش بر آب کرد. شناسه (شاخص) چشمگیر این مرحله افزایش شمار پناهندگان بود. تعداد پناهندگان به اروپای غربی که در سال ۱۹۸۵ از ۱۶۹ هزار نفر فراتر نمی‌رفت، در سال ۱۹۹۱ به سه‌برابر یعنی به ۵۴۱ هزار نفر رسید. گفتنی است که شمار کارگران مهاجر، وابستگان و خویشان مهاجرین قدیمی و افراد فاقد اجازه اقامت نیز در این دوران فزونی گرفت. در بررسی مرحله سوم مهاجرت باید در کنار توجه به مهاجرت دائمی از جنوب به شمال برای تاثیرات و پیامدهای پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق نیز اهمیت و جایگاه ویژه‌ای قائل شد.

آلمان به سبب نقش کلیدی‌اش در اروپای مرکزی به مقصد اصلی مهاجرت‌های شرق به غرب بدل شد. دشواریهای ناشی از نوسازی ساختارهای اجتماعی در شوروی سابق و یوگسلاوی زمینه‌ساز مهاجرت‌های گسترده اقلیت‌های قومی از این مناطق گشت. مجارستان، لهستان، یونان و ترکیه نیز در این مرحله به سهم خود پذیرای اقلیت‌های قومی مهاجر بوده‌اند. سازه‌های (عوامل) سیاسی و پیوندهای تاریخی نیز در مورد مهاجرت از جنوب به شمال از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. برای نمونه روندها و رویدادهای انفجارآمیز در الجزایر به‌پیامدهای ناخواسته‌ای هم برای الجزایریهای ساکن فرانسه و هم برای سیاست‌های دولت پاریس منجر شده است. بدینسان مهاجرت بیش از پیش به پرسمانی در روابط بین‌المللی بدل می‌شود.

۳ - تفاوت‌گذاری متعارف میان گونه‌های مختلف مهاجرت دیگر از کارآیی چندانی برخوردار نیست. در همین راستا سیاست بسیاری از کشورها در برخورد با مهاجرین زیر سوال قرار گرفته است.

این سیاست بر تفاوت‌گذاری میان گونه‌های مختلف مهاجرت استوار است و می‌کوشد به مهاجرین مختلف مانند کارگران مهاجر، متخصصین مهاجر، وابستگان و خویشان مهاجرین، فراریان و پناهندگان برخوردی متفاوت داشته باشد. این سیاست همچنین میان مهاجرت‌های کوتاه‌مدت و مهاجرت‌های دائم و نیز میان انگیزه‌های اقتصادی و انگیزه‌های سیاسی در امر مهاجرت تفاوت قائل می‌شود. اما این تفاوت‌گذاری‌ها و دسته‌بندیها اینک دیگر کارآیی چندانی ندارند و گونه‌های مهاجرت سخت به هم درآمیخته‌اند. از این رو رشته مهاجرت‌ها اگر سیاست مهاجرتی اولیه دگرگون و یا لغو شود، همچنان ادامه خواهد یافت. برای نمونه هنگامی که دولت آلمان در سال ۱۹۷۳ بر آن شد که بر موج مهاجرت از ترکیه که خود دامن زده بود، مهار زده و مهاجرین را به بازگشت ترغیب کند، مهاجرت در اشکال دیگری ادامه‌یافت. به دیگر سخن مهاجرت کاری جای خود را به فراخوانی خویشان و بستگان و نیز افزایش درخواست پناهندگی وانهاد.

این پدیده به سرشت روند مهاجرت برمی‌گردد: معمولا هر جنبش مهاجرتی ابتدا در میان افراد نسبتا جوان رواج می‌یابد. به محض آنکه اینها در کشور میزبان پا قرص کردند به آوردن همونداد خانواده می‌آغازند و یا با دختری از دیار خود ازدواج کرده و وی را به محل جدید اقامت خود می‌آورند. این روند را تنها با اقدامات و اعمالی می‌توان مهار زد که کمتر با مبانی حقوقی و معیارهای حقوق بشر دمسازی و نزدیکی دارند.

سیاست مبتنی بر دسته‌بندی خشک و خدشه‌ناپذیر مهاجرین معمولا نیازهای انسانی همچون امنیت، امکانات مالی و زندگی خانوادگی را نادیده می‌گیرد. این بینش از مهاجرت درک و برداشتی نادرست دارد و آن را ناشی از تصمیم فردی و خودسرانه انسان‌ها می‌داند. مهاجرت را اما باید فرایندی جمعی در نظر گرفت که همه گروهها و جوامع را در بر می‌گیرد.

غیرواقعی بودن سیاست دول اروپایی در دسته‌بندی مهاجرین بویژه در مورد پناهندگان و آوارگان نمود و آشکارگی ویژه‌ای می‌یابد. در سال‌های اخیر تخمینا ۱۵ میلیون انسان به خاطر جنگ، سرکوب و فجایع طبیعی مجبور به ترک دیار خود شده‌اند. اما تنها بخش کوچکی از این عده مشمول قوانین سازمان ملل درحمایت از پناهندگان شده است.

بدین ترتیب از تعریف دوباره مقوله پناهندگی گریزی نیست. مانع این کار همانا ترس کشورهای غربی و ثروتمند است که شاید دیگر نتوانند مسئولیت مهاجرت و پناهندگی را به گردن کشورهای فقیر بیاندازند.

در مجموع هدایت و تنظیم مهاجرت‌های بین‌المللی با بحران مواجه است. قوانین و تدابیر فعلی ناکافی و به‌سختی اجرا پذیرند. در نتیجه مهاجرت‌های غیرقانونی پیوسته فزونی می‌یابد. نبود توافق‌های جامع اروپایی درباره مهاجرین و اقلیت‌ها یکی از عوال اصلی این وضعیت است. توافق‌های اخیری که در شنگن، تروی و دوبلین حاصل شده‌اند بیشتر به اقدامات پلیسی وسختگیریهای اقتصادی در حق مهاجرین و پناهندگان مربوط می‌شود و در آنها از تلاش برای دستیابی به سیاستی مشترک در زمینه گسترش حقوق بشر و همکاریهای بین‌المللی هیچ نشانی نیست. اجرای این توافق‌ها به سبب ناسازگاری میان دموکراسی، دولت حقوقی و جهانی‌شدن روابط از یکسو و سازوکارهای کنترل متکی بر قهر دولت از سوی دیگر احتمالا در درازمدت گره‌ای از کار نخواهدگشود.

۴ - یک سیاست ثمربخش در زمینه مهاجرت باید بر درک درست زمینه‌های جابجایی مردم جهان استوار باشد. یکی از این زمنیه‌ها شکاف ژرف میان شمال و جنوب در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیت نگارانه است.

در سال‌های واپسین هزاره کنونی جمعیت جهان سالانه ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون افزایش‌یافته و تا سال ۲۰۲۵ به دو برابر یعنی به ۸/۵ میلیارد نفر خواهد رسید و تقریبا تمامی این افزایش در کشورهای در حال توسعه روی خواهد داد که پیامد آن فراتر رفتن شمار جمعیت این کشورها از مرز ۷ میلیارد نفر است. این درحالی است که شمار جمعیت کشورهای پیشرفته ثابت خواهد ماند. برای به‌کارگماری نیروی کار در کشورهای در حال توسعه سالانه باید ۳۶ میلیون محل کار ایجاد کرد، امری که با توجه به رکود اقتصادی در بسیاری از این کشورها سخت ناشدنی می‌نماید.

افزایش لجام‌گسیخته جمعیت در کشورهای در حال توسعه پیوسته به هجوم بیشتر روستاییان به شهرها و گسترش بی‌رویه شهرها می‌انجامد. شمار شهرهای جهان با جمعیتی بالاتر از یک میلیون که در سال ۱۹۷۰ از ۲۰ مورد فزاتر نمی‌رفت، احتمالا در سال ۲۰۰۰ به رقم ۴۴ خواهد رسید که بیشتر آنها در کشورهای عقب افتاده خواهند بود. بر پایه برآوردها مکزیکوسیتی و سان پائولو با جمعیتی بالغ بر ۲۴ میلیون نفر بزرگترین شهرهای دنیا خواهند شد و کلکته با ۱۶ میلیون، بمبئی با ۱۵ میلیون، تهران با ۱۴ میلیون جاکارتا با ۱۳ میلیون جمعیت در رده‌های بعد قرار خواهند گرفت. شهرهایی چنین پرجمعیت به سبب فقدان مسکن لازم، نبود زیرساخت‌های شهری و اجتماعی و بیکاری گسترده به لحاظ اقتصادی چندان جاذبه‌ای نخواهد داشت و مهاجرت در میان اهالی آنها به گونه‌ای فزاینده تشدید خواهد شد. مهاجرت‌های سال‌های ۵۰ و ۶۰ عمدتا به‌علت نیاز شدید کشورهای صنعتی به نیروی کار پدید آمد، اما مهاجرت‌های سال‌های آتی بدون نیاز به نیروی کار و حتی به رغم ممنوعیت‌های قانونی انجام خواهد گرفت.

در این میان نباید تاثیر فروپاشی اردوگاه شرق در پدید آمدن موج نوین مهاجرت را ناگفته گذاشت. در پی این رویداد از یکسو مدل شوروی توسعه در نزد کشورهای فقیر رنگ باخت و اصطلاح جهان سوم نیز باتوجه به نابودی جهان دوم از مضمون تهی گشت. برای بسیاری از اهالی جهان سوم که از سیاست‌های توسعه در دهه‌های اخیر جز فقر و نقض حقوق بشر نصیبی نیافته‌اند، به نظر می‌رسد مهاجرت به کشورهای صنعتی تنها راه گذران آسانتر زندگی است. از سوی دیگر مهاجرت از شرق به غرب نیز فزونی یافته و کشورهای صنعتی اروپا این مهاجران را در قیاس با مهاجران جنوب برتر می‌شمرند.

برگردان ح - بغداد

توضیحی پیرامون ایرادات دبیرخانه حزب توده ایران به نشریه کار

دبیرخانه کمیته حزب توده ایران در اطلاعیه‌ای که در شماره ۳۸۷ نشریه نامه مردم (۵ آبان ۱۳۷۱) به چاپ رسیده است، نشریه کار را به دلیل چاپ بیانیه گروهی از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران به ''اقدام غیردوستانه، مداخله‌جویانه و ضد دموکراتیک'' متهم کرده است.

نشریه کار بنا به وظیفه‌ای که پیش روی خود قرار داده است و باتوجه به امکانات محدود خود می‌کوشد تا خوانندگان خود را در جریان اخبار کشور و جهان و از جمله اقدامات و مواضع اپوزیسیون قرار دهد. تلاش ما در درج نظرها، اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های افراد و احزاب صرفنظر از موضع ما نسبت به هر نیروی سیاسی صورت می‌گیرد. ما این وظیفه را بنا به اعتقاد خود به اطلاع‌رسانی صحیح و بی‌غرضانه مسایل انجام میدهیم و سانسور نظرات و اخبار مربوط به گروه‌ها و جریانات سیاسی را مخالف هدف و وظیفه نشریه خود می‌دانیم. در عین حال ما می‌کوشیم تا آنجا که ممکن است نظر خود را پیرامون وقایع مختلف و از جمله مواضع جریانات سیاسی روشن سازیم و این وظیفه را با وظیفه اطلاع رسانی خود مخدوش نکنیم.

متاسفانه این تعمد درست، مورد سوء استفاده‌های فراوانی قرار گرفته است. سوء استفاده‌هایی که نمی‌تواند ناشی از ناآگاهی باشد. نشریه کار به دلیل اعتقاد خود به رعایت آزادی نظر، مقالات بسیاری از جانب افراد مختلف به چاپ می‌رساند که اندکی دقت برای تشخیص تفاوت دیدگاه‌ها و مواضع آنها با دیدگاه‌ها و مواضع نشریه ما کافی است. اما این دیدگاه‌ها و مواضع از سوی گروهی از نیروهای سیاسی به شیوه‌ای غیراخلاقی به نام مواضع سازمان ما مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. یکی از آخرین نمونه‌های آن اطلاعیه پیش‌گفته دبیرخانه حزب توده ایران است که با استناد به نظر درج‌شده در یک مقاله با امضا شخصی، ''نشریه کار'' را مورد انتقاد قرار داده‌است. این نشریه در مقاله دیگری در شماره ۳۷۸ خود نیز به‌همین شیوه ناصحیح توسل جسته است که تنها نشانه فرهنگ عقب‌مانده در مبارزه سیاسی است.

ما کوشش خواهیم کرد سیمای دمکراتیک نشریه خود را حفظ کنیم و خوانندگان را به طور همه جانبه در جریان همه مسایل سیاسی از جمله مسایل مربوط به نیروهای اپوزیسیون قرار دهیم. اگر این کوشش ''اقدام غیردوستانه، مداخله‌جویانه و ضد دموکراتیک'' تلقی شود، گناه نه از ما بلکه از آن کسانی است که هنوز به سانسور افکار معتقدند و اطلاع‌رسانی صحیح را مداخله‌جویی تعبیر می‌کنند.

www.iran-archive.com

به انگیزه روز جهانی نویسندگان در بند

نویسندگی همچنان پرمخاطره است

ترجمه و تنظیم از یج ـ نیک داوری

جنایات و تعدیاتی که جمهوری اسلامی در حق نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران و ناشران کشورمان روا داشته، یکی از موارد نادر در تاریخ معاصر جهان است. بسیاری از اندیشمندان و صاحبان قلم به سبب آنکه نخواسته‌اند به اندیشه‌ها و کردارهای رژیم اسلامی گردن نهند، یا اعدام گشته، یا به سیاه‌چال‌ها افکنده شده و یا جلای وطن کرده‌اند. پس از اعدام شماری از نویسندگان و قلمزنان در کشتار جمعی سال ۶۷، دستگیری و بازداشت خانم پارسی‌پور (نویسنده کتاب زنان بدون مردان) در سال پیش، صدور حکم زندان برای مسئول نشریه فاراد، جلوگیری از انتشار نشریه گردون، انفجار بمب در دفتر مجله ''دنیای سخن''، انفجار اخیر در مرکز ''نشر فقره'' پاپوش‌دوزی و ایرادافتر از سوی نشریات وابسته به رژیم نسبت به‌اعضای هیئت احیای کانون نویسندگان یعنی آقایان دولت‌آبادی، مجابی، براهنی و گلشیری و خانم سیمین بهبهانی و جلوگیری از انتشار آثار اسماعیل خویی و ناد نادر پور به خاطر مخالفت آنها با فتوای قتل سلمان رشدی نمونه‌های تازه‌ای از عملکرد سیاه رژیم اسلامی در برخورد با اهل اندیشه و قلم در میهن ماست.

گرچه جمهوری اسلامی در زمینه سرکوب اهل قلم در میان سایر رژیم‌های سرکوبگر یکی از سیاه‌ترین کارنامه‌ها را داراست، لیکن اذیت و آزار نویسندگان، ارباب جراید و ناشران مختص به‌این رژیم نیست و قلم کماکان در نظر حاکمان شماری از کشورها از اسلحه‌خطرناکتر می‌نماید، زیرا همانگونه که فرخی سیستانی فراخور دانش و بینش‌زمان خودسروده‌است:

قلم به ساقتی آن کارها تواند کرد
که عاجز آید از آن کارها قضا و قدر.

۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) روز جهانی بزرگداشت و سپاس از نویسندگان، شاعران و روزنامه‌نگارانی است که تعقیب، زندانی، شکنجه و یا اعدام شده‌اند. هر شش‌ماه یکبار کمیته‌ای به نا ''کمیته نویسندگان در بند (WRITERS IN PRISON COMMITTEE) وابسته به ''انجمن بین المللی نویسندگان'' (PEN CLUB) گزارشی از آخرین شکنجه‌ها، پیگردها و اهداف‌های نویسندگان را انتشار می‌دهد. بر پایه واپسین گزارش این کمیته شمار نویسندگان زیر پیگرد در شش‌ماه گذشته دوباره فزونی گرفته است. تعداد دستگیرشدگان به ۱۵۵ نفر بالغ شده و از ۳۷۲ نفری که از قبل در زندان به سر می‌برده‌اند، ۲۵۶ تن مجبور به گذراندن زندان‌هایی از ۸ سال تا ابد می‌باشند. ۶۸ نفر اهل قلم ربوده و یا ناپدید شده‌اند و ۵۲ نفر نیز مورد حمله قرار گرفته‌اند که ۷ مورد آن از طریق سوءقصد مسلحانه بوده است. در این میان ۷۱ نفر نیز تمدید به مرگ شده‌اند. از ژانویه ۱۹۹۱ تاکنون ۱۵۲ نویسنده کشته‌شده‌اند که ۸۱ مورد آن مربوط‌به ۱۲ ماه گذشته می‌باشد. افزون برآن تعداد بی‌شماری از نویسندگان از کار اخراج شده، یا درخانه تحت فشار قرار گرفته و یا تبعید شده‌اند.

''کمیته نویسندگان زندانی'' که مرکز آن در لندن است، اطلاعات خود را از روزنامه‌ها، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشر، تماس مستقیم با خویشان و آشنایان نویسندگان زندانی و گزارش اعضای انجمن بین المللی نویسندگان (PEN) از کشورهای مختلف تهیه می‌کند.

از ۷۸ نمایندگی ''انجمن بین المللی نویسندگان'' در سراسر دنیا ۳۱ مورد آنها با کمیته ''نویسندگان در بند'' همکاری تنگاتنگ دارند. این نمایندگیها نویسندگان تحت پیگرد و زندانی را افتخارا به عضویت خود می‌پذیرند و برای آزادی آنها تلاش می‌کنند. مجاری دیپلماتیک و کارزارهای تبلیغاتی از جمله راه‌هایی است که این نمایندگیها برای جلب توجه افکار نسبت به سرنوشت نویسندگان در بند به کار می‌گیرند. آنها با خانواده نویسندگان زندانی و یا مستقیما با خود آنها مکاتبه کرده و به آنها دلگرمی و روحیه می‌بخشند. ترجمه آثار این نویسندگان و نگارش مقاله درباره آنها از دیگر کارهای نمایندگیهای ''انجمن بین المللی نویسندگان'' است.

آنچه که در پی می‌آید بخشی از گزارش اخیر ''کمیته نویسندگان در بند'' درباره سرنوشت پله‌ای از نویسندگان زندانی و یا مقتول است.

* * *

پارک نو-هه: ۳۳ سال دارد

و از محبوب‌ترین شاعران کره جنوبی به شمار می‌رود. بیشتر شعرهای وی درباره رنج و زندگی کارگران کره‌ای است که در آسیا بالاترین ساعات کار و بیشترین سوانح کاری را تحمل می‌کنند.

نوهه در سپتامبر سال ۱۹۹۱ به‌جرم پی‌ریزی یک اتحادیه مستقل کارگری به حبس ابد محکوم شد. همسر وی کیم چین-جوکه نشریه ماهانه این اتحادیه را منتشر می‌ساخت نیز باید شش سال ونیم از عمر خود را در پشت میله‌های زندان به سربرد. نو-هه برنده جایزه جشنواره شعر بین الملل روتردام در سال ۱۹۹۲ می‌باشد.

آونگ سان سون کی: اهل برمه، نویسنده چند کتاب و برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۹۱ می‌باشد. وی از ۲۰ ژوئن ۱۹۸۹ در خانه‌اش تحت نظر قرار دارد و از هر گونه امکان مکاتباتی و تلفنی باجهان خارج محروم است. سون کی به ''تمدید علیه دولت،

برانگیختن نفرت نسبت به نیروهای مسلح و تحریک به شورش'' متهم می‌باشد. وی سال ۱۹۸۸ دبیرکل اتحادیه ملی برای دمکراسی برمه (NLD) بود. و توانست در انتخابات مه ۱۹۹۰ با ۸۸ درصد آرا به ریاست جمهوری برمه انتخاب شود. رئیس ستاد ارتش برمه اما در همان سال با انجام یک کودتا نتایج انتخابات را ملغی اعلام کرده و به دستگیری رهبر NLD اقدام نمود.

خامغان پاردیت: شاعری از لائوس که در سال ۱۹۷۳ یعنی در دوران استقرار دولت وحدت ملی معاون استاندار یکی از ایالت‌های این کشور بود. وی پس از برقراری جمهوری دمکراتیک خلق لائوس دستگیر شد و از آن زمان تاکنون بدون محاکمه در ''اردوگاه بازپروری'' نگهداری می‌شود. پاردیت وضع جسمی وخیم و ناگواری دارد و تمام تلاش‌های عفو بین الملل و انجمن بین المللی قلم برای آزادی او تاکنون بی‌نتیجه مانده‌است.

آرسوندو آتموویلوتو: یکی از روزنامه‌نگاران نامی اندونزی است. یک نظرخواهی که وی از مردم درباره محبوب‌ترین شخصیت‌ها به عمل آورد، نشان می‌داد که خود او در جایگاه دهم یعنی یک رتبه از حضرت محمد بالاتر قرار دارد. انتشار این نظرخواهی در نشریه معتبر موبیتور موجی از اعتراض و تظاهرات بنیادگرایان را برانگیخت. دانشجویان حزب اللهی به دفتر تحریریه نشریه حمله برده و عکس‌های آتموویلوتو را به عنوان سلمان رشدی اندونزی به‌آتش کشیدند. دادگاه آتمو ویلوتو که پنج ماه به درازا کشید، سرانجام وی را به خاطر ''جریحه‌دار کردن احساسات مذهبی'' به پنج سال زندان محکوم نمود که اخیرا به سه سال و نیم کاهش‌یافته است.

عبدلباقی حافظ الرای: از نویسندگان وحقوقدانان سودان و از اعضای یک سازمان مدافع حقوق بشر می‌باشد که به‌سبب اعتراض به سرکوب‌های رژیم نظامی سودان غیرقانونی اعلام شده است. از حافظ الرای پس از دستگیری در دسامبر ۱۹۸۹ تا زمان آزادی یعنی ژانویه ۱۹۹۲ هیچ آثار و نشانه‌ای در دست نبود. وی در طی این مدت پیوسته تحت شکنجه‌های جسمی و روحی قرار داشته، به گونه‌ای که ۱۲ کیلو از وزنش کاسته شده است. پزشکان پای چپ حافظ الرای را که به سبب شکنجه‌های زیاد قابل درمان نبوده از پیکرش جدا کرده‌اند و پای راست وی نیز در معرض خطر قطع می‌باشد. بر سودان رژیمی حاکم است که شباهت‌های بسیاری به جمهوری اسلامی دارد و از کمک‌های همه‌جانبه آن بهره‌مند می‌باشد. حافظ الرای که برای مداوای پزشکی به‌خارج آمده، پس از انجام یک مصاحبه در مورد شرایط زندان از سوی ایادی رژیم سودان تهدید به مرگ شده است.

وانگ جونتا: ۳۴ ساله و از مدافعان حقوق بشر در چین می‌باشد. وی تا پیش از سرکوب تظاهرات دانشجویی در سال ۱۹۸۹ دستیار سردبیر نشریه اقتصاد هفته و سرپرست پژوهشگاه علوم اجتماعی پکن بود. پس از این رویداد جونتا که از سوی پلیس تحت پیگرد قرار گرفته بود، کوشید به اتفاق همسرش به هنگ کنگ بگریزد، اما ماموران امنیتی وی را شناسایی و دستگیر کردند. جونتا پس از یک سال بازجویی در فوریه ۱۹۹۱ به خاطر ''تلاش برای سرنگونی دولت'' و ''تبلیغات ضد انقلابی'' به ۱۳ سال حبس محکوم گردید.

جایمه آیالاسودکا: روزنامه‌نگار اهل پرو و جز ۲۶۰۰ نفری است که از سال ۱۹۸۳ ناپدید شده‌اند. یک روز پس از کشتار ۳۶ نفر غیرنظامی که گور آنها اخیرا کشف شده، افراد ارتش به خانه سودکا ریخته و مادر وی را مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند. هنگامی که سودکا به خانه برگشت و از ماجرا آگاهی یافت، برای اعتراض به بادگان ارتش رفت. وی از آن زمان تاکنون به خانه بازنگشته است. به گفته وکیل سودکا، وی چون از ماهیت قاتلان ۳۶ نفر خبر داشته، کشته شده است.

ماریا الناکروزوارلا: ۳۸ ساله و از شاعران برجسته کوبا میباشد. وی که در سال ۱۹۸۹ ''جایزه ملی شعر'' کوبا را دریافت نمود، در نوامبر ۱۹۹۱ به اتهام ''اشاعه تبلیغات خصمانه'' با ''دامن زدن به شورش عمومی'' و ''تشکیل یک انجمن غیرقانونی'' همراه با چندین زن و مرد دیگر به دوسال زندان محکوم گردید.

اتهام واقعی وارلا همکاری وی با انجمنی از روشنفکران منتقد کوباست. ماریاالنا کروزوارلا در سال ۱۹۹۱ با انتشار بیانیه‌ای خواستار بحث و گفتگو درباره محوری‌ترین مسائل جامعه کوبا شد.

میرنا ماک چانگ: از روزنامه‌نگاران گواتمالایی است که به سبب پژوهشهای جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه خود شهرت بسزایی یافته است. وی در سپتامبر ۱۹۹۰ در گواتمالا به‌سختی مورد حمله قرار گرفت و اگرچه با مقاومت سرسختانه‌خود طرح رباینده‌گانش را با شکست مواجه ساخت، اما ضربه‌های کارد و چاقو بر پیکر خانم چانگ سرانجام موجب مرگ وی گشت. درباره علت مرگ وی هیچگونه تحقیقی به عمل نیامد و همه‌مدارک جرم نابودشد. در اوت ۱۹۹۱، افسر پلیسی که مسئول رسیدگی به پرونده قتل چانگ بود نیز مورد حمله قرار گرفت و کشته شد.

اعلا حامد: از رمان‌نویسان نامی مصر است که در دسامبر سال گذشته به سبب نوشتن رمانی که شباهت‌هایی با ''کمدی الهی'' داشته دارد به ''تمدید علیه امنیت ملی و آرامش عمومی'' متهم و به ۸ سال زندان محکوم گشت. گرچه این حکم هم‌اکنون به حال تعلیق درآمده، لیکن لغو نشده است. ناشر و حروفچین رمان حامد نیز هرکدام به ۸ سال زندان و جریمه نقدی سنگین محکوم شده‌اند.

توضیح و پاسخی پیرامون یک انتقاد

آری، سرمایه‌داری انتقامجو!

در کار شماره ۴۵-۱۴ مرداد ۷۱ (۵ اوت ۹۲) مقاله‌ای به نام ''سرمایه‌داری انتقامجو'' به مناسبت انتقال اریش هونکر رهبر سابق آلمان شرقی به آلمان و بازداشت وی درج شد. آقای حسن کیانزاد به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۹۲ جوابیه‌ای انتقادی به این مقاله با نام ''هونکر استالینیست و دیگر یاران او قابل دفاع نمی‌باشند'' برای نشریه ما ارسال داشتند و خواهان درج آن شدند. بنا به روش کار، مقاله در نوبت چاپ قرار گرفت. اما متوجه شدیم که مقاله آقای کیانزاد در کیهان چاپ لندن به تاریخ ۱۹ نوامبر با نامی دیگر: ''دیکتاتورها چه سرخ و چه سیاه به هیچ وجه قابل‌دفاع نیستند'' به چاپ رسیده است. از آنجا که انتشار مقاله فوق در آن نشریه، موضوع درج آن در ''کار'' را منتفی ساخته، خلاصه‌ای از آن و پاسخ کوتاه ما در این شماره درج می‌شود.

آقای کیانزاد در مقاله خود از موضع ما در مورد انتقال هونکر به آلمان و محاکمه وی ابراز تعجب کرده و آنرا مخالف نو اندیشی دانسته‌اند. آقای کیانزاد ضمن توضیحات مفصلی در مورد ''جنایات'' هونکر بعنوان سردمدار نظام تک حزبی استبدادی سرخ وی را مسئول خونهای ریخته شده بیش از سیصد نفر انسانی که می‌خواسته‌اند از آلمان شرقی سابق بگریزند دانسته و تاکید کرده است: ''ما برخلاف نظر شما، بر این باوریم که بازگرداندن آقای هونکر به آلمان و محاکمه ایشان و دیگر مسئولین نظام گذشته با استناد به مدارک بسیاری که از سوی شهروندان آلمانی به مقامات قضائی برای دادخواهی سپرده شده است خواست میلیونها شهروند آلمانی و آزادیخواهان است که بدنبال اجرای عدالت و مجازات عادلانه میباشند. بیان تبلیغی و تحریکی شما در این رابطه با ''سرمایه‌داری انتقامجو'' هیچگونه مناسبتی ندارد وجدی هم گرفته نخواهد شد.'' آقای کیانزاد در پایان نامه خود متذکر شده است: ''ما امیدواریم که مسئولین و رهبران و صاحبنظران نواندیش در سازمان شما، همچنان با استواری به راه نو آوری و پویایی سیاسی که چند صباحی است آغاز نموده‌اند، پیگیر گام بردارند و با یک چنین تحلیل و بررسی غیر واقع‌بینانه سیاسی، به میزان اعتماد و نزدیکی‌های انسانی که در این میان بر اساس تغییرات نظری و انتخاب روش‌های نوین و واقع‌گرایانه بوجود آمده است، آسیب برسانند و آنرا خدشه‌دار نسازند.'' آقای کیانزاد به ما توصیه کرده‌اند که در میانه راه متوقف نمانیم و تحول و نواندیشی را به سرانجام رسانیم!

******

آقای کیانزاد بخش مهمی از مقاله خود را به ارزیابی از عملکرد رژیم آلمان شرقی سابق اختصاص داده‌اند. طبعا در این زمینه ما با ایشان دارای دیدگاههای متفاوتی هستیم. ما ضمن انتقادهای بسیار خود به دولت ما و احزاب کشورهای بلوک شرق، هرگز در موضع و جایگاه سرمایه‌داری و کینه توزی ضد کمونیستی قرار نگرفته و نخواهیم گرفت. اما نظر آقای کیانزاد در دفاع ما از اریش هونکر، که دفاع از دیکتاتورها خوانده شده، ارزیابی نادرستی است. ما اعتراض به بازپس فرستادن هونکر به آلمان و بازداشت و محاکمه او رایک وظیفه انسانی و دموکراتیک میدانیم. مسته اصلی این دفاع، دفاع از حق پناهندگی سیاسی و اعتراض به بازپس فرستادن پناهندگان سیاسی است. و بنظر ما دفاع از آن وظیفه هر نیروی دموکراتیکی است. مشروط کردن این حق به این یا آن شرط محدود کردن آن به این یا آن گرایش سیاسی، آغاز نفی دفاع از حق پناهندگی است. ما با این شیوه آشنائیم. طبعا هر فرد و گروه و دولتی بخود حق میدهد که معیارهای خود را در قضاوت نسبت به افراد پناهنده داشته باشد، اما این قضاوت نباید و نمی‌تواند مبنای پذیرش و یا عدم پذیرش حق پناهندگی قرار گیرد. اریش هونکر بعنوان پناهنده سیاسی به روسیه پناه برده بود و بهمین دلیل بازگرداندن وی به دولت آلمان، عمل ننگینی بود که دولت روسیه به آن تن داد. دفاع از چنین عملی حتی به بهانه مبارزه با ''دیکتاتورها'' ـ تائید رفتار دولتهایی است که حقوق بشر را به پای منافع اقتصادی و امتیازات سیاسی میفروشند.

آقای کیانزاد کوشیده است اقدام دولت آلمان را یک اقدام دموکراتیک و قانونی که خواست میلیونها شهروند آلمانی و آزادیخواهان است قلمداد کند. اما کیست که نداند این محاکمه یک محاکمه سیاسی با اهداف ـ و بهتر است گفته شود با افراض ـ سیاسی معین از جمله دامن زدن به ناسیونالیسم ستیزه‌جوی آلمانی و نمایشی از پیروزی سرمایه‌داری بر کمونیسم است. این واقعیت راحتی راست‌ترین محافل سرمایه‌داری کتمان نمی‌کنند. اگر دولت آلمان براساس خواست میلیونها شهروند آلمانی این محاکمه را سازمان داده، چگونه است که برخواست میلیونها انسان مبنی بر بازداشت، محاکمه و مجازات دهها و صدها جنایتکار ناشیست که هر روز در گوشه‌ای از آلمان به قتل و غارت دست می‌زنند چشم بسته و ترتیب اثری به آن نمی‌دهد؟

نمایش عوامفریبانه محاکمه هونکر از سوی بخش بزرگی از نیروهای چپ و دموکرات در سراسر جهان ـ صرفنظر از موضع آنها نسبت به گذشته سیاسی هونکر ـ محکوم شده است. آنچه آقای کیانزاد بیان تبلیغی و تحریکی می‌نامند در واقع ناخشنودی نسبت به این اعتراض گسترده است. برخلاف آنچه که در ظاهر امر به نظر می‌رسد، مرزها و صف‌بندیها چندان هم مخدوش نیست. این صفبندیها طبعا نه پیرامون اریش هونکر بلکه پیرامون دفاع یا عدم دفاع از حقوق بشر و دموکراسی و محکوم ساختن یا همراه شدن با عوامفریبی سرمایه‌داری است.

www.iran-archive.com

از میان نامه ها

مبارزه مشترک در راه فرهنگ سالم و مترقی

نیروهای سیاسی با اشتراک امکانات یکدیگر به فعالیت وسیع فرهنگی مثبت و ترویج فرهنگ سالم و مترقی گتی‌الامکان در میان هموطنان ساکن خارج و درنهایت مردم کشورمان که در همهمه تبلیغات حاکمان استبداد وخرافه به تنگ آمده‌اند همت گمارند پیشنهادهای من عبارتند از:

۱ - نشریه مشترکی با محتوای فرهنگی، ادبی، عام‌الفهم با تیراژ مناسب منتشر شود.

۲ - در زمینه موسیقی، به فعالیت پرداخته و با نوآوری در موسیقی اصیل و جاز و تلفیقی از آنها، هرچند ماهه کاست موسیقی مناسبی دراختیار علاقه‌مندان در داخل و خارج کشور قرار دهند.

۳ - در زمینه شعر، ادبیات و تئاتر و سایر امور فرهنگی به جمع‌آوری کارهای فرهنگی هموطنان به فعالیت و نوآوری بپردازد.

بدیهی است این کارها، زمینه‌های عینی و موثری است که امکان فعالیت سالم نیروهای سیاسی، فرهنگی دمکرات خارج‌کشور علیه فرهنگ تجمیلی و تبلیغاتی رژیم استبدادی وجود دارد و پاسخ به افرادی است که هرگونه فعالیت در خارج کشور علیه جنبه‌های مختلف استبداد را بیهوده تلقی می‌کنند.

بدیهی است نیروهای مردمی داخل کشور در این زمینه‌ها با وجود همه محدودیت‌ها فعالیت‌های مثبت و موثری عرضه می‌نمایند که همگی شاهد آن هستیم و بجاست نیروهای مردمی ودمکرات خارج کشور بااین فعالیت‌ها و بااین موج همنوا شوند و به‌بیان صرف آن نپردازند. موفق باشید

ش-ک

پیشنهاد برای وصل کردن و ایجاد وحدت میان صفوف نیروهای اپوزیسیون

نشریه کار به لحاظ ظرفیت و موقعیت و امکانات محدود نمی‌تواند به نیمی از مسائل و مشکلات رفقا جوابی دهد. ولی راه دیگری وجود دارد. برای مثال و روشنتر شدن مسئله نمونه‌ای را متذکر می‌شویم. در ضمیمه کار تحت عنوان طرح پیشنهادی در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد، بحث و نظر زیاداست. برای هر چه فعالتر کردن بحث و نظر پیرامون این مسئله یا دیگر مسائل مربوط و موجود درون جنبش، نشریه کار می‌تواند نقش فعال و بارزی را ایفا کند به این صورت که من که خواهان بحث و مبادی افکارم هستم با دادن تیتر موضوع و اسم مستعار و آدرس که مشکلات بعدی هم ایجاد نمی‌کند به نشریه کار، از اشخاص دیگر و یا دوستان و رفقایی که در آلمان یا دیگر کشورها زندگی می‌کنند و خواهان بحث پیرامون چنین مسئله‌ای می‌باشند دعوت می‌کنم که وارد بحث و گفتگو شوند. نشریه کار می‌تواند این درخواست و آدرس را در ستون با خوانندگان چاپ کند. این کار چندین حسن دارد که به قرار زیر است.

(۱) - ارتباط میان نیروهای اپوزیسیون بیشتر و فعالتر میشود.

(۲) - جریان وحدت در حول مسائل مشترک پی‌ریزی خواهد شد.

(۳) - با مشکلاتی که در تمام کشورها وجود دارد و با سطح پراکندگی فراوانی که شاهد آن هستیم این کار باعث ارتباط مکابته‌ای خوبی میان انسان‌های آزادمی‌گردد.

(۴) در همین رابطه باید متذکر شد چه بسا خیلی از نیروهای سازمان که پراکنده هستند و یا به هردلیلی نمی‌خواهند با سازمان فعالیت کنند و یا دیگر نیروهای آزاد باچنین شیوه‌هایی عملا فعالیت خودشان را شروع خواهند کرد و شاید دوباره به بازگشت آنها به صفوف ما باشد.

(۵) - در این عمل آگاهانه از طریق مبادله افکار به بالابردن سطح آگاهی تمام نیروهای اپوزیسیون دست زده‌ایم.

(۶) - این عمل به هر چه فشرده‌تر شدن صفوف نیروهای اپوزیسیون کمک شایانی خواهدکرد.

(۷) - این پیشنهاد را با جریانات دیگر می‌توان در میان گذاشت تا یک پدیده همه گیر شود.

منصور از آلمان

اطلاعاتی درباره سرخپوستان

اطلاعاتی درباره سرخپوستان

گواتمالا بالاترین رقم سرخپوستان در بین جمعیت خود را دارد. گواتمالا، اکوادور، پرو و مکزیک بیشتر بین افراد سرخپوستان را در بین کشورهای قاره آمریکا در بر دارند. بدنبال اهدا جایزه صلح نوبل به "من چو" در پایتخت گواتمالا حدود ۱۰۰ هزار نفر از اهالی سرخپوست به‌همراهی خود وی، در طی تظاهراتی صلح‌آمیز، خواستار حقوق حقه خود گردیدند. دولت فیرارتشی به وحشیگری گفت ولی ارتش می‌گوید که او هنوز در رابطه با چریک‌های چپ است. سرخپوستان به زبان خود و به غیر از اسپانیولی صحبت می‌نمایند. قرار است "من چو" رهبری سرخپوستان را به عهده گیرد و به عنوان مبارز آزادی سرخپوستان در سراسر قاره آمریکا عمل کند. روسای جمهور سابق کاستاریکا و آرژانتین و نیز پدر روحانی در آفریقای جنوبی - برندگان سابق جایزه صلح نوبل - از نامزدی "من چو" پشتیبانی به عمل آورده بودند.

در سالگرد کشف آمریکا، در مکزیک کنفرانس بین المللی درباره سرخپوستان برگزار شد. در کانادا نیز کنفرانس‌هایی مشابه و محلی دایر گردید. در کاستاریکا که سرخپوستان در اقامت هستند و مابقی اروپایی می‌باشند، سرخپوستان خواستار تامین حقوق خود گردیدند. در دومینکن پاپ در مراسم سالروز کشف آمریکا و معرفی مسیحیت به این قاره شرکت جست. در بلیز روز تعطیل ۱۲ اکتبر، اختیاری اعلام شد چرا که شعار سراسر قاره ۵۰۰ سال استثمار ۵۰۰ سال مقاومت" بود و کسی تمایلی به جشن نداشت. سرخپوستان این قاره معرف: ذرت، لوبیا، کاساوا (نوعی سیب‌زمینی) کاکائو، گوجه فرنگی، توتون، بوقلمون و... به دنیای شرق و درعوض، کسب: مسیحیت، جنگ، بردگی، بیماری، تجاوز، بی‌هویتی، انهدام جنگل‌ها و... ازاروپائی‌ها می باشند. در جامائیکا قرار بود که مجسمه کاغذی کلمبو به دار آویخته شود. جرایم: استثمار، جنگ، تجاوز، بیماری و... در سطح قاره آمریکا، حداقل ۳۰۰ ملت سرخپوست شناسایی شده‌اند.

آقای فرهاد در آخر نامه‌شان از نشریه کار خواست است تا نشریه با چاپ مقالاتی در مورد سرخپوستان چهره استعمار گذشته و امروزین در قاره آمریکا رانشان دهد.

فرهاد از بلیز

کمک مالی به نشریه کار

رفقای گرامی مقیم ماربورگ آلمان

مبلغ ۳۵۰ / - مارک ارسالی شما به‌عنوان کمک مالی به نشریه کار را دریافت کردیم. سپاسگزاریم.

رفیق عزیز مریم از هامبورگ آلمان!

مبلغ ۲۰ مارک ارسالی شما بعنوان کمک مالی را دریافت کردیم. متشکریم.

باخوانندگان

با سلام متقابل به همه دوستانی که برای کار نامه می‌فرستند

آقای منصور از آلمان!

با پوزش از اینکه تاکنون نتوانسته‌ایم نامه شما را انعکاس دهیم، پیشنهاد مطروحه از طرف شما را در این شماره از نشریه درج کرده‌ایم.

آقای دانش از سوئد!

به همه مواردی که در نامه‌تان اشاره کرده بودید، عمل کردیم. موفق باشید.

آقای پسانیده از نورنبرگ!

مطلب ارسالی شما با عنوان "آوازی از زندگی" رامدتی پیش دریافت نمودیم که بدینوسیله از شما تشکر می‌کنیم. همانگونه که می‌دانید، محدودیت صفحات نشریه کار این اجازه را نمی‌دهدتا همه مطالب دریافتی از دوستان مورد استفاده قرار گیرد. دست ما در استفاده از مطالبی که با روال نشریه کار همخوان باشد، بیشتر باز است. منتظر کارهای تازه شما هستیم.

آقای امیر برادری از هامبورگ!

ترجمه فصل "دیالکتیک تنهایی" از کتاب "راه پرپیچ و خم تنهایی" اثر اوکتاویوپاز شاعر و نویسنده نامدار مکزیکی را دریافت کردیم. در فرصت مناسب از مطلب ارسالی شما استفاده خواهد شد. چشم به راه همکاری‌های دیگر شما هستیم.

آقای فرشید از مینسک!

مسئولین سازمان را در جریان مسایلی که در نامه‌تان طرح کرده بودید، قرار داده‌ایم. از اعلام آمادگی‌تان برای همکاری با نشریه خرسندیم. شما می‌توانید از طریق تمبه اخبار و نیز ترجمه مطالب نشریات کشور محل اقامتتان و ارسال آنها برای ما، به نشریه مورد علاقه خود کمک کنید. متشکریم.

آقای عباس از نورنبرگ!

برگردان مقاله "اجتماعی کردن سوسیالیزم" را دریافت کردیم. این مقاله بزودی در کار چاپ خواهد شد. از همکاری شما با نشریه سپاسگزاریم.

آقای فرهاد از بلیز!

نامه‌های حاوی اخبار و گزارشات شما مرتبا بدستمان می‌رسد. احساس مسئولیت شما را ارج مینهم. آخرین نامه شما را نیز که شامل اخباری از مراسم پانصدمین سال کشف قاره آمریکا و مصائب وارده بر سرخپوستان طی پنج قرن گذشته بود، دریافت کردیم. در همین شماره بخش‌هایی از آن منعکس است. به خاطر شعر ارسالی‌تان از شاعر تبعیدی گواتمالایی "ری‌گو برتامن چوو" که برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۹۲ شد، نیز از شما متشکریم.

آقای شعرام از سوئد!

در رابطه با ارسال نشریه کار به آدرس جدید شما اقدام شده است. از تذکر بجای شما در مورد دقت روی تیترهای مقالات، سپاسگزاریم.

آقای بهروز میدیا از بروکسل!

مقاله انتقادی شما راجع به درج خبری که در کار ۴۷ با عنوان "بیانیه اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران" منعکس کرده بودیم، دریافت شد. ضمن آرزوی موفقیت برای شما، از درج آن معذوریم.

آقای معرداد هرمزی از آلمان!

نقد شما پیرامون نوشته آقای بهروز میدیا از بلژیک که در شماره ۴۷ نشریه کار درج شده بود، بدست ما رسید. از عدم درج آن پوزش می‌خواهیم.

آقای محمود رضایی از آلمان!

از بابت مقاله‌ای که پیرامون نتایج اقتصادی - اجتماعی حاصل از وحدت دو آلمان و موج فزاینده ضد خارجی در این کشور برای ما فرستاده بودید، سپاسگزاریم. نشریه کار برای تهیه مطالبی در این زمینه از مفاد نوشته شما بهره خواهد گرفت. ما بخش آخر مطلب شما را که حاوی نتیجه‌گیری عملی از آنست، در اینجا عینا نقل می‌کنیم:

"صرف نظر از آنکه جامعه آلمان و احزاب سیاسی آن تا چه حد در از سرگذراندن این بحران (بحران ناشی از وحدت شتاب‌آلود دو آلمان) موفق شوند، وظیفه ما ایرانیان است که صفوف خود را متمرکز و متشکل کنیم تا بتوانیم از حقوق خود در این جامعه دفاع کنیم. وجود تشکل فراگیر ملی نه‌تنها برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی بلکه حتی برای حفظ حقوق و بقای خود ما در این جامعه ضرورت دارد."

آقای رهروازوین!

شعری را که به مناسبت درگذشت الکساندر دوبچک به‌آدرس نشریه فاکس کرده بودید، دریافت کردیم. احساس نیک شما به این مبارز آزادی که با خط زیبایی برروی کاغذ آورده بودید، احساس مشترک همه آزادیخواهان است. دست شما را می‌فشاریم.

www.iran-archive.com

با اشتراک کار، ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

حساب بانکی: M.ABD
NR_35263011
کد بانک: 37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

fax: 00 49 - 221 - 3318290

بهای اشتراک نشریه کار

	شش‌ماهه	یکساله
اروپا	۴۵ مارک	۹۰ مارک
سایر کشورها	۵۲ مارک	۱۰۴ مارک

مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوما بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.

فرم اشتراک

برای اشتراک نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمائید.

مایلم نشریه کار را برای مدت شش‌ماه ☐ یکسال ☐ مشترک شوم. معادل بهای اشتراک بصورت حواله بانکی ☐ تمبر پستی ☐ همراه نامه است.

آدرس:
(لطفا خوانا بنویسید)

Name: _____

Address: _____

از سرگیری جنگ در آنگولا

ادامه از صفحه ۱۲

آخرین اخبار درباره آنگولا حاکی از آن است که اونیتا در ۱۹ نوامبر از طریق فرستاده ویژه سازمان ملل، به رئیس جمهور آنگولا اطلاع داده است که نتیجه انتخابات را برسمیت می‌شناسد. این در حالیست که حکومت تصمیم گرفته بود که در صورت ادامه پافشاری اونیتا بر مواضع خود، روز ۲۵ نوامبر پارلمان بدون حضور اونیتا فعالیت کند. اما با همه اینها هنوز هم اطمینانی به این نیست که ساویمبی به خاطر قدرت طلبی از موضع جنگ طلبانه خود دست بردارد و پرسش این است که چه عاملی باعث شده است تا ساویمبی اینگونه با اعتماد به نفس مشی رویارویی را در پیش گیرد. مگر نه این است که جرج بوش، یکی از حامیان اصلی اونیتا در انتخابات آمریکا شکست خورده و بیل کلینتون پیروزی انتخابات را به دولت آنگولا تبریک گفته است؟ برخی ناظران میگویند آفریقای جنوبی بار دیگر حمایت سیاسی و نظامی از اونیتا را شدت بخشیده است. هفته‌نامه نیونیشن چاپ آفریقای جنوبی گزارش می‌دهد که ارتش آفریقای جنوبی، بخشی از یک گردان ویژه خود را به آنگولا منتقل کرده است. این واحد ویژه که تشکیل آن به دوره اشغال بخشی از خاک آنگولا توسط آفریقای جنوبی بازمی‌گردد، در سرکوب تظاهرات مردم شهرک‌های سیاهپوست‌نشین آفریقای جنوبی قساوت بیمانندی از خود نشان داد.

این هفته‌نامه می‌افزاید دو مامور سازمان امنیت آفریقای جنوبی نیز پیش از رای‌گیری در آنگولا به این کشور رفتند تا یک واحد مشترک از نیروهای اونیتا و سربازان ارتش آفریقای جنوبی ایجاد کنند.

با اینکه یک سخنگوی وزارت خارجه آفریقای جنوبی اخبار مزبور را تکذیب کرده است، دولت آنگولا این گزارش‌ها را جدی گرفته و اعلام کرده که وزیر خارجه آفریقای جنوبی را که قرار بود به آنگولا برود، نخواهد پذیرفت. بدین ترتیب، روند عادی شدن مناسبات آنگولا و آفریقای جنوبی که در ماه ژانویه با مبادله نمایندگان رسمی در پایتخت‌های دو کشور آغاز شد، قطع شده است.

دولت آنگولا می‌گوید آفریقای جنوبی برای حمایت از اونیتا یک پل هوایی ایجاد کرده است. طبق این گزارش، از هنگام از سرگیری زد و خوردها در اواسط اکتبر تاکنون حداقل ۵۰ پرواز از طریق این پل هوایی ایجاد شده است. وزارت خارجه آفریقای جنوبی انجام این پروازها را تایید کرده اما مدعی است این هواپیماها تنها محموله‌های مربوط به کمک‌های انسانی را حمل می‌کنند. سخنگوی وزارت خارجه پرتوریا می‌افزاید که نمی‌توان "کمک‌های غیر رسمی نظامی" از آفریقای جنوبی به اونیتا را منتفی دانست.

یکی از مقامات پیشین وزارت خارجه آفریقای جنوبی بنام شون کلری هنگام انتخابات در لواندا بسر می‌برد. او که در جریان انتخابات نامبیا نیز در این کشور به نفع طرفداران آفریقای جنوبی مخفیانه فعالیت می‌کرد، با حضور در لواندا در هیات یک "بازرگان"، در ستاد انتخاباتی ساویمبی فعالیت داشت. هنگامی که نیروهای دولتی، مقر اونیتا را تصرف کردند، کلری دستگیر و بعدا اخراج شد.

بدون تردید کشورهای غربی که سال‌ها ساویمبی و باند اونیتای او را مسلح کرده‌اند، در کنار آفریقای جنوبی مسئول درگرفتن مجدد جنگ داخلی در آنگولا هستند.

بازگشت بی نظیر بوتو به صحنه

ادامه از صفحه ۱۲

نواز شریف که از این بحران به آن بحران دچار می‌شود، بعبودی ایجاد نکرده است. از سیاست لیبرالیزه کردن اقتصاد که در ابعاد بیسابقه‌ای توسط نواز شریف که خود یک کارخانه‌دار است به اجرا گذاشته شد، تنها سرمایه‌داران سود برده‌اند. امیدها به سرمایه‌گذاری‌های کلان که به گفته نواز شریف قرار بود کشور را از فقر به درآمد متوسطی برساند، نقش برآب شده است. پاکستان، در منطقه‌ای به لحاظ سیاسی بی‌ثبات واقع شده است. ناروشن بودن این موضوع که بالاخره بنیادگرایی اسلامی در این کشور پا می‌گیرد یا نه، سرمایه‌داران را به آینده پاکستان بی‌علاقه کرده است. سیل بنیان کن اخیر که گفته می‌شود بی‌مسئولیتی زمامداران ابعاد ویرانی‌های آن را بیشتر کرد، پاکستان را به آستانه ورشکستگی کشانده است. صدمات سیل به میلیاردها بالغ می‌شود و هیچکس نمی‌داند که چگونه باید آن را جبران کرد. دولت پاکستان ۲۵ میلیارد دلار بدهی و سالانه ۲/۳ میلیارد دلار کسری موازنه پرداخت‌ها دارد. آنچه اوضاع را بدتر می‌کند، این است که پاکستان ۴۰ درصد درآمد خود را صرف تسلیحات و ۴۰ درصد دیگر را صرف پرداخت بهره وام‌های خود میکند. برای مخارج دیگر مانند آموزش و پرورش چیز زیادی باقی نمی‌ماند.

پاکستان در میان دو منطقه جنگ‌زده کشمیر و افغانستان واقع شده است. اقتصاد پاکستان از سیل پول‌های هنگفتی که در قاچاق مواد مخدر و اسلحه ردو بدل می‌شود، لطمه می‌بیند. و در چنین شرایطی، حکومتی بر سرکار است که رسوایی‌ها و فسادش مردم را عاصی کرده است. این عصیان می‌تواند به بازگرداندن بی‌نظیر بوتو به قدرت منجر شود، سیاستمداری که یک بار مردم برای برون رفت از فلاکت به او اعتماد کردند، اما وی نتوانست خود را شایسته این اعتماد نشان دهد و به سبک قدیمی حکومت و در سایه آن فربه کردن اطرافیان خود، ادامه داد.

دستگیری بوتو در جریان تظاهرات

طی تظاهراتی که به دعوت خانم بوتو در روز چهارشنبه ۲۷ آبان برگزار شد، نیروهای امنیتی پاکستان نخست وزیر پیشین این کشور را همراه با تعدادی دیگر از سیاستمداران اپوزیسیون دستگیر کردند. طی این تظاهرات، پلیس با باتوم و گاز اشک‌آور به مردم حمله کرد. برای مقابله با راهپیمائی که از سوی دولت پاکستان ممنوع اعلام شده بود، سراسر مسیر میان راولپندی و اسلام آباد به اشغال نیروهای دولتی درآمد. خانم بوتو هنگام دستگیری در محل تظاهرات اعلام کرد که به مبارزه خود علیه دولت ادامه خواهد داد.

فیلیپین و فراز و نشیب های آن

آنچه که در زیر می‌آید مطلبی است پیرامون تحولات سالهای اخیر فیلیپین که توسط همکار گرامی ما آقای فرهاد کشتمند تهیه شده و در اختیار نشریه قرار گرفته است با تشکر از این همکار عزیز، نوشته ایشان را در زیر میخوانیم.

فیلیپین کشور هفت هزار جزیره‌ای جنوب شرقی آسیا سالیان سال است که برای کسب دمکراسی دست و پنجه نرم می‌کند. چه دیکتاتوری زمان مارکوس و چه دولت لیبرال کوری آکینو، هیچیک جوابگوی خواسته‌های مردمی این کشور فقیر نبوده‌اند. این کشور که سالیان طولانی در زیر یوغ استعمار اسپانیا بود، در زمان جنگ جهانی دوم، در چنگ استعمارگران ژاپنی و آمریکایی قرار گرفت.

نفوذ بیش از حد آمریکا در هیئت حاکمه فیلیپین و اعمال سیاست‌های به منظور پیشبرد منافع خود در این کشور بویژه حضور پایگاه‌های نظامی آن در خاک فیلیپین، عدم پیشرفت کشور در جذب سرمایه‌های خارجی و بدهکاری‌های کلان به بانک جهانی و I M F، رشوه‌خواری در سطح کل جامعه، نیمه‌کاره ماندن تقسیم اراضی، مسئله بیکاری چندین ساله، گرانی لجام گسیخته و ... گوشه‌هایی از مشکلات حاکم بر این کشور آسیایی است.

سطح کل جامعه، نیمه کاره ماندن تقسیم اراضی، مسئله بیکاری چندین ساله، گرانی لجام گسیخته و ... گوشه‌هایی از مشکلات حاکم بر این کشور آسیایی است.

فردیناند مارکوس دیکتاتور سابق فیلیپین که می‌بایست فقط به مدت دو دوره در پست ریاست جمهوری باقی می‌ماند، با دست بردن در قانون اساسی کشور، سال‌های مدید دیکتاتوری خود را ادامه داد. مارکوس، مسبب اصلی نارضایتی‌های عمومی و زایش انقلاب فیلیپین بود. ترور "بنیگنو آکینو" همسر فقید کوری آکینو از رهبران اپوزیسیون مارکوس که در تبعید بسر می‌برد و در هنگام برگشت در فرودگاه مانیل ترور شد عاملی در شعله‌ور شدن نارضایتی‌ها بر علیه دیکتاتوری مارکوس و پیاده شدن سناریوی آمریکا برای به قدرت نشاندن کوری آکینو گردید. در فوریه سال ۱۹۸۶ بود که مارکوس و کوری آکینو هر دو عنوان ریاست جمهوری را از آن خود ساختند.

فرستاده آمریکا که انتخاب مجدد مارکوس را به مصلحت آمریکا نمی‌دید، به پشتیبانی از حرکت "نیروی مردم" برخاست. برنامه از این قرار بود که "انریله" وزیر دفاع وقت کشور و "ژنرال راموس" از سران ارشد ارتش و به همراه جمعی از ارتشیان، مقر ارتش در مانیل را به اشغال خود درآورده واز شهروندان فیلیپینی طلب پشتیبانی کنند و ارتش را به نفع کوری آکینو و ریاست جمهوری وی بسیج نمایند.

با حمله خلبانان نیروی هوائی طرفدار کوری آکینو، به کاخ ریاست جمهوری مارکوس، وی با کمک آمریکا محل اقامت خود را ترک گفته و به پایگاه نظامی آمریکا در شمال مانیل انتقال پیدا کرد.

سناریوی فیلیپ حبیب، در مراحل آغازین خود بخوبی پیش رفت و در نتیجه کوری آکینو، رئیس جمهور رسمی و مورد حمایت آمریکا گردید و ژنرال راموس رئیس کل قوای سه‌گانه ارتش شد و انریله نیز مجددا در پست وزیر دفاع باقی ماند.

لازم به یادآوری است که سناریوی فوق با نفوذ گسترده کلیسا نیز همراه بود. فیلیپین تنها کشور مسیحی و کاتولیک شرق آسیا و در کل پرجمعیت ترین کشور مسیحی این قاره می‌باشد. قیام ارتشیان از پشتیبانی کاردینال "سین" رهبر کاتولیک‌های فیلیپین برخوردار شد.

کلیساهای مسیحی فیلیپین، سالیان سال بود که بطور مستمر در مخالفت باوی قرار داشتند.

تحولات سیاسی در فیلیپین

که با روی کار آمدن آکینو وارد دور تازه‌ای شد، از همان آغاز مورد توجه نیروهای چپ و دموکرات قرار گرفت. "خوزه ماریوسیزون"، دبیر اول حزب کمونیست فیلیپین (CPP–م.ل. به شیوه مائو) در روزهای نخست ریاست جمهوری کوری آکینو انتخاب وی و سناریوی اجرا شده را، آزمایشی برای آمریکا می‌دانست که نخستین بار در فیلیپین به اجرا در آمده بود تا در صورت موفقیت در سایر کشورهای جهان سوم و بخصوص آمریکای مرکزی نیز به اجرا درآید.

با گذشت چند ماه از ریاست جمهوری کوری آکینو و آغاز مراحل تدوین قانون اساسی جدید کشور، حزب کمونیست فیلیپین (PKP) شعار انتخابی بودن هیئت تدوین کننده قانون اساسی را پیش کشید.

قانون اساسی جدید که در موعد مقرر به اجرا در آمد، آزادی کلیه احزاب سیاسی را محترم می‌شمرد و فقط CPP و جریانات دیگر را ممنوع اعلام کرد.

در سالهای نخست ریاست آکینو، CPP نیز که سالیان سال علیه دیکتاتوری مارکوس مبارزه می‌نمود، اعلام آتش‌بس نمود و با دولت جدید به مذاکره پرداخت. شاخه‌ای نیز از این حزب بنام حزب بایان (حزب ملت) جدا گردیده و به مبارزه پارلمانی روی آورده بود.

با ترور "اولالیا" رهبر پرنفوذترین و پرعضوترین اتحادیه کارگری غیر دولتی بنام جنبش اول مه توسط افراطیون دست راستی در ارتش و نیز نقض آتش‌بس توسط ارتش، همچنین ترور دیگر رهبران CPP، مذاکرات ناتمام ماند و این حزب و شاخه نظامی آن بنام "ارتش نوین خلق" و شاخه دمکراتیک آن بنام (جبهه دمکراتیک ملی) مجددا به مبارزه مسلحانه علیه دولت کوری آکینو، روی آوردند که هنوز هم ادامه دارد. همچنین طولی نکشید که شاخه‌ای از ارتشیان با رهبری "گرینگو اوناسان"، گروه نظامیان اصلاح‌طلب را تشکیل داد که در سال‌های بعد، منشاء هفت کودتای نافرجام در فیلیپین گردید.

ناتوانی دولت در پاسخگویی به وعده‌های داده شده در آغاز زمامداری آکینو، عوامل اساسی در تضعیف دولت وی شد و در نتیجه سناریوی "فیلیپ حبیب" در فیلیپین نه تنها نتیجه لازمه را کسب نکرد بلکه تحت فشارهای سناتورهای ملی و دمکرات، نمایندگان کنگره و احزاب مترقی و اکثریت مردم، بالاخره پایگاه‌های آمریکا در فیلیپین نیز برچیده شد.

در پی انتخابات چندی پیش در فیلیپین ژنرال فیدل راموس، در مقام دومین رئیس جمهور کشور بعد از انقلاب فوریه ۸۶ باید با عوامل بسیاری دست و پنجه نرم کند.

بخصوص که اینبار با برچیده شدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در فیلیپین، درآمد حاصله از آنان نیز قطع خواهد گردید و جمعی از بیکاران شغل از دست داده در پایگاه‌ها، به جمع بیکاران میلیونی افزوده خواهد شد.

جنبش چپ فیلیپین در مسیر قانونی شدن؟

ادامه از صفحه ۱۲

و خواستهای مخالفان، مشارکت‌های زیادی وجود دارد."

فیدل راموس در بهار امسال به ریاست جمهوری انتخاب شد. او زمامداری خود را با نطقی علیه "فقر به مثابه ریشه پیدایش جنبش چریکی چپ" آغاز کرد. با این حال ناظران سیاسی معتقد نیستند که ژست آشتی جویانه راموس، ان.پی.ای. را به پای میز مذاکره کشانده است. رئیس موسسه تحقیقات توسعه دانشگاه مانیل می‌گوید چنین ژست‌هایی در دوره حکومت مارکوس نیز دیده می‌شد. وی می‌گوید آنچه باعث تحول فعلی شده، این است که "جنبش چریکی چپ نقش خود را به سود چپ قانونی از دست داده است." جبهه دمکراتیک ملی به مثابه اتحادیه سازمانهای وابسته به جنبش چریکی، در حال انحلال خود و جستجوی جایگاهی جدید در سیاست فیلیپین است. تقویت چپ قانونی به تضعیف ایدئولوژی انقلابی سی.پی.پی. انجامیده است. استاد نامبرده دانشگاه مانیل معتقد است مردم به عضویت در یک اتحادیه قانونی چپ بیشتر تمایل دارند تا پیوستن به ان.پی.ای. با خروج نظامیان آمریکایی از فیلیپین، جنبش چریکی فاقد دشمن اصلی دیرینه خود شده است. در حالی که سازمانهای قانونی در مناطق روستایی امکانات گسترده‌ای برای کار توده‌ای دارند، ان.پی.ای. از چنین امکاناتی محروم است. شکل‌گیری یک دمکراسی هرچند نیم‌بند در دوره حکومت آکینو، زمینه شعارهای ضددیکتاتوری ان.پی.ای. را ازمیان برده است. همه این عوامل باعث می‌شود که جنبش چریکی به مذاکره با دولت تمایل نشان دهد.

اما ایدئولوگ‌های سابق چریک‌ها که نمایندگان فعلی دولت در مذاکراتند، نسبت به خوش‌بینی بیش از حد در مورد آینده مناسبات چریک‌ها و دولت هشدار می‌دهند. یکی از اعضای هیات نمایندگی دولت می‌گوید: "سی.پی.پی. و ان.پی.ای. امروز دچار انشقاق‌اند و کاملا معلوم نیست که ما با چه کسی در حال مذاکره‌ایم." نمایندگان سی.پی.پی. در هلند که با دولت مانیل مذاکره می‌کنند، تنها بر بخشی از جنبش چریکی نفوذ دارند. بااین حال، مسئولین کمیسیون آشتی ملی برآنند که زمان، به نفع صلح کار می‌کند.

شمار چریک‌های ان.پی.ای. که سال ۱۹۸۶، حدود ۲۴ هزار نفر بودند، اکنون نزدیک به ۱۳ هزار تن برآورد می‌شود. در آغاز دهه هشتاد، یک تصفیه بی‌رویه در صفوف کادرهای میانی سی.پی.پی. و ان.پی.ای. باعث دست کشیدن بسیاری از افراد جنبش از مبارزه شد. اما با این حال، ان.پی.ای. هنوز یک نیروی جدی است. رئیس جمهور فیلیپین از مبارزه با فقر سخن می‌گوید، اما هنوز سیاست فیلیپین تحت نفوذ زمین‌داران بزرگ است و هنوز بی‌عدالتی و فقر در کشور حاکم است.

تا ماه مارس ۱۹۹۳، دور جدید مذاکرات میان دولت و چریکها برگزار نخواهد شد. به گفته رئیس کمیسیون آشتی ملی، این کمیسیون برای تهیه طرح عفو دولت تا ماه فوریه به وقت نیاز دارد. در این فاصله، ان.پی.ای. می‌کوشد برای مذاکره به مواضع قوی‌تری دست یابد. فعالیت‌های نظامی چریکها گسترش یافته است. پاسخ ارتش، "عملیات تجسس و نابودی" است. با این حال وزیر دفاع فیلیپین می‌گوید عملیات چریکها" در حقیقت عملیات عقب نشینی است."

رئیس کمیسیون آشتی ملی می‌گوید: "تلاشهای دولت آکینو برای عفو عمومی ناموفق ماند زیرا خود دولت در مورد اهداف این سیاست، دچار اختلاف بود و محافل محافظه کار در ارتش، تلاشهای صلح را مختل می‌کردند." وی می‌افزاید رئیس جمهور جدید، ارتش را تحت کنترل خود دارد. به گفته خانم یوراک، نظامیان دست راستی پس از چند کودتای نافرجام، خود به صحنه فعالیت غیر قانونی رانده شده و اکنون "نومیدانه" تقاضای عفو می‌کنند.

برخی ناظران معتقدند پس از اعلام عفو عمومی، جنبش چریکی نقش قابل توجهی در سیاست فیلیپین نخواهد داشت، زیرا سازمانهای چپ قانونی از هم‌اکنون همه مواضع ایدئولوژیک و برنامه‌ای را اشغال کرده‌اند. این ناظران می‌گویند سی.پی.پی. به نفوذ سیاسی خود در دوره گذار از دیکتاتوری به دمکراسی پربها داد و این امر باعث شد که انتخابات ۱۹۸۵ را تحریم کند. سی.پی.پی. از روند گذار به کنار ماند و در نتیجه، بخش چپ جنبش ضد دیکتاتوری که در زمان مارکوس تحت نفوذ سی.پی.پی. بود، از این حزب دوری جست و چپ قانونی کنونی را تشکیل داد. این ناظران برای جنبش چریکی، آینده‌ای توام با تعمیق شکاف میان جناح رادیکال خواهان مبارزه مسلحانه و جناح معتدل متمایل به شرکت در کار نظام پارلمانی، پیش بینی می‌کنند.

www.iran-archive.com

چهارشنبه ۴ آذر ۱۳۷۱ - ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲ - دوره سوم شماره ۴۸

بازگشت بی‌نظیر بوتو به صحنه

بی‌نظیر بوتو نخست وزیر پیشین پاکستان دوسال پس از آنکه توسط غلام اسحاق خان رئیس جمهور این کشور برکنار شد، به صحنه سیاسی باز می‌گردد. بوتو اخیرا مردم را به ساقط کردن دولت نواز شریف نخست وزیر فعلی فرا خواند و گفت رئیس دولت و رئیس جمهور پاکستان فاقد مشروعیت‌اند. دختر نخست وزیر پاکستان در دهه ۷۰، اینک می‌خواهد با براه انداختن یک کارزار توده‌ای، ائتلاف حاکم را از قدرت کنار زند. هدف این کارزار، تشکیل یک دولت موقت است که وظیفه آن باید برگزاری انتخابات جدید باشد. بوتو بر این گمان است که در چنین انتخاباتی، برنده خواهد شد. در حال حاضر در پاکستان نوارهای صوتی و ویدئویی تهیه شده توسط طرفداران بوتو در حال پخش است که در آن، آنها می‌کوشند به مردم نشان دهند دوسال پیش بوتو با چه شیوه‌هایی برکنار شد. در این تبلیغات، علت برکناری بوتو توطئه‌ای میان رئیس جمهور، فرمانده وقت ارتش و نواز شریف به نمایندگی از سوی قشر حاکم محافظه کار و مذهبی پاکستان معرفی شود.

در حالی که دوسال پیش، رئیس جمهور پاکستان برای توجیه برکناری بوتو او را متهم به فساد مالی و بی‌لیاقتی کرد، مردم پاکستان می‌گویند فساد و ناسامانی دوره حکومت بوتو در مقایسه با آنچه امروز رواج یافته است به حساب نمی‌آید. خانم بوتو می‌خواهد از فرمان دوسال پیش غلام اسحاق خان دایر بر برکناری نخست وزیر به دیوان عالی کشور شکایت کند.

یکی از انگیزه‌های بازگشت بوتو به صحنه این است که شکاف میان فرماندهی ارتش، رئیس جمهور و نخست وزیر پاکستان، اینک این سئوال را مطرح کرده است که آیا نواز شریف اصلا اوضاع را تحت کنترل دارد یا نه. حیثیت رئیس جمهور نیز که اطرافیانش در ایالت سند به حیف و میل اموال دولتی مشغولند، به سختی آسیب دیده است شایع شده که بوتو در شرف اتحاد با ژنرال‌ها، دشمنان سابق خود است. اگر هم این شایعات صحت نداشته باشد، مسلم این است که ارتش تحت فرماندهی آصف نواز جونجو فرمانده جدید خود، بگونه‌ای بی‌سابقه می‌کوشد خود را بیطرف بنمایاند. ژنرال اسلام بیگ که قبل از جونجو فرماندهی ارتش را برعهده داشت و به تندروی مشهور بود اخیرا در کراچی گفته است شمار نفرات ارتش پاکستان باید کاهش یابد و ارتش باید بار دیگر به وظیفه اصلی خود یعنی دفاع از کشور بپردازد نه سرکوب ناآرامی‌های داخلی. اسلام بیگ افزوده است که در دست داشتن قدرت هیچگاه به سود ارتش تمام نشده است. ارتش پاکستان ۲۷ سال زمام امور این کشور را در دست داشت.

آیا باید این اظهارات را نشانه‌هایی امید بخش برای تقویت دمکراسی نیم‌بند پاکستان دانست که هنوز نتوانسته است خود را از میراث ده‌سال دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق برهاند؟ بی‌نظیر بوتو گمان می‌کند که نوبت او و طرفدارانش رسیده است. او می‌گوید "نباید بگذاریم مردم فقط به این علت که ارتش تنها نهاد پابرجا در دولت از کار درآمده است، به آغوش ارتش پناه برند." با اینکه بوتو نیز برای حکومت کردن، طرح دقیق‌تری از رقیب خود نواز شریف ندارد، میزان طرفداری از او در میان مردم پاکستان رو به افزایش است. عاملی که بر ابعاد تمایل مردم به بوتو می‌افزاید، این است که حکومت، او را از این دادگاه به آن دادگاه می‌کشاند بدون اینکه بتواند نخست وزیر برکنار شده را به جرم فساد محکوم کند. صحنه ملاقات بوتو با شوهرش آصف علی سرداری در زندان، درحالی که خانم بوتو دست فرزندان خردسالش را گرفته است، احساسات مردم را به نفع بوتو بسیج می‌کند. شوهر خانم بوتو را علیرغم آنکه چهار مورد از شش مورد اتهامش منتفی شده است، در زندان نگه داشته‌اند. شوخی سرنوشت این است که سرداری در حالی به مظهر مقاومت در برابر خودکامگی دولت تبدیل شده است که تا برکناری بوتو داستانهای عیاشی و فساد او و بانزد خاص و عام بود.

آیا بی‌نظیر بوتو خواهد توانست نواز شریف نخست‌وزیر را از قدرت به زیر کشد؟

چهارسال پس از سقوط هواپیمای ضیاءالحق که به مرگ دیکتاتور انجامید، پاکستان دچار بحرانی عمیق است. نه زمامداری بوتو که بسیاری از مردم به آن امیدها بسته بودند، و نه حکومت

ادامه در صفحه ۱۲

بمناسبت ۲۰ نوامبر سالروز
تصویب بیانیه حقوق کودک

کودکان کماکان شکنجه میشوند

بر اساس اطلاعات عفو بین الملل، سالیانه صدها کودک در کشورهای مختلف جهان خودسرانه دستگیر، شکنجه و به قتل می‌رسند. این در حالی‌ست که حکومت‌ها رسما اعلام می‌دارند که کودکان و جوانان به طور ویژه تحت حمایت قرار می‌گیرند، عفو بین الملل درباره نقض خشن حقوق بشر به کم‌سالان اطلاعاتی بدست می‌دهد. این مورد نقض حقوق بشر اخیرا در لندن مطرح شد.

به گزارش عفو بین الملل در برزیل هزاران بچه خیابانی (بچه‌های ولگرد خیابانی) به قتل می‌رسند. این قتل‌ها بدین وسیله توجیه می‌شوند که اینها خطری برای جامعه محسوب می‌شوند. در خیلی از کشورها کودکان ربوده یا شکنجه می‌شوند تا از این طریق فعالیت‌های سیاسی والدینشان تحت فشار قرار بگیرد.

عفو بین الملل درباره مرگ دختربچه ۱۶ ساله کرد بنام "BINENJ ANIK" در ماه مارس ۹۲ که توسط پلیس ترکیه شکنجه و به قتل رسیده، گزارش داد. این فرد ظاهرا در ناآرامی‌ها برای بازجویی دستگیر شده بود. شاهدان عینی گزارش داده‌اند که در بدن این فرد آثار شکنجه مشاهده شده است. مقامات دولتی اعلام داشته اند که یک زندانبان اسلحه خود را در سلول جا گذاشته و خود نامبرده خود را توسط آن به قتل رساند

عفو بین الملل در ادامه گزارش خود از ۷ کشور که در ۱۰ سال گذشته جوانان را به عنوان بزهکار اعدام کرده‌اند نامبرده است. کشورهای نامبرده شامل بنگلادش، BARADOS، عراق، ایران، نیجریه، پاکستان و آمریکا می‌باشند.

از سرگیری جنگ در آنگولا

نیمه‌شب سی‌ام اکتبر، افراد مسلح اونیتا (اتحادیه ملی برای استقلال کامل آنگولا)، گروه شورشی تحت رهبری یوناس‌سازیمبی که در طول بیش از یک دهه جنگ داخلی آنگولا مورد حمایت مالی، تسلیحاتی و سیاسی آفریقای جنوبی و آمریکا قرار داشت، به فرودگاه لواندا پایتخت آنگولا حمله کردند و حداقل ۱۳ نفر را به قتل رساندند. در واکنش نسبت به این حمله، نیروهای دولت خزه ادواردو دوس‌سانتوس رئیس جمهور آنگولا به مقر اونیتا در لواندا حمله کردند. این درگیری که بیش از هزار کشته بر جای گذاشت، به بیرون راندن اونیتا از پایتخت انجامید. سه تن از مهمترین دستیاران ساویمبی در این زدو خورد به قتل رسیدند

حادثه سی‌ام اکتبر در لواندا به یک دوره ۱۷ ماهه آرامش نسبی پس از ۱۶ سال جنگ داخلی که حداقل ۳۵۰ هزار تن در آن به قتل رسیدند خاتمه داد. نیروهای اونیتا، که مدعی است یک‌سوم خاک آنگولا را تحت کنترل دارد، از بزمین گذاشتن سلاح‌های خود پس از برگزاری انتخابات اخیر خودداری می‌کنند. طرفداران ساویمبی در شهر هوامبو دست به غارت انبارهای حاوی محموله‌های کمک‌های پزشکی سازمان امداد کودکان ملل متحد، یونیسف زدند. یک مقام سازمان ملل در لواندا گفت: "صلحی که میان جناح‌های متخاصم برقرار شده بود شکسته شده است. آنگولا به تمام معنی در حالت جنگ است."

یوناس ساویمبی متحد دیرین غرب است که خونریزی را در آنگولا از سر گرفته است. او در ماه سپتامبر در انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری که توسط سازمان ملل برگزار شد، شکست خورد چهار میلیون رای‌دهنده آنگولایی با اکثریت نیرومندی حزب حاکم مپلا (جنبش خلق برای آزادی آنگولا) را انتخاب کردند. اما پرزیدنت دوس سانتوس به‌خاطر حضور چند نامزد ریاست جمهوری در میدان رقابت، تنها به ۴۹/۶ درصد آرا دست یافت و نتوانست در دور اول، انتخابات را به نفع خود تمام کند. ساویمبی که آرای بسیار کمتری کسب کرد، دولت را متهم به تقلب نمود. درحالی که، ۸۰۰ ناظر بین‌المللی تاکید کردند که انتخابات آنگولا کاملا آزاد و صحیح بوده است. ساویمبی، بازنده انتخابات، اکنون به مقر خود در هوامبو بازگشته و سرگرم تدارک ازسرگیری تمام‌عیار جنگ است. درحالی که هنوز زمان برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری اعلام نشده است، اونیتا به گسترش مواضع خود از طریق انجام عملیات نظامی پرداخته است. رئیس جمهور آنگولا می‌گوید ساویمبی همه تلاش خود را متوجه اشغال مناطق هر چه بیشتری از خاک آنگولا کرده‌است.

قدرت‌طلبی ساویمبی روند گذار آنگولا به دمکراسی را که با امضای قرارداد صلح به میانجی‌گری آمریکا، شوروی و پرتغال در ماه مه ۱۹۹۱ آغاز شد، با مخاطره جدی روبرو کرده است. طبق این قرارداد می‌بایستی تکلیف دولت آتی آنگولا در انتخابات سپتامبر معین می‌شد و نیروهای مسلح جداگانه مپلا و اونیتا در یک ارتش واحد ادغام می‌شدند. اما هنگام برگزاری انتخابات، ساویمبی هنوز حدود ۳۵ هزار نفر مسلح تحت کنترل داشت. در مقابل، دولت لواندا نیز در دورکوتاه صلح یک نیروی شبه‌نظامی چند هزار نفره ایجاد کرد. در آخرین روزهای مبارزه‌انتخاباتی، نیروهای اونیتا به آدم‌ربائی‌واعمال قهر پرداختند.

ساویمبی اخیرا از آمریکا خواسته است در بحران آنگولا مداخله کند. تاکنون سیاست رسمی واشنگتن این بوده است که از "طرفین" بخواهد اختلافات خود را بطور مسالمت‌آمیز حل کنند،

ادامه در صفحه ۱۲

عرفات: مذاکرات صلح هیچ پیشرفتی نداشته است

به گفته یاسرعرفات رهبر ساف، مذاکرات صلح خاورمیانه در نقطه آغاز خود درجا می‌زند. عرفات در مصاحبه با روزنامه کوریره دلاسرا چاپ میلان گفت این مذاکرات که هشت ماه پیش آغاز شد، هیچ پیشرفتی نداشته است. عرفات افزود رهبری ساف بزودی با هیات فلسطینی مسئول گفتگوها ملاقات خواهد کرد و به‌طور جدی ترک میز مذاکره را مورد بررسی قرار خواهد داد.

شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل هفته گذشته پس از دیداری از قاهره اظهار داشت اسرائیل برای خروج از بن‌بست مذاکرات واشنگتن به میانجی‌گری مصر امید بسته است. پرز افزود حسنی‌مبارک رئیس جمهور و عمرو موسی وزیر امور خارجه مصر تفاهم زیادی نسبت به موضع اسرائیل از خود نشان داده‌اند و آماده‌اند از سوی هر دو طرف مذاکره مورد مشورت قرار گیرند. مقامات مصری اعلام کردند قاهره قبل از سفر پرز، با عرفات در مورد یک فرمول سازش توافق کرده است. این مقامات گفتند فاصله میان مواضع فلسطینی‌ها و اسرائیل می‌تواند از میان برداشته شود. پرز در دیدار با روشنفکران یهودی در قاهره خاطرنشان کرد دولت اسرائیل امکان سپردن مسئولیت اداره شعرک‌های یهودی مناطق اشغالی به مقامات فلسطینی را منتفی نمی‌داند، اما معتقد است برای ایجاد اعتماد، باید یک دوره گذار پنج‌ساله در نظر گرفت. وزیر خارجه اسرائیل از یک دولت مشترک فلسطینی - اردنی و یا یک کنفدراسیون اردنی - فلسطینی - اسرائیلی به عنوان ممکن نظام دولتی پس از طی دوره گذار نام برد. پرز در مورد بلندی‌های جولان گفت اسرائیل آماده عقب‌نشینی از برخی مواضع خود در این منطقه است.

در عین حال، ارتش اسرائیل هفته گذشته در کرانه غربی رود اردن، نوار غزه و بیت‌المقدس شرقی با گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور به سرکوب تظاهرات مربوط به چهارمین سالگرد آغاز موجودیت دولت در تبعید ساف پرداخت.

جنبش چپ فیلیپین در مسیر قانونی شدن؟

تابستان امسال در هلند اولین دیدار هیات‌های نمایندگی دولت فیلیپین و "ارتش نوین خلق" (ان.پی.ای) برگزار شد. این ملاقات در چارچوب سیاست جدید دولت فیدل راموس رئیس جمهور فیلیپین برای آنچه دولت، "آشتی ملی" می‌نامد صورت گرفت. نکته مهم، این بود که دوتن از اعضای هیات نمایندگی دولت را ایدئولوگ پیشین و یکی از موسسان حزب کمونیست فیلیپین (سی.پی.پی.)، شاخه سیاسی ان.پی.ای. تشکیل میدادند. بسیاری از کادرهای رهبری پیشین سی.پی.پی. و ان.پی.ای.، از مشی انقلابی خود دست کشیده و در جنبش علنی فعالیت می‌کنند. اخیرا ساتورا وکامپو نظریه‌پرداز سابق سی.پی.پی. اعلام کرد که زندگی مخفی را از سر نخواهد گرفت. اوکامپو پس از ده سال زندان از سوی راموس مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد.

راموس در ماه سپتامبر قانونی را امضا کرد که به موجب آن، سی.پی.پی. پس از ۲۳ سال حق فعالیت قانونی می‌یابد. رئیس جمهور فیلیپین به سی.پی.پی و ان.پی.ای. پیشنهاد مذاکرات صلح و جاگرفتن در یک نظام سیاسی پلورالیستی داده است. قرار است مجمعی بنام "کمیسیون آشتی ملی" (ان.یو.سی) تا پایان امسال طرحی برای صلح با جنبش‌های چریکی فیلیپین تهیه کند. این جنبش‌ها عبارتند از "جبهه رهایی بخش مورو" که یک گروه جدایی طلب مسلمانان جنوب فیلیپین است، جریان دست راستی نظامیان شورشی تحت رهبری گرینگو هوناسان، افسر کودتاچی، و نیزان.پی.ای. مسئولیت کمیسیون آشتی ملی برعهده خانم هیدی یوراک از فعالین بنام جنبش حقوق بشر فیلیپین است. وی می‌گوید روند مصالحه ملی، بسیار طولانی خواهد بود، اما در عین حال می‌افزاید: "امروز امکانات برای مصالحه بیش از پنج سال پیش یعنی دوره کورازون آکینو است. امروز میان اهداف سیاسی دولت

ادامه در صفحه ۱۲

www.iranarchive.com